

دانشکده صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

پایان نامه دوره کارشناسی ارشد رشته مدیریت رسانه

رویکردهای اخلاقی در برنامه کودک:

مطالعه نشانه شناسی "فیتله"

چکیده:

یکی از مهمترین دغدغه های جامعه بشری انتقال ارزش های اخلاقی به نسل های جدید است. و از آن جا که در روزگار معاصر رسانه های جمعی بویژه تلویزیون یکی از موثرترین عوامل انتقال این ارزش هاست، این پایان نامه به بررسی رویکرد اخلاقی یکی از برنامه های ویژه کودک یعنی برنامه "فیتیله" می پردازد. سوالهای اصلی این تحقیق عبارت اند از:

- ۱- روش یا روش های تربیتی ارائه شده در برنامه "فیتیله" چیست؟
 - ۲- آیا روش یا روش های تربیتی این برنامه دال بر یک گفتمان اخلاقی است؟
 - ۳- در صورتی که این برنامه دارای گفتمان اخلاقی است، ویژگی های آن چیست؟
- برای گردآوری و تحلیل داده های این تحقیق از روش های متنوع، مرکب از الگوهای کیت سلبی و ران کادوری، رولان بارت و جان فیسک استفاده شده است. در تحلیل یافته های این تحقیق، از آرای جیمز کری در تفکیک دو رویکرد عمده به ارتباطات یعنی رویکردهای انتقالی و آیینی و نظریه آیینی ارتباطات رودنبولر استفاده شده است.
- نتایج پژوهش نشان می دهد که برنامه فیتیله، در تلاش برای هماهنگی با گفتمان اخلاق دینی، محتوایی را به کودکان ارائه کند که از خلال آن کودکان صرفا به زندگی در دنیای "بایدها" رهنمون شوند. این گفتمان اخلاقی باعث می شود برنامه تا حدودی از واقعیتها فاصله بگیرد. هم چنین، نتایج نشان می دهد که برنامه فیتیله واجد ویژگیهای یک آیین (کنش نمادین، اجراء، رفتار مرسوم و...) است و می کوشد تا همچون یک دایه الکترونیک به شکلی آیینی مخاطبان کودک خود را با صورت تازه ای از تربیت که نزدیک به تربیت اسلامی است، پرورش دهد. بر اساس نتایج، مخاطبان این برنامه "فرشته"، "معصوم"، در عین حال "سر به هوا"، "نیازمند نصیحت" و ... تلقی شده اند.

کلید واژه ها: کودک، تربیت، روش تربیت، گفتمان، آیین، نشانه شناسی

فهرست مطالب

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۱	فصل اول: کلیات تحقیق
۲	مقدمه
۴	۱-۱ طرح مسئله
۷	۱-۲ ضرورت و اهمیت تحقیق
۷	۱-۳ اهداف تحقیق
۷	۱-۴ سوال های تحقیق
۷	۱-۴-۱ سوال های اصلی تحقیق
۸	۱-۴-۲ سوال های فرعی تحقیق..
۸	۱-۵ تعریف مفاهیم
۱۲	فصل دوم: مبانی نظری
۱۳	۲-۱ بخش اول: تحقیقات پیشین
۱۳	۲-۱-۱ تحقیقات داخلی
۱۷	۲-۱-۲ تحقیقات خارجی
۱۸	۲-۲ بخش دوم: کودک، فرهنگ و نقش تربیتی تلویزیون
۲۰	۲-۲-۱ کودک و محبوب ترین برنامه های تلویزیون
۲۲	۲-۳ بخش سوم: ارتباطات پدیده ای از اقلیم آشنا
۲۳	۲-۳-۱ ارتباطات علمی از جنس تفسیر
۲۵	۲-۳-۲ رسیدن به ارتباطات از دو شاهراه.
۲۵	۲-۳-۲-۱ دیدگاه انتقالی
۲۶	۲-۳-۲-۱-۱ تأکید های رویکرد انتقالی و کاربرد آن ها در روزگار معاصر.
۲۷	۲-۳-۲-۲ دیدگاه آیینی
۲۸	۲-۳-۲-۲-۱ تأکیدهای رویکرد آیینی و کاربرد آن ها در روزگار معاصر

فهرست مطالب

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۲۹	۲-۳-۳ آیین چیست؟
۳۱	۲-۳-۳-۱ اصطلاحات عمومی در تعریف آیین
۳۳	۲-۳-۴ آیین، گفتمان و مشارکت
۳۷	۲-۳-۴-۱ نوروژ (شاهدی آشنا)
۳۹	۲-۳-۵ ارتباطات رسانه ای شده در شکل آیین.
۴۱	۲-۳-۶ تحول اخلاقی
۴۱	۲-۳-۶-۱ مرحله ای بودن رشد قضاوت اخلاقی از نظر پیاژه
۴۴	۲-۳-۷ جمع بندی چارچوب نظری
۴۶	فصل سوم: روش تحقیق
۴۷	۳-۱- روش تحقیق
۴۸	۳-۱-۱- نشانه، رمز، رمزگان و فرهنگ
۵۰	۳-۲- دلالت و مراتب آن
۵۱	۳-۳- روش های تحلیل مورد استفاده ی تحقیق
۵۱	۳-۳-۱ تحلیل سازه
۵۳	۳-۳-۲ تحلیل رمزگان بارت
۵۶	۳-۳-۳ تحلیل ایدئولوژیک فیسک (تحلیل سه گانه)
۵۷	۳-۳-۳-۱ رمزگان تلویزیون
۵۸	۳-۴- روش نمونه گیری
۵۹	۳-۵- پایایی و روایی
۶۰	فصل چهارم: یافته های تحقیق
۶۱	مقدمه
۶۲	پاسخ اولین سوال اصلی تحقیق
۷۹	پاسخ دومین سوال اصلی تحقیق
۷۹	پاسخ سومین سوال اصلی تحقیق

فهرست مطالب

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۱۱۰	فصل پنجم: نتیجه گیری
۱۱۱	۵-۱ برنامه فیتیله همچون یک آیین است
۱۱۴	۵-۱-۱ استفاده آیینی شده رسانه
۱۱۴	۵-۲ آنچه فیتیله می گوید و آنچه نمی گوید
۱۱۵	۵-۲-۱ آنچه فیتیله می گوید
۱۱۵	۵-۲-۱-۱ سوال های تحقیق و پاسخ آن ها
۱۲۵	۵-۲-۱-۲ حرف های اصیل دایه الکترونیک
۱۲۶	۵-۲-۲ آنچه فیتیله نا دیده می گیرد و نمی گوید
۱۲۸	۵-۳ مشکلات تحقیق
۱۲۹	۵-۴ پیشنهادها
۱۳۱	فهرست منابع
۱۳۴	ضمایم

فصل دوم:

مبانی نظری تحقیق

ادعای دورکیم، به طور اجمال چیزی شبیه این بود: انسان ها تنها با نان، حسابگری و به شکل انفرادی زندگی نمی کنند، پس زیست شناسی، علم اقتصاد و روان شناسی در تصویری که از انسان ارائه می کنند، نقص دارند.

رودنیولر، ارتباطات آیینی

مقدمه:

در این فصل به مباحث تئوریک مرتبط با تحقیق پرداخته خواهد شد تا چارچوبی علمی برای فهم یافته های تحقیق به دست آید. این فصل از سه بخش "تحقیقات پیشین"، "کودک و تلویزیون" و "نظریه ها" تشکیل شده است.

بخش اول:

۲-۱ تحقیقات پیشین

در این قسمت، مروری بر پژوهش های داخلی و یک پژوهش خارجی خواهیم داشت که به نشانه شناسی برنامه های تلویزیونی پرداخته اند. همچنین بر یک پژوهش داخلی انجام شده در ارتباط با جنگ تلویزیونی برای کودکان اشاره ای کوتاه خواهیم کرد.

۲-۱-۱ تحقیقات داخلی

۱- نگین حسینی (۱۳۸۲)، بررسی ویژگی های بصری و درک تصویر در جنگ تلویزیونی برای کودکان (با تمرکز بر نقش آموزش)، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده صدا و سیما
این تحقیق به بررسی نقش درک تصویر و ویژگی های بصری در یک نوع از برنامه های تلویزیونی (جنگ تلویزیونی) ویژه کودکان پرداخته و به طور خاص آن را از حیث ارائه اطلاعات و آموزش کودکان بررسی کرده است. محقق در این تحقیق با استفاده از تکنیک پرسشنامه طی پیمایشی، داده های تحقیق را از ۱۰۰ دانش آموز تهرانی (مدارس ابتدایی) جمع آوری کرده است. بر اساس نتایج به دست آمده در این تحقیق، تصویر، بهترین نظام ارتباطی نمادین برای آموزش کودکان است. در این میان کارتون و فیلم از قدرت آموزشی بیشتری برخوردارند. بیان مسأله آموزشی به طور مستقیم از طرف مجری، چندان خریدار ندارد. برنامه سازان باید در ساخت جنگ های تلویزیونی برای کودکان، تنوع ترکیبی برنامه را بالا ببرند تا ضمن جلب توجه کودکان، مدت زمان توجه آنان به برنامه را نیز افزایش دهند.

همچنین جمع بندی محقق از نظرات دانش آموزان عبارت است از:

کودکان به تصاویری با رنگ های شاد و متنوع بیشتر جذب می شوند. آن ها علاقه ای به رنگ های تیره ندارند. کودکان دکور چند رنگ و لباس رنگارنگ را برای مجری برنامه بیشتر می پسندند و علاقه زیادی به فضاهای رنگارنگ نشان می دهند. اکثر کودکان موسیقی با ریتم تند و

هیجان آور و موسیقی همراه با شعر و سرود را دوست دارند. موسیقی ریتمیک توجه آنان را به موضوع آموزشی بیشتر جلب می کند. اکثر کودکان مجری جوان، شاد، سرزنده، پرتحرک و راحت را دوست دارند و مجری هم سن و سال خود را نمی پسندند. عروسک سخنگو به تنهایی، چندان مورد علاقه کودکان نیست، در عوض آن ها همراهی انسان و عروسک را خیلی دوست دارند. نتایج تحقیق اشاره شده در مورد برنامه فیتله نیز صادق است. به علاوه در این تحقیق، تصویر بهترین نظام ارتباطی نمادین برای آموزش کودکان معرفی شده است که به نوعی نزدیک به فکر اولیه تحقیق پیش رو است که تلویزیون را یکی از منابع مهم یادگیری برای کودکان می داند؛ البته پژوهش حاضر برعکس تحقیق مذکور که برنامه های ویژه کودک را به طور کلان مورد بررسی قرار داده است، به طور خاص و در سطح خردتر به بررسی یکی از برنامه های ویژه کودک آن هم از جهت تربیتی و اخلاقی می پردازد.

۲- کیارش همایون پور (۱۳۸۲)، بررسی نشانه شناختی و جامعه شناختی آثار بلند سینمایی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران

این تحقیق با استفاده از آرای لوسین گلدمن و ژان دو ونیو به بررسی اندرکنش تحولات اجتماعی آثار بلند سینمایی می پردازد و برای بیان چگونگی بازتاب زمینه اجتماعی در آثار از روش نشانه شناسی استفاده می کند. محقق در این مسیر از نگره مؤلف و نظریه روایت استفاده کرده است. وی با بهره بردن از نظریات جامعه شناختی هنر و شیوه های نشانه شناختی از رهگذر تحلیل آثار بلند سینمایی بهرام بیضایی در پی پژوهش درباره بود یا نبود و چگونگی تعامل آثار هنرمند با جامعه معاصرش بوده است.

محقق با طرح پرسش هایی با این مضمون که "تحولات اجتماعی پیرامون فیلمساز تا چه میزان در فیلم های او بازتاب می یابد" و "مؤلف بودن و صاحب سبک بودن هنرمند چگونه این تأثیرات را متجلی می کند" به نتایج زیر رسیده است:

چند مضمون اصلی و تکراری در آثار بهرام بیضایی وجود دارد که عبارتند از: عنصر بیگانه، زن، هویت، تقابل سنت و مدرنیته و جامعه. تکرار این مضامین در آثار بیضایی حاکی از دلبستگی او به این مضامین است. بیضایی با مطرح کردن این مضامین می کوشد تا نگرانی هایش را درباره سرزمین مادری ابراز کند.

به طور کلی محقق آثار بیضایی را آینه ای تمام نما از تحولات اجتماعی معاصر معرفی می کند. نکته قابل توجه در تحقیق فوق، توجه به ارتباط دوسویه موجود بین یک اثر هنری (در این جا فیلم سینمایی) با جامعه ای است که آن اثر از درون آن سر برآورده است. این مهم، همان نکته ای

است که تحقیق حاضر نیز به آن اشاره دارد؛ یعنی تربیت کودک در خلا صورت نمی گیرد. در شرایط کنونی جامعه، علاوه بر همه عوامل مؤثر در تربیت، تلویزیون خواسته یا ناخواسته نقشی مهم در تربیت کودکان دارد.

۳- ام لیلا کریمی (۱۳۸۳)، نشانه شناسی ترانه های موسیقی پاپ با نظر بر تحول فرهنگی ایران در دهه ۷۰، پایان نامه کارشناسی ارشد، علوم اجتماعی دانشگاه تهران.

محقق هدف از انجام این رساله را کشف و استخراج مفاهیم نوخواهی، اعتراض اجتماعی و مقاومت فرهنگی در متن ترانه های موسیقی پاپ دهه ۷۰ ایران بیان می کند. پیرو هدف مذکور، این تحقیق به بررسی تأثیر موسیقی های پاپ بر جوانان و زنان به عنوان نیروهای مهم تأثیرگذار و بسترساز تحول فرهنگی (به گفته محقق) می پردازد. محقق برای رسیدن به مفاهیم مورد نظر، یکی از آلبوم های شادمهر عقیلی را که اشعار آن توسط نیلوفر لاری پور سروده شده، برگزیده است. روش مورد استفاده در این رساله نشانه شناسی است و با توجه به آموزه های سوسور و مدل تحلیلی بر گرفته از محور جانشینی و همنشینی سوسور، در سه بخش به تحلیل نشانه شناختی ترانه ها می پردازد: "مشخص کردن دال و مدلول ها و نشانه ها"، "تحلیل همنشینی" و "تحلیل جانشینی".

در این تحقیق پس از تحلیل متون انتخابی بر اساس مدل تحلیلی ارائه شده، مهمترین نتایج به دست آمده در چهار دسته مفاهیم رده بندی شده است:

دسته اول، واژه هایی هستند که درون مایه های آن ها نشانگر محدودیت آزادی بیان و فریاد اعتراض هستند که با نشانه هایی چون شب، سکوت، تنهایی... تجلی یافته اند.

دسته دوم، واژه هایی هستند که در بردارنده این مطلب است که بهترین راه برای رها شدن از شرایط نامطلوب، رفتن و سفر کردن است، این مفهوم با واژه هایی چون مسافر، خسته و ... بیان شده است.

دسته سوم از واژه ها، در بردارنده مفاهیم نوخواهی، حرکت و بر پا خاستن است.

دسته چهارم، گزاره هایی هستند که امید رسیدن به روشنایی و نشاط و زندگی بهتر در سایه یک وجود با ارزش و قدرتمند را در بردارند.

در تحقیق فوق نیز، ارتباط دوسویه موجود بین یک اثر هنری (در این جا ترانه) با جامعه ای که آن اثر از درون آن سر برآورده مورد توجه قرار گرفته است.

۴- رضا فرخ نژاد (۱۳۸۴)، تحلیل نشانه شناختی مجموعه تلویزیونی امام علی (ع): مطالعه موردی قسمت بیست و دوم، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده صدا و سیما
محقق هدف تحقیق را "پیام" که آن را هسته مرکزی و بخش اصلی علم ارتباطات می داند، معرفی می کند و در این تحقیق با تحلیل نشانه شناختی در پی آسیب شناسی انتقال پیام مد نظر کارگردان است

در این تحقیق از آن جا که رمزگذاری پیام با استفاده از نشانه ها و معانی مربوط به آن ها صورت می پذیرد، محقق تمرکز تحقیق را بر این بعد پیام متمرکز می داند. او می گوید: در تحلیل یک ارتباط تصویری {سریال امام علی (ع)} برای پاسخگویی به این سوال که "به موجب چه ساز و کارهایی این ارتباط محقق می شود" باید بر نظام های نشانه شناختی که در شکل دهی و تولید بهتر و کامل تر پیام عملکرد موفق تری داشته اند، متمرکز شد. در این تحقیق علاوه بر روش های اسنادی، مصاحبه، مشاهده از روش های نشانه شناختی به ویژه روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شده است. به کمک این روش تمامی صحنه های قسمت آخر مجموعه تلویزیونی امام علی (ع) مورد تجزیه و تحلیل نشانه شناختی قرار گرفته است.
محقق نتیجه تحقیق را این گونه بیان می کند:

در بررسی تک تک صحنه های متن تصویری، قسمت بیست و دوم مجموعه امام علی (ع) به کارگردانی داوود میرباقری، به این نتیجه رسیدیم که در مجموع، سریال به موجب کارکردهای چهار نظام نشانه شناختی (تصویری، حرکتی، موسیقی و کلامی) در امر تولید پیام موفق عمل کرده است؛ اما به دلایل مختلف از جمله عنصر تقصیر و ناچاری کارگردان در نزدیکی به شخصیت اولیا و نمایش چهره قدیسین، صحنه های مربوط به یاران امام علی (ع) و صحنه هایی که خود حضرت حضور داشتند، از رمزگان و نظام های نشانه ای به نحو مطلوبی استفاده نشده و در کل عملکرد موفق نداشته است.

این تحقیق بر پیام تمرکز دارد که آن را هسته مرکزی و بخش اصلی علم ارتباطات می داند؛ همانند تحقیق پیش رو که به پیام های تربیتی و اخلاقی برنامه کودک توجه دارد.

۱- Guivian Abdullah (2006), Religion, Television and Culture in Post-Revolutionary Iran ,Thesis submitted for the Degree of Doctor of Philosophy of the University of London

این تحقیق ایجاد و توسعه تلویزیون اسلامی را به عنوان یک آیین مرکزی در نظر می گیرد که با یک جنبش احیا شده ی مذهبی و سپس با مشارکت یک مذهب رسمی در شکل گیری فرهنگ دخیل است. محقق در این پژوهش به بررسی این مسئله می پردازد که "چگونه تلویزیون اسلامی، عقاید مذهبی- انقلابی و سایر اجزای فرهنگ ایرانی را بیان می کند؟"

در این تحقیق، محقق با استفاده از روش های ترکیبی چون مصاحبه به روش *focus group*، مشاهده و مشارکت، نشانه شناسی و تحلیل برهانی به جمع آوری و بررسی یافته های خود می پردازد. در پژوهش مذکور، محقق به این نتیجه رسیده است که تلویزیون اسلامی به مهمترین عامل اسلامی کردن و آیینی کردن اسلام تبدیل شده است و سران انقلاب با حمایت از تلویزیون اسلامی، آن را به نهاد مرکزی جوامع شیعی تبدیل کرده اند و همچنین تلویزیون اسلامی با قابل دید کردن ارزش های جامعه و تأکید بر مرزبندی های اجتماعی علاوه بر اسلامی کردن، ارزش های سایر اجزای تشکیل دهنده فرهنگ ایرانی را هم دربرمی گیرد.

این تحقیق تلویزیون را در کلیت آن مورد توجه قرار داده است و علی رغم آن که به کارکردهای تلویزیون در عرصه فرهنگ پرداخته است بر مساله تربیت کودک تمرکز نداشته است. از این رو، ضمن بهره گیری از مباحث نظری آن، در تحقیق پیش رو با نگاه آیینی به بررسی رویکرد اخلاقی یک برنامه تلویزیونی می پردازیم؛ آن هم با توجه به گفتمان اخلاقی برنامه که بی شک برخاسته از فرهنگ جامعه است.

بخش دوم: کودک و تلویزیون

چنانچه در مقدمه فصل یک اشاره شد امروزه رسانه ها به ویژه تلویزیون منبعی برای ساخت معنای زندگی شده اند و وسیله ای برای انتقال ارزش ها به نسل های بعدی هستند؛ ارزش هایی که خود حاصل فرهنگ یک جامعه اند. بنابراین در این فصل پیش از این که مباحث نظری را مطرح کنیم، لازم است به نقش تربیتی تلویزیون، فرهنگ و تأثیر آن ها بر کودکان به عنوان مخاطبان خاص مورد نظر این تحقیق اشاره ای هر چند کوتاه داشته باشیم.

۲-۲ کودک، فرهنگ و نقش تربیتی تلویزیون

چنانچه اشاره شد یکی از مهمترین دغدغه های موجود در هر جامعه انتقال ارزش های اخلاقی به نسل های جدید است، همان بحث دیرآشنای تربیت یا به گفته ی شریعتی تربیت نخستین. وی در این زمینه می گوید: "رفتار آدمی، تابع روح و احساس او است که زاده ی محیط اخلاقی و تربیت نخستین است." (شریعتی، ۱۳۸۶، ص ۲۸)

در واقع هر جامعه به گفته گونتر و مک آلر (۱۳۸۰) از مردمش می خواهد که از هنجارها و قوانین خاصی تبعیت کنند و خود را به طور صحیح با آن ها وفق دهند. (ص ۱۰۷)

به بیان دیگر، در بستر فرهنگی هر جامعه گفتمان یا گفتمان های خاصی در جریان است که ارزش های رایج آن جامعه را به نسل های بعدی انتقال می دهد. "هر اخلاقی، نظامی با اصول متعدد است و طبیعت آن این است که انسان یاد بگیرد از آن اصول پیروی کند." (یونسکو، ۱۳۸۰، ص ۳۱۴)

امروزه برای آموختن اصول ویژه ی هر جامعه به نسل های جدید، راه های متعددی وجود دارد که رسانه های جمعی یکی از مهمترین روش های مورد استفاده ی هر جامعه محسوب می شوند و بی شک از عوامل تأثیرگذار بر رشد اخلاقی کودکان هستند؛ تا جایی که می توان گفت در جوامع امروز رسانه ها نقش آیینی پیدا کرده اند تا تأکید بر آن چیزهایی داشته باشند که عموماً صحیح هستند و ارزشی متعالی دارند و برخاسته از نظم اجتماعی و فرهنگی هستند که آن ها را دربرگرفته اند. (رودنبولر، ۱۳۸۷) در واقع امروزه به استفاده از رسانه ها به طور گسترده چون یک "عامل جامعه پذیری" مهم نگرسته می شود، یعنی عاملی برای یادگیری اجتماعی و ابزاری برای مشارکت افراد در جامعه پیرامونی شان. (Rosengren & Windahl, ۱۹۸۹)

و در این میان تلویزیون منبع رایجی است که ارزش های فردی و اجتماعی را در بستر فرهنگی هر جامعه به کودکان آن انتقال می دهد؛ تلویزیونی که به گفته شران و همکارانش (۱۳۷۷) تنها رسانه

ای است که تسلطش در زندگی کودکان تقریباً تا ۱۰ سالگی به طول می انجامد و بیش از هر رسانه دیگر یک مجموعه عمومی از اطلاعات را برای دوران نخست اجتماعی شدن کودک آن هم در بستر فرهنگی هر جامعه مهیا می کند. (ص ۱۰۷)

به گفته پستمن (۱۳۸۶) تلویزیون مهم ترین شکل و نحوه خودسازی و خودآگاهی و تفاهم با خویش را در فرهنگ و بر فرهنگ دارد. بدین سبب، چهره ای که از تلویزیون در برنامه های تلویزیونی ترسیم می شود، نمونه ای می شود برای تصویر کلی جهان. به عبارت دیگر، جهان آن گونه دیده می شود که تلویزیون آن را در صحنه های مختلف نشان داده است (ص ۲۰۸).

از نظر فیسک هم، تلویزیون به مثابه یک عامل فرهنگی، به ویژه به عنوان یک منتشر کننده و ایجادکننده معانی عمل می کند. (Fisk, ۲۰۰۳)

تلویزیونی که به بیان فیسک خالق معانی است و به گفته پستمن جهان آن گونه دیده می شود که آن ترسیم می کند، در نظر کودک واقعی است. کودک غیر همذات پنداری با شخصیت های تلویزیونی، زمانی که برنامه ای تمام می شود با شخصیت های آن خداحافظی کرده برایشان دست تکان می دهد. (راتستاین، ۱۳۷۱) مانند یکی از آشنایان یا اعضای خانواده که زمانی را با او سپری کرده و اینک زمان وداع با او رسیده است.

یا به بیان دیگر چنانچه مک کوایل (۱۳۸۲) از قول نوبل می گوید: "شخصیت های تلویزیونی همچون خویشان بیننده که با آن ها سخن می گوید و کنش و واکنش دارد، عمل می کنند. ظهور مداوم و منظم جامعه نمایشی برای بسیاری نقشی همانند خویشان خانواده گسترده ایفا می کند که بیننده به واسطه آنان با جامعه بزرگ تر فراتر از خانواده اش در تماس قرار می گیرد" (صص ۳۲۷-۳۲۸).

این در حالی است که کودکان- تنها به دلیل کودک بودن- نه مهارت چندانی در استنباط مفهوم از محتوای تلویزیون دارند و نه درباره زندگی واقعی جهانی که تلویزیون آن را ترسیم می کند، چندان چیزی می دانند. بنابراین کودکان در حالی به تلویزیون روی می آورند که در مقایسه با بینندگان بزرگسال و نیز سازندگان برنامه های تلویزیونی شناخت کمتری در مورد زبان گفتمانی جهان مادی و معنوی دارند. (دور، ۱۳۷۴)

با توجه به مطالب فوق باید بپذیریم که بی شک تلویزیون کودکان را هدف پیام های خود، به ویژه پیام های اخلاقی برخاسته از بستر فرهنگی جامعه قرار می دهد؛ اما سوالی که این جا مطرح می شود این است که "کودکان ما جذب چه نوع برنامه های تلویزیونی می شوند؟" و "چه برنامه هایی بیشترین تأثیر را بر آنان دارند؟".

۱-۲-۲ کودک و محبوب ترین برنامه های تلویزیون

رشیدپور (۱۳۵۲) از قول هیمل ویت و همکارانش در مورد استقبال کودکان از تلویزیون این چنین می گوید:

جذابیت برنامه های تلویزیونی برای کودکان بیش از هر چیزی در این است که به ایشان امکان و فرصت می دهد تا به ماورای محدودیت های زندگی خود نفوذ کنند و از اطراف دنیای بزرگ و مردمی که در این دنیا به طرق مختلف زندگی می کنند اطلاعات جدیدی به دست بیاورند (ص ۱۶).

نکته ای که هیمل ویت می گوید شاید دیگر در روزگار معاصر دلیل اصلی جذب کودکان به تلویزیون نباشد. امروزه کودکان از طرق متعدد و متنوع می توانند اطلاعات جدید را کسب کنند اما به قول قدما نکته سربسته ای وجود دارد که هنوز هم کودکان را جذب تلویزیون می کند؛ آن هم این که تلویزیون به طور خاص احساس کودک را با برنامه هایش درگیری می کند. "قدرت اصلی تلویزیون در این نهفته است که دریچه قلب ما را بر روی شخصیت ها باز می کند و نه دریچه مغز ما را برای ورود و پردازش تصورات انتزاعی و مجرد و همچنین اندیشیدن به این مقوله ها." (پیستمن، ۱۳۸۶، ص ۲۶۲)

در واقع امروزه قدرت تلویزیون ناشی از توجه آن به پاشنه آشیل مخاطبان به ویژه کودکان یعنی درگیری احساسی آن ها با برنامه های تلویزیونی است و از آنجا که برنامه های تلویزیون حاوی پیام های گوناگون آموزشی، تربیتی و ... هستند، در این صورت به گفته پیستمن کودکان زمانی بهتر دل به تعلیم و تربیت می دهند که آنچه را که به آنان تعلیم داده می شود، دوست داشته باشند. در واقع مردم عموماً چیزی را در تلویزیون تماشا می کنند که دوست دارند و آنچه را که تماشا می کنند، دوست دارند. (arwiseB & Ehrenberg, ۱۹۸۸)

این همان نقطه حساس مخاطبان به ویژه کودکان است. در واقع می توان گفت برنامه تلویزیونی ای محبوبیت خواهد داشت که بُعد سرگرمی آن بر ابعاد دیگرش غلبه داشته باشد. "محبوب ترین برنامه های تلویزیون، آن هایی هستند که تنها برای سرگرمی طراحی شده اند. حتی اگر تهیه کنندگان ضمن پیام های اجتماعی ظریف، مقصود خود را بیان کنند و یا حتی اگر بینش های عمیقی در روابط شخصیت ها بگنجانند، اکثر پیام گیران این بلند پروازی ها را مهم تلقی نمی کنند. تلویزیون در ذهن کودکان با لذت تماشای بی دغدغه سریال ها یا سرگرم شدن پیوند خورده است." (کالینگفورد، ۱۳۸۰، ص ۷)

نمونه موفق آنچه گفته شد سریال تلویزیونی سه سام استریت است که در سال ۱۹۶۹ در آمریکا به نمایش درآمد. این سریال تبلیغاتی با هدف تعلیم و آموزش به شیوه سرگرمی برای مخاطبانی ساخته شده بود که عمدتاً کودکان بین چهار تا هفت سال را در بر می گرفت.

"راه و رسمی که سه سام استریت در استفاده از عروسک های ملوس، افراد مشهور، آهنگ های دلپذیر و تعویض بسیار سریع صحنه ها به کار می برد، کودکان را بسیار مسرور و سرگرم می کرد و از این رو آماده کردن آن ها برای ورود به فرهنگی که دوست دار شادی و خوش گذرانی است، بسیار مناسب و کارساز بود." (پستمن، ۱۳۸۶، ص ۲۹۸)

اشاره ای که پستمن به دلایل محبوبیت و موفقیت برنامه سه سام استریت به عنوان یک برنامه کودک دارد، در این گفته ماسن هم تأیید می شود؛ "کارتون ها به دلیل قالبی که دارند، بیشتر مورد توجه کودکان هستند، البته همه آن ها چنین نیستند بلکه کارتون هایی که در آن ها شخصیت های اصلی فعال هستند، صحنه ها زود به زود عوض می شوند و از جلوه های صوتی و تصویری به میزان زیاد استفاده می شود، بیشتر توجه کودکان را به خود جلب می کند." (ماسن، ۱۳۷۶، ص ۴۲۱)

نکته ای که ماسن می گوید، در مورد برنامه "فیتیله" البته نه به عنوان کارتون بلکه یک برنامه ویژه کودک صدق می کند.

۲-۳ ارتباطات پدیده ای از اقلیم آشنا

هر چند که ارتباطات به شکل علمی اش همچون سایر رشته های علمی محصول اندیشه مردم مغرب زمین است اما شاید ویژگی ممتازش از سایر علوم نه تنها پیوند خوردن با اندیشه مردم دیگر سرزمین هاست بلکه آنچنان خود را با شرایط هر جامعه تطبیق داده است که گویی خودمانی تر از آن وجود ندارد.

این علم خودمانی آن چیزی را که در تار و پود هر جامعه نهفته است به منصفه ظهور می رساند و آنچنان انعطاف پذیر است که از کوچکترین چیزها چون اشارات سر و صورت در یک مکالمه عاشقانه که ملموس ترین وضعیت بروز احساسات آدمی است، دربرمی گیرد تا پیچیده ترین مبانی فکری که افرادی چون دیویی و دورکیم، فیلسوف منشانه سوار بر کشتی ارتباطات می شوند و به صراحت یا به کنایه در این عرصه قلم فرسایی می کنند. چنانچه دیویی در حالت اغراق آمیزی آن را شگفت انگیزترین پدیده می داند؛ و دورکیم به "آیین"^۱ که شکل برجسته ای از ارتباطات است، می پردازد.

اما آنچه که موجب می شود ارتباطات موارد نهفته در تار و پود هر جامعه را به منصفه ظهور برساند، توجه این علم به عنصر اساسی هر جامعه یعنی فرهنگ است. به دیگر سخن، فرهنگ برای ارتباطات به مثابه آب است برای ماهی.

در واقع فرهنگ مایه ی حیات ارتباطات است، همانطور که به تعبیری از فیسک "فرهنگ بدون ارتباطات خواهد مرد". (لیندلف و تیلور، ۱۳۸۸، ص ۱)

به گفته گیویان (۱۳۸۵) ارتباطات مثل بسیاری از پدیده های انسانی دیگر در زمینه فرهنگی جوامع مختلف شکل می گیرد و بنابراین به همان اندازه هم متعلق به حوزه فرهنگ و معناست. از این منظر، مطالعه در حوزه ی ارتباطات اعم از فردی و جمعی در برگیرنده ی دغدغه فرهنگ، معنا و ارزش است، در همین راستا مطالعه درباره ی برنامه های تلویزیونی به عنوان عضوی از خانواده ی ارتباطات جمعی نیز بسیار نزدیک به مطالعه فرآیند خلق و تولید معناست.

اما برای فهم ارتباطات پیش از اینکه به مدد دو نگاه بنیادین به این علم بنگریم و از این طریق به چارچوب نظری این تحقیق برسیم؛ لازم است به مبنای هستی شناختی و معرفت شناختی پژوهش های کیفی در حوزه ی ارتباطات اشاره کنیم؛ چرا که تحقیق حاضر یک پژوهش کیفی است.

¹ Ritual

۱-۳-۲ ارتباطات علمی از جنس تفسیر

بنا به تعریف متداول: "پژوهش کیفی اصطلاحی عام است که مجموعه ای از فنون تفسیری را دربرمی گیرد، و این فنون، در پی توصیف، رمزگشایی، ترجمه، درک معنا و نه فراوانی پدیدارهایی هستند که کمابیش در محیط اجتماعی رخ می دهند." (لیندلف و تیلور، ۱۳۸۸، ص ۴۱)

گیویان (۱۳۸۸) معتقد است آشنایی با روش های کیفی به عنوان یک نگاه وسیع به پدیده های ارتباطاتی و نوعا تلقی فرهنگی و معنایی از آن، همان طور که در جهان، در ایران هم رو به گسترش است، به خصوص این که سنت تاویل و تفسیر که ریشه در علوم دینی دارد، از خصائل فرهنگی ایران به حساب می آید (ص ۱۱).

اما سنت تفسیر گرایی که مبنایی معرفت شناختی برای پژوهش های کیفی در ارتباطات است و از قضا موافق فرهنگ ماست، خود زاده ی چندین سنت فکری است.

چنانچه به گفته لیندلف و تیلور^۲ (۱۳۸۸) پارادایم تفسیری به منزله مبنای هستی شناختی و معرفت شناختی روش های کیفی، از همگرایی چند سنت فکری متعلق به سده های ۱۹ و ۲۰ یعنی فلسفه ایده آلیسم آلمانی، پدیدارشناسی، فلسفه هرمنوتیک، و پراگماتیسم امریکایی^۳ سربرآورده است؛ وی الزامات اساسی آن را به شرح زیر بیان می کند:

- "علوم انسانی" که به تجربه انسان و کنش های اجتماعی او می پردازند و اساسا با علوم طبیعی تفاوت دارند.
- واقعیت ها پدیدارهایی متکثر، همزمان و وابسته به مکان اند.
- واقعیت ها به شکلی اجتماعی، توسط انسان ها، بین آن ها و درخلال فعالیت های بیانی و تفسیری ایشان ساخته می شوند. واقعیت های معنادار، خلق شونده، جمعی و تعاملی، و ذاتا نمادین اند.
- پژوهش باید فهم عمیق از کنش ها، انگیزه ها و احساسات انسان را مقدم بر هرچیز بداند و توضیح دهد که چگونه نظام های نمادین فرهنگی برای انتساب معنا به هستی و فعالیت ها مورد استفاده قرار می گیرند.
- دانش درباره واقعیت های اجتماعی از وابستگی درونی و متقابل پژوهشگر و موضوع پژوهش پدید می آید. پژوهشگر از ابزارهای روش شناختی استفاده نمی کند، بلکه خود ابزار پژوهش است.

^۲ Lindlof and Tailor

^۳ American pragmatism

- داعیه های دانش، به شکلی گریزناپذیر "مقید به موقعیت"⁴ "جزئی، ناتمام، و جانبدارانه" اند.
در نتیجه، پژوهشگران باید به احتمالی بودن داعیه های خود بیندیشند و آن را توضیح دهند.
- دانش حقیقی، حاصل غوطه ور شدن طولانی مدت و گفت و گوهای گسترده در محیط های اجتماعی واقعی است. آشنایی صمیمانه با اجراها و معنای کنش های اجتماعی (مثلا از راه عضویت فعالانه در جامعه مورد بررسی) برای تبیین درست موضوع، از واجبات پژوهش است.
- شواهد مرتبط با کنش اجتماعی که داعیه پژوهش بر آنها استوار است، باید با استفاده از ابزارهای کلامی و روایی ضبط و بیان شوند.
- در داعیه های دانش، تجربه ذهنی و انگیزه های کنشگران اجتماعی در اجراهای معنادارشان باید لحاظ شود.
- نظریه باید به شیوه ای استقرایی و از خلال آزمون مکرر تبیین های آزمایشی⁶ در قبال تجربه تعامل با اعضای گروه، توسعه یابد.
- نظریه باید به شکلی فزاینده مورد درک گسترش یابنده از پدیدارها در موقعیت هایی که اجراها در آنها رخ می دهند، باشد.
- پژوهشگران باید مدام در ابعاد اخلاقی و سیاسی فعالیت های پژوهشی شان تامل کنند.
با توجه به موارد اشاره شده نکته ای که جیمز کری⁷، تاریخ پژوه و نظریه پرداز ارتباطات در ۱۹۷۶، در چکیده دیدگاهش درباره پژوهش کیفی، بیان می کند نیز جالب توجه است. نظر وی به نقل از لیندلف و تیلور (۱۳۸۸) به شرح زیر است:
"تاکید گرایش های تفسیری بر وجود، و نظام مند کردن این تفسیرها باعث شده پژوهش های تفسیرگرایانه آسان یاب تر باشند. تفسیرگرایی، فرایندی است از خلق ادعاهای بزرگ بر پایه موضوع های کوچکی همچون مطالعه آیین های خاص، اشعار، نمایشنامه ها، گفت و گوها، ترانه ها، رقص ها، نظریه ها، اسطوره ها و ارتباط دادن محتاطانه نتایج این بررسی ها به یک فرهنگ یا یک سبک زندگی کلی و عام" (ص ۲۴).
- با توجه به ادعای کری می توان گفت: پژوهش های کیفی به طور عام با توجه به گرایششان به تفسیر، پلی شده اند از فرهنگ به فرهنگ و در این میان پژوهش کیفی در ارتباطات که تفسیرگرایی بنیان آن تلقی می شود به طور خاص، خود را از اعماق راه پر پیچ و خم فرهنگ عبور می دهد تا سرانجام در رجعتی دوباره خود را به فرهنگ پیوند زند.

⁴ Positioned

⁵ Partial

⁶ Tentative explanations

⁷ James Carey

۲-۳-۲ رسیدن به ارتباطات از دو شاهراه

بعد از مبحث کم و بیش فلسفی تفسیرگرایی که ارزش وجودی مطالعات کیفی به ویژه در حوزه ارتباطات را تبیین می کند؛ نوبت آن می رسد که با دو رویکرد بنیادین علم ارتباطات را مورد بررسی قرار دهیم.

به گفته کری (۱۳۷۶) از زمانی که در قرن نوزدهم اصطلاح "ارتباط" وارد گفتار عامیانه شد، دو برداشت متفاوت از آن مطرح بوده است. که هر دو منشأ مذهبی دارند، هر چند که به حیطه های نسبتاً متفاوت تجربیات مذهبی مربوط می شوند. اگر در پی چنگک های آماده ای باشیم که افکار خود را به آن ها بیاویزیم، می توانیم این تعاریف را "دیدگاه انتقالی"^۸ ارتباط و "دیدگاه آیینی" آن بنامیم.

۱-۲-۳-۲ دیدگاه انتقالی

تعریفی که دیدگاه انتقالی از ارتباط ارائه می دهد، در فرهنگ همه کشورها به ویژه جوامع صنعتی، شایع ترین تعریف محسوب می شود و در لغت نامه های امروز، در رأس معانی این واژه قرار دارد.

این واژه با عباراتی نظیر "ابلاغ کردن"، "فرستادن"، "منتقل کردن" یا "اطلاع رسانی" تعریف شده و از استعاره جغرافیا یا حمل و نقل سرچشمه گرفته است.

الگوی "فرستنده-پیام-دریافت کننده" که برگرفته از این دیدگاه است، آغازگر سخن بسیاری از نظریه های ارتباطاتی است. از این منظر، ارتباطات از فرستنده ای آغاز می شود که یک اندیشه، ملاحظه یا واحدهای اطلاعات را تحت عنوان یک "پیام"، "رمزگذاری" می کند. این پیام رمزگذاری شده منتقل می شود و در صورت جستن از دام تحریف و اختلالات احتمالی در مسیر انتقال، به "دریافت کننده" ای می رسد که آن را "رمز گشایی" می کند. این فرآیند خطی با دریافت موفق پیام به سرانجام می رسد. (لیندلف و تیلور، ۱۳۸۸، ص ۲)

با نگاهی به دفتر تاریخ، باب ارتباط؛ مشاهده می کنیم که در قرن نوزدهم جابه جایی کالا یا انسان ها و جا به جایی اطلاعات، فرایندهای مشابهی به شمار می آمدند و به هر دو آن ها، واژه عامیانه "ارتباط" اطلاق می شد؛ اما امروزه چنین نیست. اصل نظر "ارتباط"، ارسال علامات یا پیام ها به فواصل دور، به منظور نظارت است؛ بنابراین جهت گیری اولیه ما نسبت به ارتباط در عمیق ترین

⁸ Transmission view

ریشه های تفکر ما، در فکر انتقال، جای گرفته است: ارتباط فرایندی است که به موجب آن پیام ها در بُعد زمان ارسال و توزیع می شوند تا وسیله ای برای غلبه بر فاصله و انسان ها باشند. این دیدگاه از مذهب سرچشمه گرفته است، هر چند که چنین به نظر نمی رسد، چنانچه به گفته کری (۱۳۷۶) حمل و نقل، به ویژه وقتی که جامعه مسیحی اروپا را با جامعه مشترک آمریکا مرتبط ساخت، شیوه ای از ارتباط با مفهوم عمیق مذهبی به شمار می آمد. این جابه جایی در بعد مکان، تلاشی بود برای برقراری و گسترش ملکوت خداوند، برای به وجود آوردن شرایطی که در آن، ادراک خدا گونه تحقق یابد و شهری بهشتی ایجاد شود؛ هر چند که هنوز خاکی است. بنابراین همانطور که مفهوم اخلاقی حمل و نقل، استقرار و گسترش ملکوت خدایی در زمین بود، مفهوم اخلاقی ارتباط نیز همین بود. در میانه قرن نوزدهم "تلگراف"، یکی بودن ارتباط و حمل و نقل را از بین برد، اما باعث شد گاردنر اسپرینگ، یکی از واعظان آن دوره، اعلام کند که ما "در آستانه برداشت محصول معنوی هستیم؛ زیرا اکنون اندیشه با بخار و سیم های مغناطیسی سیر می کند." همچنین در سال ۱۸۴۸ جیمز ال. بچلدر توانست اعلام کند خدای قادر خودش راه آهن را برای مقاصد مبلغان مذهبی بنا نهاده است. اما همچنان که نیروی علم و دنیاگرایی افزایش یافت، خیلی زود استعاره های آشکار مذهبی کنار رفتند و فن آوری ارتباط در قلب اندیشه جای گرفت (ص ۴۵).

۱-۲-۳-۲ تأکید های رویکرد انتقالی و کاربرد آن ها در روزگار معاصر

هر چند در ابتدای بحث گفتیم که دیدگاه انتقالی در فرهنگ همه کشورها به ویژه جوامع صنعتی، شایع ترین تعریف از ارتباط است و در واژه نامه های امروز، در رأس معانی این واژه قرار دارد. اما به گفته گیویان (۱۳۸۸) این رویکرد واجد جذابیت های خاص و پاسخگویی جنبه های معینی از ارتباطات انسانی است. به ویژه آن که این نظریه در موضوع ارسال پیام از راه دور از طریق رسانه های الکترونیک کارایی دارد و به شکل رضایت بخشی با استعاره آشنای "مجرا" سازگار است. در واقع مشکل اصلی این نظریه در تاکید اصلی آن و در کاربرد های آن نهفته است. امروزه این نظریه به خاطر به کارگیری دیدگاهی محدود، مکانیکی، و غیر واقع بینانه از ارتباطات مورد انتقاد قرار گرفته است.

از طرف دیگر، تاکید اصلی این نظریه بر انتقال "پیام" است. اما، آیا حتی در شکل گیری اولیه آن و برکنار از "فرآیند ارتباطات"، چیزی به عنوان "پیام" موجودیتی مستقل دارد؟ اسلس^۹ (1981) چیزی قریب به همین مضمون می گوید. وی معتقد است پیام چیزی نیست که بتوان آن را

^۹ Sless

"موجودیتی متمایز و مستقل از مولف یا مخاطب، قابل تحلیل دانست" (ص ۲۵). آیا واقعا "انتقال دقیق پیام" تنها دغدغه اصلی انسان‌ها در ارتباطات است یا امکانی است که آن‌ها در انواع فرآیندهای تعاملی زندگی شان دنبال می‌کنند؟

به علاوه پیام را نمی‌توان امری مستقل و همچون یک عین خارجی فرض کرد. "پیام" در فرایندی چند لایه و جریانی وابسته به موقعیت^{۱۰} شناور است؛ فرایندی که جاری در زمان است، جایی که ممکن است فهم متقابل و نفوذ در طی تعامل و نه در قالب پیامی از پیش اعلام شده، محقق شود. در مجموع، نظریه‌های انتقالی ارتباطات شامل گروه وسیعی از نظریه‌ها می‌شود. انگاره حاکم بر این نظریه‌ها و مطالعات ارتباطاتی ملهم از آن‌ها (به عنوان فعالیت‌های نظری و علوم کاربردی)، پایش کارکردهای وسایل ارتباطات جمعی و نظام‌های ارتباطاتی در جهت حفظ وضع موجود و کنترل نگرش‌ها و رفتارهای مخاطبان این وسایل و نظام‌ها در جهت تامین اهداف اجتماعی - سیاسی نظام‌های حاکم بوده است.

به عبارت دقیق‌تر طبق این دیدگاه، رسانه‌های ارتباط جمعی و نظریه‌های مسلط ارتباطاتی به عنوان ابزارهایی ایدئولوژیک در خدمت نهادهای حاکم بر جوامع مدرن بوده‌اند.

۲-۲-۳ دیدگاه آیینی

در مقابل دیدگاه انتقالی و نظریه‌های خطی فهم ارتباطات، دیدگاه آیینی (معناگرا) قرار دارد. باز هم به گفته کری (۱۳۷۶) هرچند ممکن است این دیدگاه رشته‌ای فرعی در مطالعات ارتباط به نظر برسد، اما قدمت آن به مراتب بیشتر از دیدگاه انتقالی است، آن قدر قدیمی که به قول او، در لغت نامه‌ها زیر واژه "غیر مصطلح" فهرست می‌شود. تعریف ارتباط، در این مفهوم، به عبارتی نظیر "قسمت کردن"، "مشارکت"، "اتحاد"، "رفاقت" و "دارای اعتقادی مشترک بودن" برمی‌گردد؛ این تعریف، از همسانی دیرین و ریشه‌های مشترک عبارات "مشترک"، "مشارکت"، "اشتراک" و "ارتباط" بهره می‌گیرد.

از نظر دیدگاه آیینی، ارتباط نه به گسترش پیام‌ها در بُعد مکان، بلکه به حفظ جامعه در بُعد زمان معطوف است. در واقع ارتباطات نه عمل ابلاغ اطلاعات، بلکه بازنمود باورهای مشترک است.

اگر الگوی بنیادین ارتباط از دیدگاه انتقالی، گسترش پیام‌ها در واحد جغرافیایی به منظور اعمال کنترل بر جمعیت است، الگوی بنیادین ارتباطات در دیدگاه آیینی، مراسم مقدسی است که انسان‌ها را با رفاقت و اشتراک، گرد هم می‌آورد.

¹⁰ situational

دیدگاه آیینی از اعتقادی مذهبی ناشی می شود که نقش دعا و مناجات و آیین ها در آن پر اهمیت جلوه می کند. دیدگاه یاد شده سرچشمه یا عالی ترین تجلی ارتباط را نه در انتقال اطلاعات هوشمندانه، بلکه در ایجاد و ابقای دنیایی منظم، با محتوا و فرهنگی می بیند که بتواند به عنوان ناظر و مهارکننده کردار های بشر، عمل کند (صص ۴۷-۴۸).

۱-۲-۲-۳ تأکیده‌های رویکرد آیینی و کاربرد آن‌ها در روزگار معاصر

به بیان گیویان (۱۳۸۸) تلقی آیینی (معناکاوانه)، ارتباطات را تولید و مبادله معانی می بیند. دغدغه این دیدگاه که پیام را یک "متن" (text) تلقی می کند این است که چگونه این پیام ها با مردم تعامل می کنند تا معانی را خلق کنند. به عبارت دیگر پیام، فرآورده ای فرهنگی است، از آن برمی آید، با قواعد آن تولید، و در زمینه آن فهم می شود. این دیدگاه از اصطلاحاتی مانند دلالت استفاده می کند و اساسا بر آن نیست که سوء تفاهمات ارتباطاتی الزاما شاهدی بر ناکارآمدی ارتباط است، بلکه اظهار می دارد که این سوء تفاهمات ممکن است ناشی و نشانه ای از تمایزات فرهنگی بین فرستنده و دریافت کننده پیام باشد. از این منظر، مطالعه ارتباطات، مطالعه متن و فرهنگ است. روش اصلی مطالعه در این دیدگاه، روش های تفسیری و انتقادی، از جمله نشانه شناسی^{۱۱} یا دانش بررسی نشانه ها و معانی است. بنابراین، تاکید این دیدگاه بر زبان شناسی و هنر است و مایل است به جای پرداختن به کنش، به عنوان وجه بیرونی ارتباط، به معنا و ساز و کارهای تولید و درک آن بپردازد. همچنین، در این دیدگاه برخلاف دیدگاه انتقالی، از اتکا بر جنبه های کمی و مطالعه آماری و ریاضی در مطالعه پدیده های انسانی و ارتباطات پرهیز می شود. این نوع تلقی از پیام، راه را برای بررسی موضوعات بسیاری که در مطالعات رسمی و متداول جایی نداشته اند (پدیده هایی مثل مد، ورزش، گروه های حاشیه نشین جامعه و...) باز کرده و به یکی از آبشخورهای اصلی مطالعات فرهنگی^{۱۲} تبدیل شده است. اما رویکرد مورد استفاده ی این پژوهش برای بررسی این متن ارتباطی (برنامه فتیله)، رویکرد آیینی است. از این رو ضروری است آیین، چه به لحاظ مفهومی، چه به لحاظ کاربرد آن در فهم و تفسیر پدیده های ارتباطی تشریح شود.

۳-۳-۲ آیین چیست؟

¹¹ semiotics

¹² cultural studies

"برای ما زبان ها، فرهنگ ها، نقش های اجتماعی، سنت هایمان و ... موارد تعیین شده ای هستند؛ ما اهالی این سرزمین هستیم نه خالق آن." (رودنبولر، ۱۳۸۷، ص ۱۱۸)

ما اهالی این سرزمین هستیم نه خالق آن، گویی انسان در دامن عناصری ازلی پا به دنیا می گذارد، زندگی می کند و سرانجام به دست همان عناصر ازلی با تشریفات به دنیای دیگر بدرقه می شود. به بیان رودنبولر^{۱۳} (۱۳۸۷) آیین ها معمولا راجع به امور ازلی هستند و از عمیق ترین منطق تنیده شده در منظومه های نشانه ای و معنایی ما استفاده می کنند و براساس بنیانی ترین ارزش ها و عقاید ما ساخته شده اند. به گفته گیویان (۲۰۰۶)، به لحاظ تاریخی تفکر آیین به صورت منسجم در قرن نوزدهم به عنوان نوعی از تجارب انسانی - جهانی برای توضیح مذهب وارد ادبیات غلوم اجتماعی و انسانی شد. در واقع مفهوم آیین به عنوان ابزاری تحلیلی برای شناخت سازوکارهای ادامه حیات اجتماعات انسانی توسط دورکیم به کار گرفته شد. از نظر او آیین وسیله ای است که با آن جوامع به طور هم زمان عقاید و ایده آل های جمعی را تولید، آزمایش و اثبات می کنند (ص ۵۲).

دورکیم معتقد است جامعه برای پیوند اجزای خود از شیوه هایی استفاده می کند که آیین یکی از مهمترین آن هاست.

ساختارگرایان دورکیمی^{۱۴} هم آیین را ابزاری می دانند که جمع به وسیله آن عقاید جمعی را خلق و تجربه می کنند. آن ها معتقدند که آیین و اسطوره، جوامع را همبسته و همساز می کند و نظم اجتماعی به وسیله ارزش های نهفته در آیین درونی می شود.

اما مردم شناس فرهنگی، "کلیفورد گیرتز"^{۱۵} آیین را به شیوه ای متفاوت با تلقی دورکیمی استفاده کرده است. او چون دورکیمی ها آیین و اسطوره را مهم می داند اما نه برای اینکه نظم اجتماعی و جهان بینی گروه های اجتماعی را باز می نماید، بلکه به این دلیل که آن را می سازد و به مردم الگویی برای شناخت واقعیت می دهد. از نظر گیرتز و بسیاری دیگر، آیین ها متونی برساخته اجتماع هستند که ما را به تفسیر خود دعوت می کنند." (رودنبولر، ۱۳۸۷، ص ۱۶)

به گفته گیویان (۲۰۰۶) نظریه پردازان غیردورکیمی هم، مانند میشل فیشر و جرج مارکوس^{۱۶} به آیین توجه داشته اند. آن ها بر ماهیت عمومی آیین تأکید دارند و آن را به صورت یک موضوع فرهنگی به منظور معنا دادن به تجارب جمعی می بینند (ص ۵۲).

¹³ Rothenebuhler

¹⁴ Durkheim's sociology

¹⁵ Geertz

¹⁶ Michael Fischer and George Marcus

علی‌رغم استفاده‌های متنوع از مفهوم آیین در شناخت و مطالعه فرهنگها و جوامع انسانی، تعریف واحدی از آیین وجود ندارد و هر یک از محققان به جنبه‌های گوناگون این مفهوم پرداخته‌اند. البته یکی از مشترکات در تلاشهای نظری برای درک مفهوم آیین توجه به کارکردهای آن بوده است. مثلا گیویان (۲۰۰۶) در این زمینه معتقد است "آیین، مهم‌ها را از روزمره‌ها جدا می‌کند، مدل‌های بی‌انتهایی ارائه می‌دهد و چیزها را مطابق اهمیتشان تنظیم می‌کند و در نهایت تجربیات جدیدتری از زندگی ایجاد می‌کند." (ص ۵۲). همان‌طور که آشکار است او در اینجا به اصلی‌ترین کارکردهای آیین اشاره دارد.

تعریف مورد نظر این تحقیق از آیین، تعریفی است که رودنبولر (۱۳۸۷) پس از بررسی و جمع‌بندی مولفه‌های مشترک در تعاریف مختلف این مفهوم ارائه کرده است. از نظر او آیین "اجرای داوطلبانه رفتاری است که به شکلی مناسب برای تأثیرگذاری نمادین بر زندگی جدی یا مشارکت در آن طراحی شده است." (ص ۷۰)

آیین با تأثیر نمادین خود بر زندگی جدی، نسبت مهمی با روابط اجتماعی و نظم اجتماعی برقرار می‌کند؛ یعنی نه تنها چراغی در دست تک‌تک افراد است بلکه روشنایی برای انسجام و گردآوردن جمع نیز هست. به اعتقاد گیویان (۲۰۰۶) برای درک معنای آیین، باید این مفهوم را هم به لحاظ فردی و هم به لحاظ اجتماعی مدنظر قرار داد و دقیقا به همین دلیل است که آیین واجد خصیصه‌ای ارتباطی می‌شود. چنانچه مردم‌شناسی چون ماری داگلاس^{۱۷} آیین را به عنوان یک شکل برجسته از ارتباط می‌داند. به بیانی دیگر، آیین یکی از قوی‌ترین اشکال تأثیرگذاری ارتباطی است.

رون برونتون^{۱۸} هم معتقد است که آیین یک رسانه چندکانال (چندمنظوره) است و یکی از مهمترین روش‌هایی است که در آن درک مذهبی مردم و عقاید فرهنگی آن‌ها بیان و به روش‌های نمادین منتقل می‌شود.

همان‌طور که قبلا هم اشاره شد، با توجه به ماهیت ارتباطی آیین، برخی نظریه پردازان مانند جوزف گاسفیلد و جرسی میشا لویچ رسانه‌ها و مخصوصا تلویزیون را به مثابه اشکال آیینی مطالعه می‌کنند.

۱-۳-۲ اصطلاحات عمومی در تعریف آیین

¹⁷Mary Douglas

¹⁸ Ron Brunton

آیین در قالب تجربیاتی همیشگی و اغلب به صورت ناخودآگاه در زندگی انسانها جاری بوده است. نگاهی به مولفه های مشترک یا به تعبیر رودنبولر (۱۳۸۷) اصطلاحات عمومی در تعریف آیین ما را در درک دقیق تر آیین کمک خواهد کرد. از نظر وی مولفه های مشترکی که در تعاریف مختلف از آیین به آنها اشاره شده است عبارتند از:

- کنش: آیین نه تنها یک اندیشه که یک کنش است. آیین چیزی است که مردم با بدنشان انجام می دهند، همان طور که با اندیشه شان آن را اجرا می کنند. آیین شکل بیرونی دارد. آیین شیوه ای رسمی از کنش است که به شکلی بارز بر کنش نمادین تأکید می کند.
- اجرا: آیین اجرای چیزی برای کسی است (شکلی از ارتباطات است).
- آگاهی، داوطلب بودن: برگزاری آیین چیزی نیست که طبیعتاً یا به طور جسمانی ضروری باشد، بلکه فضیلتی انسانی قلمداد می شود. البته به گفته راپاپورت^{۱۹} که رودنبولر از وی نقل می کند، همواره در انتخاب مشارکت در یک آیین، لحظه های داوطلبانه وجود دارد، اما همین که آن لحظه گذشت، هیچ یک از کنشگران حاضر در اجرای آیین نمی توانند به اختیار، ترتیب منظم نشانه ها را دستکاری کنند. نظم نشانه ها چنان است که باید باشد و نه بدان سان که ما مراد می کنیم. نظم نشانه ها و نظم مرتب اجرای ما شرطی حاکم بر اراده ماست. آیین ها تقریباً همیشه با اجبار اجتماعی خاصی همراه هستند.
- غیرابزاری یا غیرعقلانی بودن: اگر چه غیرابزاری بودن، موضوع غالبی در ادبیات آیین شناسی است اما آیین ها می توانند کارکردهای اجتماعی متعددی داشته باشند؛ مانند ۱- کاهش بی تصمیمی ۲- خلق وفاق ۳- واداشتن گروه ها به انجام عمل که همان قدر عملی و واقعی است. والاس هم کارکردهای کاهش اضطراب، آماده سازی برای مبادرت به انجام کنش و هماهنگی اجتماعی را در تعریف خود از آیین گنجانده است. علاوه بر این بسیاری از آیین های تاریخی به صورت ترفندهایی برای حفظ خاطرات، جامعه پذیری و دیگر اشکال انباشت دانش اجتماعی عمل می کنند.
- در مورد منطق فراعقلانی آیین هم همانطور که رودنبولر اشاره می کند، آیین ها به واسطه منطق نشانه ها، معانی و قواعد اخلاقی عمل می کنند.
- غیرتفریحی بودن: آیین ها نه تنها اموری تفریحی نیستند بلکه ناظر بر امور جدی جامعه هستند. اگرچه آیین ها اغلب همراه با مراسمی اجرا می شوند ولی تنها برای گذران خوش اوقات نیستند. آیین بخشی از زندگی جدی است که این اندیشه از دورکیم نشأت گرفته است. آری آیین

¹⁹ Rappaport

برخلاف بازی کردن، جدی است حتی وقتی که آمیخته با بازیگوشی و سرگرمی باشد. در واقع آیین ها برای انسان های مشارکت کننده در آن ها بسیار جدی هستند و همان طور که در قالب رفتار ظاهر می شوند، بازتاب دهنده عقاید نیز هستند.

- جمعی، اجتماعی: آیین ها معطوف به گروه هستند و بیشتر در موقعیت اجتماعی اجرا می شوند. آن ها شیوه ای از دلالت بر انجام نیات به طور اجتماعی جهت یافته و صورتی از مبادرت به آن ها هستند.

- بیانگر روابط اجتماعی: آیین از شیوه های رفتاری ای که بیانگر روابط اجتماعی هستند، استفاده می کند. هیچ کس تردیدی ندارد که بخش جالب توجه آیین ها، بیان نمادین نظم های اجتماعی ای است که آن ها را دربرگرفته است. به بیان دیگر آیین ابزار نمادین نظم اجتماعی است نه خود آن اما قرائتی از آیین اغلب به عنوان شاهدی از نظم اجتماعی در نظر گرفته شده است. آیین یکی از راه هایی است که از خلال آن نظم اجتماعی حاصل می شود. چنانچه شناخته شده ترین بخش نظریه اجتماعی دورکیم، کارکرد آیین در حفظ نظم اجتماعی بویژه از طریق عاطفه و همبستگی است. هر نظم اجتماعی باید ابزارهای نمادینی برای حفظ و انطباق در اختیار داشته باشد؛ آیین و اسطوره از این زمره هستند.

- شرطی، نه اخباری: آیین ها اغلب در حالتی شرطی اتفاق می افتند. آن ها غالباً نه درباره آنچه وجود دارد بلکه درباره آن چیزی هستند که می تواند، ممکن است یا باید باشد. در واقع آیین ها چندان به این نمی پردازند که دنیا چگونه است بلکه بیشتر درگیر شیوه هایی هستند که فکر می شود دنیا باید چگونه باشد.

- نمادهای متراکم: نمادهای مهم اجتماعی دارای معانی چند لایه و چند وجهی هستند، نمادهای مهم اجتماعی با ویژگی انقباضی یا فشردگی تعریف می شوند. انقباض اشاره به خصایص نمادهای آیینی یعنی معانی، کنش ها و امور گوناگون را در آن واحد می تواند بازنمایی کند. ترنر معتقد است طبیعت فشردن نمادهای آیینی به معنای عاطفی و ایدئولوژیک اجازه می دهد که در مراسم و پیامدهای آن درهم پیامینند.

- رفتار سنتی: رفتارهای سنتی رفتارهای هستند که دیگران در گذشته به همین شیوه آن را انجام داده اند. آیین ها شکل هایی از رفتار سنتی هستند. آیین ها شیوه هایی هستند که امور همواره به آن شکل انجام شده اند.

در آیین چیزهای وجود دارند از قبیل عقاید قالبی، استاندارد شده، به سبک معینی درآمده و نسبتاً ثابت و رسمی که دال بر آن است که آیین امری تکراری است. این تکراری بودن باعث می شود آیین قرابت خاص با رسوم پیدا کند، رسوم قلمرویی هستند که "بایدها" بر آن حکم رانند. در

واقع آیین علاوه بر این که شکلی از رفتار سنتی است نوعی از رفتار مرسوم نیز هست. رفتار مرسوم، رفتاری الزامی، اخلاقی و مرتبط با نظم اجتماعی است.

• رفتارهای به طور مرتب تکرار شونده: بسیاری از آیین ها تقویمی هستند، تکرار چرخه زمانی موجب اجرا آن هاست.

• ارتباطات بدون اطلاعات: آیین، ارتباطی بدون اطلاعات است. آیین بیشتر از اطلاع رسانی با اجرا، بیشتر از رخدادهای ویژه با الگوهای متعالی نظم و بیشتر از تغییر با پذیرش سر و کار دارد.

• توجه به امر قدسی، به عنوان عنصری از زندگی جدی: در هر اجتماع با فرهنگی معین، امر قدسی هر آن چیزی است که از سوی آحاد آن اجتماع بی چون و چرا، به بیان دورکیمی "آنسوی حرمت" و به عنوان غایت جدیت تلقی می شود. هنگامی که امر قدسی به جای الوهیت، قدرت مطلق یا دیگر امور متعالی با ارجاع به فعالیت تعریف می شود، این نکته مسلم فرض شده است که قدسیت موضوعی مربوط به تجربه انسانی از جدیت است.

اما بعد از آشنایی بیشتر با مفهوم آیین، لازم است به چگونگی مشارکت آدمیان بویژه نسل های جدید در آیین ها و به عبارتی دیگر آیینی شدن افراد پردازیم. چرا که آیینی شدن نسل های جدید موجب تداوم اجرا و حتی احیا آیین ها در طول زمان می شود.

۴-۳-۲ آیین، گفتمان و مشارکت

در این بخش پیش از این که به چگونگی مشارکت در آیین و در واقع آیینی کردن نسل های جدید پردازیم و از گفتمان چون رابطی بر این امر بهره گیریم، لازم است به یک نکته کلیدی در مورد عملکرد آیین یعنی پیوند گذشته و آینده نسل های یک جامعه، برای روشن تر شدن چگونگی مشارکت در آیین توسط نسل های متمادی اشاره کنیم.

به بیان رودنبولر (۱۳۸۷) آیین ها همواره به دو سمت ارجاع می دهند:

۱- به سوی گذشته: به سوی نظم اجتماعی و فرهنگی که آیین ها را دربرگرفته است؛ چندان که بوده است.

۲- به سوی آینده: به سوی مردمی که آن ها را اجرا می کنند و آرمانی که اجراکنندگان آیین با آن تعامل خواهند داشت.

ارجاع آیین به گذشته، نمادین است و معنای آیین را عرضه می کند؛ ارجاع آن به آینده بیشتر خصلتی شاخصی دارد و اهمیت اجتماعی ذاتی و به طور سریع قابل فهم بودن آیین را بازتاب می دهد.

برای روشن تر شدن مفهوم خصلت نمادین و شاخصی آیین در ارجاع به گذشته و آینده اشاره ای به الگوی پیرس^{۲۰} در مورد نشانه ها مفید به نظر می آید. پیرس سه وجه مختلف در رابطه دال^{۲۱} (صورتی که نشانه به خود می گیرد) و مدلول^{۲۲} (معنا و مفهومی که نشانه بر آن دلالت دارد) مطرح می کند:

۱- نماد یا وجه نمادین^{۲۳}: در این وجه دال شباهتی به مدلول ندارد اما بر اساس یک قرارداد اختیاری به آن مرتبط شده است- بنابراین رابطه ی میان دال و مدلول باید آموخته شود، مثل زبان؛ در مورد آیین هم همین طور است یعنی وقتی آیین ارجاع به گذشته دارد، ارجاع به سوی نظم اجتماعی و فرهنگی؛ باید معنای دقیق آن ها بویژه به نسل های بعدی آموخته شود.

۲- شمایل یا وجه شمایی^{۲۴}: در این وجه مدلول به خاطر شباهت به دال یا به این علت که تقلیدی از آن است، دریافت می شود مثل اشارات تقلیدی، استعاره

۳- نمایه یا وجه نمایه ای یا شاخص^{۲۵}: در این وجه دال اختیاری نیست بلکه به طور مستقیم به مدلول مرتبط است- این ارتباط می تواند مشاهده یا استنتاج شود مثل "نشانه های طبیعی"، "علائم بیماری"، "وسایل اندازه گیری"، در مورد آیین هم وقتی به آینده ارجاع می دهد یعنی به آرمانی که اجراکنندگان با آن تعامل می کنند باید برای اجراکنندگان اهمیت آن به طور سریع قابل فهم باشد.

از سه وجه مختلف نشانه ای پیرس همان طور که در بالا اشاره شد دو وجه نمادین و شاخص در مورد آیین صدق می کنند. اگر چه شمایل ها هم به کارگرفته می شوند. و در میان این دو وجه، "نمادها عمومی ترین و معمولا مهمترین نوع نشانه مورد استفاده در آیین هستند؛ در واقع ابزارهای آیین عمدتا نمادین است." (رودنبولر، ۱۳۸۷، ص ۱۲۲)

در کل با توجه به ارجاع آیین به گذشته و آینده؛ آیین هم به موقعیت در نظم کیهانی و هم به وضعیت در دنیایی واقعی مربوط می شود. در واقع آیین مشارکت کنندگان خود را با این دو منطق متفاوت احاطه می کند و در ساختاری جاری قرار می دهد؛ آیین ها به کمک نمادها و شاخص ها، مشارکت مشارکت کنندگان خود را به گذشته و به آینده، به آغازها و فرجام ها، به معانی به نسبت ثابت و مدلولات متغیر، رهنمون می شوند. به بیانی دیگر، آیین ابزاری ارتباطاتی است برای یگانه کردن ذهنیت و مادیت، امور عام و موارد خاص، نظم کیهانی و انتظام روزمره، گذشته و آینده و

²⁰ Piers
²¹ Signifier
²² Signified
²³ Symbol
²⁴ Icon
²⁵ Index

ساختارهای بنیادین، وقوع متنوع و متحول زندگی های فردی. (رودنبولر، ۱۳۸۷) و این ها همه یعنی این که آیین منبعی است که معنای زندگی از آن حاصل می شود و آدمی بویژه نسل های نو به نو با پیوند خواسته و ناخواسته به این منبع؛ هم به عنوان عضوی از یک جامعه پذیرفته می شود، هم خود گرداننده این منبع می شود و هم منتقل کننده آن به نسل های بعدی می شود. به عبارت دیگر حضور و مشارکت در یک آیین، شاخصی از پذیرش قدرت نمادین چیزهایی است که گفته یا به آنها عمل می شود.

در حقیقت آیین، در چرخه ی نظم کیهانی و انتظام روزمره، ارجاع به گذشته و آینده، بسان نظامی دلالت مند است که نقش بی بدیل ایجاد معنی را در جامعه بشری آن هم با تمام قدرت بر عهده دارد؛ نظامی دلالت مند از جنس گفتمان.

این جاست که گفتمان با آیین قرابت پیدا می کند بویژه در مطالعات ارتباطی و بالانحص در مطالعات رسانه ای چرا که هر دو در پی خلق معنی در جامعه بشری اند. ارتباطات بابی است در معرفت بشری برای ایجاد، انتقال و حفظ معانی و امروزه رسانه ها در این زمینه فعالیتی ناظر بر خلق، انتقال و حفظ معنای زندگی اند.

"گفتمان به بیان ساده، روش بررسی موضوعی خاصی بر مبنای سازه اجتماعی است. این اصطلاح زمانی در مطالعات رسانه به کار می رود که می خواهیم افکار تثبیت شده و "متکی بر عقل سلیم" راجع به جنسیت، نژاد، طبقه، سن و خانواده را از طریق رسانه بررسی کنیم. می توان چنین پنداشت که گفتمان ها، نظامی دلالت مند هستند، نقش آن ها ایجاد معنی در جامعه به طور کلی و رسانه ای به طور خاص است." (سلبی و کادوری، ۱۳۸۰، ص ۲۶۶)

اگرچه گفتمان ها نظام های دلالت مندی هستند که معانی را تولید می کنند اما گاهی همراهی نظام های دلالت مند دیگری چون آیین، به انتقال و در عین حال به اجرای معانی مدنظر گفتمان ها مانند گفتمان اخلاقی شفافیت بیشتری می دهد. آیین و گفتمان هر دو معنا بخش اند و هر دو نظامهایی اجرایی برای معانی تولید شده هستند. در واقع این دو نظام رفتاری هم پوشانی بسیار زیادی دارند.

اما در مورد نحوه مشارکت در آیین باید گفت: آیین به وسیله نمادها معانی خود را انتقال می دهد و اجرا به عنوان یکی از ویژگی مهم آیین در حکم یک شاخص به عنوان ابزار تضمین اطمینان یک آیین، عمل می کند. اجرا در یک آیین براساس الگوهای آن آیین انجام می شود، بنابراین شکلی از مشارکت در زندگی جدی به شمار می آید. در واقع آیین با ارائه الگوهای ویژه، اجازه درگیر شدن در دنیای معانی تولید شده را می دهد. درگیر شدن در یک آیین هم به گفته رودنبولر (۱۳۸۷) مستلزم واگذاری اختیاری خود، به نظمی از نشانه هاست. در شکل نوعی آیین، کنشگر عضوی از

اجتماعی است که نظم نشانه‌ها برای آن اهمیت دارد (ص ۱۳۰)؛ بنابراین طبق گفته رودنبولر زمانی که در یک اجتماع معین کودکی تشویق می‌شود تا هر روز به تماشای برنامه خاصی بنشیند، به نوعی اختیار او به نظمی از نشانه‌ها ی ارائه شده در آن برنامه سپرده می‌شود تا خواسته و ناخواسته در معانی تولید شده در آن برنامه درگیر شود. به عبارت دیگر این کودک در آن آیین مشارکت می‌کند یا مشارکت داده می‌شود.

اما درباره اجرای آیین، هر چند که اجرای داوطلبانه یکی از ویژگی‌های آیین است اما توجه به این نکته مهم است که آیین همیشه داوطلبانه اجرا نمی‌شود؛ به گفته رودنبولر (۱۳۸۷) این طور نیست که آیین‌ها، همواره اجرای داوطلبانه یا اساساً ابراز نمایشی حالات درونی یک کنشگر باشند. آیین‌ها، همچنین می‌توانند به عنوان شیوه‌های اجتماع‌پذیری به کار روند که در آن‌ها مهم این است که آیین بتواند از خارج بر کنشگر تحمیل شود. البته آیین نمی‌تواند به مثابه شیوه‌ای از اجتماعی شدن، به واسطه‌ی تأکید افراطی بر هم‌نوایی اجتماعی مضمحل شود، چرا که بدین شکل تفاوتی بین آن و اجبار جسمانی وجود نخواهد داشت. و در این صورت، آیین فاقد قدرت اجتماعی کردن می‌شود، چرا که وفاداری شکلی به آن تنها با تداوم حضور عاملی خارجی تضمین شده است. در مقابل، در آیینی اجتماعی‌کننده، منبع اقتداری این عقیده را که باید متناسب با آیین رفتار کرد به کنشگر عرضه می‌کند و به مرور زمان آن عقیده درونی می‌شود و در نتیجه آن کنشگر به اراده خود انتخاب می‌کند که مطابق آن شکل آیینی عمل کند.

کارکرد آیین به عنوان شکلی از رفتار، حالات درونی کنشگر را عمومی می‌کند. و آن‌ها را به قالب کنشی جمعی در می‌آورد. از سوی دیگر، کارکردهای اجتماعی کردن و مطیع‌سازی آیین، حالات عمومی را در مشارکت‌کنندگان درونی می‌کند (ص ۱۳۴).

اما برای روشن‌تر شدن بحث حضور آیین در زندگی جدی و به مشارکت درآوردن نسل‌های متمادی در برگزاری آن و کارکردهای اجتماعی‌اش، در ادامه این بخش به آیین نوروز که یکی از ملموس‌ترین مثال‌های موجود در ایران است، به طور خاص می‌پردازیم.

۱-۴-۳-۲ نوروز (شاهدی آشنا)

نوروز آیین نمادینی است که بر اساس الگوهای خاص هر سال در آغاز فصل بهار برگزار می‌شود. به گفته گیویان (۲۰۰۶) به عقیده ایرانیان باستان، وقتی اهورا مزدا هفتمین مرحله از خلقت خود را تمام کرد، دوره جدیدی در زندگی شروع شد، که این دوره در عصر جدید نوروز نام دارد. قدیمی‌ترین جشن باستانی ثبت شده نوروز در حکاکی‌های سنگی پرسپولیس (مجموعه کاخ و

معبد ساخته شده توسط الکساندر کبیر در ۳۳۴ قبل از میلاد) به چشم می خورد. نوروز از مدت ها پیش جشن گرفته می شد و در ایران هم تعریف شیعی پیدا کرد. حتی خلیفه های سنی و نمایندگان آن ها در ایران به رغم تفاوت دینی که با شیعیان دارند، این واقعه را نادیده نمی گرفتند. جشنواره نوروز امروزه نیز همچنان گرامی داشته می شود و بزرگترین تعطیلات ایران است. این جشن هفت نماد کوچک دارد که در آیین آن به دقت گنجانده شده است. اعتقاد بر این است که گروهی فروهر (فرشته های بهشتی) پنج روز قبل از سال نو زمین می آیند به همین دلیل مومنان باید خود را برای استقبال از آن ها آماده کنند.

امروزه، استقبال از فروهر به این مفهوم نیست بلکه به وسیله خانه تکانی بیان می شود (جشن تمییز کردن خانه) و چهارشنبه سوری (جشن آخرین چهارشنبه سال).

ترکیبی از نمادهای قدیمی و جدید اسلامی اکنون به صورت سنت نوروز یک جا جمع شده است. این جشن قدیمی شامل قرارداد هفت چیز روی سفره است که هر یک نشانه ی هفت مرحله از خلقت و هفت نماد جاویدان است. امروزه قرآن هم در کنار سایر چیزها قرار می گیرد تا به صورت نمادی اسلامی، آغازگر سال نو باشد (ص ۲۰).

اینجاست که می توان نوروز را مصداق این عبارت دانست که آیین نه تنها یک اندیشه که یک کنش است. چرا که آشکارا، نوروز شیوه ای رسمی از کنش است و به شکلی بارز بر کنش نمادین تأکید می کند و به طور گویا تأکید بر روابط اجتماعی و نظم اجتماعی دارد. کنشی که بسیار محافظه کارانه با کمترین تغییرات در خلال توالی نسل ها هر سال در موعدی مشخص اجرا می شود (مشارکتی دنباله دار میان نسل های یک جامعه) و آنچه در آن تغییر می کند اسطوره ها، عقاید و توجیهاتی است که شعائر آن را همراهی می کنند.

به طور مثال رابطه آیین نوروز و وجود عقاید متفاوت راجع به آن در ایران، تاجیکستان، افغانستان، آذربایجان و ... با توجه به اسطوره های هر کشور و فهم مردمان این سرزمین ها، آیین نوروز برای پاسداشت نو شدن سال، هر سال در آغاز فصل بهار برپا می شود اما با توجه به فرهنگ هر کشور در قالب های گفتمانی متفاوت بروز می کند (اسطوره ها، عقاید و توجیهات متفاوت). سواى تفاوت گفتمانی و تفاوت عقیده راجع به نوروز در کشورهای هم جاویر؛ در داخل هر کشور نیز تغییر در اسطوره ها و عقاید نوروز قابل مشاهده است مانند افزودن کتاب آسمانی مسلمانان به نمادهای سفره هفت سین در ایران پس از اسلام یا قرار دادن عیدی در میان صفحات قرآن. در واقع آیین این قابلیت را دارد که در بین نسل های مختلف اجرا شود یا به بیان دیگر، نسل های متمادی با عقاید مختلف را به مشارکت گیرد، در حالی که در اسطوره و عقاید آن به نوعی به روزرسانی اتفاق می افتد. (آیین به جا مانده از باستان اما جاری در روزگار معاصر)

در پخش نوروزی برنامه فیتیله نیز سفره هفت سین چیده شده است، سفره ی که در آن قرآن کریم در سطحی بالاتر از بقیه نمادها قرار گرفته است. در واقع این برنامه در ویژه برنامه نوروزی سعی در آشنا کردن کودکان با آیین کهن اما به روز شده ی نوروز و جلب مشارکت آن ها برای تداوم اجرای این آیین دارد.

۵-۳-۲ ارتباطات رسانه ای شده در شکل آیین

با توجه به مطالبی که تا کنون درباره رویکرد آیینی به ارتباطات و آیین گفته شد و با توجه به این که برنامه فیتیله یک متن ارتباطاتی یا به بیان دقیق تر رسانه ای است؛ لازم است درباره ارتباط موجود بین ارتباطات رسانه ای و آیین اشاره ای داشته باشیم. بشکل خاص می توان به وجود چهار شیوه در نسبت بین "ارتباطات رسانه ای" و "آیین" اشاره کرد (رودنبولر ۱۳۸۷):

۱- رخدادهای رسانه ای و آیین های رسانه ای شده^{۲۶}: انطباق روشن تعریفی رسمی از آیین بر فعالیت های رسانه ای در بررسی وقایع ویژه رسانه ای است؛ آنجا که پوشش زنده تلویزیونی به شکل بخشی کلیدی از برگزاری مراسم، واجد کارکرد می شود. رودنبولر به نقل از کتز و دایان^{۲۷} می گوید، رخدادهای ویژه و مشخص رسانه ای، کارکردی چون برگزاری آیین ها و فرصت ها یا وقفه های ویژه برای گریز از سیطره نظم مرسوم و لحاظ کردن جنبه های مراسمی دارند.

می توان گفت امروزه رخدادهای رسانه ای همان نقشی را ایفا می کنند که به قول دورکیم گردهمایی های دوره ای اجتماعی برای بزرگداشت روح اجتماع ایفا کردند. این نکته کم اهمیتی نیست، چرا که اگر درست باشد دال بر آن است که وسایل ارتباطاتی ای برای غلبه بر این پیش فرض وجود دارد که می گوید برای اینکه آیینی برگزار شود، مردم باید به طور جسمانی دور هم جمع شوند.

۲- استفاده آیینی شده رسانه^{۲۸}: این رفتار که مخاطبان برای تماشای تلویزیون آماده می شوند و رفتار خود را برای تماشای تلویزیون تنظیم می کنند، کاملاً با تعریف آیین که رفتارهای از پیش طراحی شده برای مشارکت نمادین در زندگی جدی تعریف شده است، انطباق دارد.

²⁶ rituals mediated and events media.

²⁷ Katz and Dayan

²⁸ ritualized use media

علاوه بر این برنامه های تلویزیونی باعث بروز رفتارهای مشابه در مخاطبانشان می شود و مهمتر از آن خود مردم می گویند این رفتارها برایشان مهم اند، به عبارت دیگر وقتی این رفتارها با الگوهای معناداری که با عقاید، ارزش ها، انگیزه ها و ابرازات نمادین پیوند دارد، می توان آن ها را نمونه هایی از استفاده کاملاً آیینی شده تلویزیون انگاشت.

یک مثال واضح برای تماشای آیینی شده، تماشای پخش زنده رویدادهای ورزشی از تلویزیون است که نوعی مشارکت را در فرآیند ماجرابی که در حال وقوع است، امکان پذیر می سازد. تماشای برنامه های زنده ورزشی به تماشاگران امکان می دهد احساس کنند با تیم، با یکدیگر و با مدرسه یا شهری که تیم ورزشی نماینده آن است، پیوند دارند. این کارکرد همچنین در آن ها نوعی احساس امنیت جمعی ایجاد می کند و در عین حال که رنگی از شوخی و تفنن دارد، جدی هم هست.

لازم است یادآوری کنیم که حتی برنامه های روزانه تلویزیون هم قابلیت هایی برای آیینی شدن دارند. برای این موضوع حتی اگر هیچ دلیلی هم وجود نداشته باشد، پخش مرتب آن ها کفایت می کند. بعضی توضیح داده اند که چگونه ساختار متن تلویزیون، در طول برنامه ها، روالی ویژه می سازد که با فعالیت های اهل خانه هماهنگ شدنی است. سلبرگ^{۲۹} نشان می دهد که در روال علامت گذاری شده ای که تلویزیون ایجاد می کند، لحظه های خاصی وجود دارد. این لحظه های خاص می توانند به شکلی آیینی، روزهای مهم هفته و روزهای ویژه ای از سال را مشخص کنند.

۳- آیین های فعالیت های رسانه ای: هر یک از حوزه های کار رسانه می تواند از منظر مطالعات آیین مورد بررسی قرار گیرد. اما تا کنون حوزه کارهای خبری بیشتر مطالعه شده اند که در این مورد ثمربخشی مفاهیم آیین به خوبی جا افتاده است. به طور مثال نوشتن روزنامه نگارانه براساس قواعد، فعالیتی اجتماعی و پیروی از قواعد نمادین به منظور مشارکت در زندگی جدی است. این فعالیت با اقتدار اخلاقی حمایت می شود. به بیان دیگر این فعالیت، فعالیتی آیینی است.

۴- تلویزیون به عنوان دین: اساس تشبیه تلویزیون به دین و شباهت کارکردهای اجتماعی آن ها در تکرار مداوم الگوهایی (اسطوره ها، ایدئولوژی ها، حقایق، روابط و...) نهفته است که برای تعریف دنیا و مشروعیت بخشی به نظم اجتماعی به کار می آید. این ادعا را نخستین جرج گربرنر^{۳۰} و همکارانش درباره تلویزیون در آمریکا عنوان شد. مبنای ادعای این گروه از محققان

²⁹ Selberg

³⁰ Gerbner

تاکید بر کارکردها و شباهتهای صوری تلویزیون و دین بوده است. در واقع تلویزیون هم آیین های سنتی و هم آیین های جدید را عرضه می کند تا در تماشاگرانش نوعی احساس حضور در فضای آیینی خلق کند.

همچنین تلویزیون می تواند به چیزهایی که نمایش می دهد جنبه ای مذهبی و متعالی بدهد یا آن ها را فرومایه کند.

البته ادعای گربنر ادعایی کلی است و دیگر محققان بر آن صحنه نگذاشته اند در این جا ضروری است به نکته ی اشاره شود و آن هم اینکه با توجه به مبحث آیین، گفتمان و مشارکت باید در نظر داشت که مشارکت افراد بویژه نسل های جدید در یک آیین اعم از رسانه ای و غیر رسانه ای منوط به درک مفاهیم نهفته در آن است، مفاهیمی که قطعاً برای یک مشارکت کننده کودک بسیار متفاوت تر از یک مشارکت کننده ی بزرگسال است.

۶-۳-۲ تحول اخلاقی

"تحول اخلاقی عبارت از رشد انسان در جنبه هایی از شناخت، رفتار و عواطف است که به کمال انسان در زندگی شخصی، اجتماعی و ... مربوط می شود." (بی ریا و دیگران، ۱۳۷۵، ص ۱۰۶۴)

این مهم برای درگیر کردن افراد یک جامعه بویژه کودکان در یک آیین نقش انکار ناپذیری دارد چراکه اگر کودکانی که به مشارکت در یک آیین دعوت می شوند فاقد قابلیت های اخلاقی متناسب باشند، عملاً آن آیین کارکردهای خود را از دست خواهد داد. بنابراین ضروری است که در این جا به مراحل رشد اخلاقی کودکان به عنوان مخاطبان خاص این تحقیق اشاره ی هر چند مختصر داشته باشیم.

۱-۶-۳-۲ مرحله ای بودن رشد قضاوت اخلاقی از نظر پیاژه

ژان پیاژه^{۳۱} تحقیقات خود را در فرایند رشد اخلاقی بر تبیین نحوه قبول و توسعه "معیارهای اخلاقی"^{۳۲} متمرکز ساخت. او برای فهم چگونگی رشد تفکر اخلاقی در سال ۱۹۳۲ با انجام دادن مصاحبه ها و مشاهداتی بر روی کودکان چهار تا ۱۲ ساله در دنیای طبیعی خودشان کار علمی خود را آغاز کرد. البته تئوری وی در مورد رشد اخلاقی، بیانگر بسیاری از همان اصول و فرایندهای مربوط به رشد شناختی است که وی در باب رشد عقلانی ارائه کرده است. از آن جا که پیاژه معتقد بود رشد عقلانی یا به تعبیر او هوش انسان در جریان زنجیره ای از مراحل کیفی ممتاز از یکدیگر تحقق می یابد، قضاوت های اخلاقی نیز بر مبنای مراحل تکامل می یابد که متناسب با تحولات شناختی عمومی است.

بی ریا و همکارانش (۱۳۷۵) نظر پیاژه را این گونه شرح می دهند:

از نظر پیاژه رشد مفاهیم اخلاقی در کودکان دارای توالی ثابت و نامتغیر است که از یک مرحله اولیه که مرحله "واقع نگری اخلاقی"^{۳۳} نام دارد، آغاز می شود و پس از چند سال به یک مرحله کامل تر به نام "اخلاق توافقی"^{۳۴} یا "اخلاق خودگردان"^{۳۵} منتقل می شود و هیچ کس قادر نیست بدون طی مرحله واقع نگری اخلاقی به مرحله کامل تر پس از آن راه یابد. شیوع مرحله اول اندیشه اخلاقی در کودکانی است که در سنین بین چهار تا هفت سال قرار دارند اما مرحله بعدی بیشتر در کودکان نه یا ۱۰ سال به بالا آغاز می شود. کودکان هفت تا ۱۰ ساله در یک مرحله انتقالی بین دو مرحله قرار دارند و اشکالی از تفکر هر دو مرحله را از خود بروز می دهند.

ویژگی های شناختی در مرحله تفکر اخلاقی واقع نگر

به اعتقاد پیاژه کودکان پیش دبستانی توجه و آگاهی کمی نسبت به قوانین دارند، بنابراین، بازی هایشان به شکل منظم و به هدف برنده شدن نیست. اگر دو کودک سه ساله را در حالی که به تپله بازی مشغولند، مشاهده کنیم خواهیم دید که هر یک قوانین مخصوص به خود دارند. برای آن ها تنها هدف بازی لذت بردن و خوش بودن است. اما در حدود ۵ سالگی کودک توجه و احترام زیادی نسبت به قوانین از خود نشان می دهد.

³¹ Jean Piaget

³² Moral Standards

³³ Moral relsmial

³⁴ Morality of reciprocity

³⁵ Amorality utonomous

در نظر او قوانین دستاورد تلاش قدرت های بیرونی نظیر والدین است و از این رو، پا برجا و نامتغیر است و گذشت زمان نیز آن ها را از بین نمی برد. به سخن دیگر، اندیشه حاکم در این دوران، "مطلق گرایی"^{۳۶} اخلاقی است؛ یعنی در پندار کودک، همه قوانین ثابت و لایتغیر است و تبدیل یا تصرفی نمی پذیرد و کوچکترین سرپیچی و تخطی از آن ها به تنبیهی اجتناب ناپذیر منجر خواهد شد و سرانجام، کسی یا چیزی مجرم و گناهکار را مجازات خواهد کرد. پیازه این مسأله را اعتقاد به "عدالت طبیعی"^{۳۷} می نامد و می گوید کودک تنبیه را واکنش مکانیکی و بازتاب طبیعی مخالف از قانون می داند و پس از هر سرپیچی با نگرانی منتظر نزول بلای تنبیه است. در این مرحله ارزیابی کودکان نسبت به زشتی و شومی یک عمل تنها بر مبنای "پیامدهای عینی"^{۳۸} آن انجام می گیرد و نیت خیر و شر فاعل را در آن دخالت نمی دهند.

باور پیازه بر این است که عامل اصلی واقع نگری اخلاقی کودک در این مرحله "خودمداری" اوست، به این معنا که وی قادر نیست چنان از تجارت خود تبعیت و پیروی کند که اوضاع بیرونی را همانند دیگران، درک کند. او قوانین را موضوعات مطلق و غیر قابل تردیدی می داند که از مراجع قدرت صادر شده است. یعنی هنوز نمی تواند دریابد که پایه اصلی همه قوانین، توافق های دو یا چند طرفه به منظور هماهنگ سازی اهداف متفاوت است. بنابراین، گرایش مسلط در این مرحله، "اطاعت اخلاقی از دیگران"^{۳۹} است.

ویژگی های شناختی مرحله اخلاق توافقی

"واقع نگری اخلاقی در سنین نه تا ۱۰ سالگی بر اندیشه کودک مسلط است، اما از این سنین به بعد و درست زمانی که وی به مرحله عمومی "اعمال صوری"^{۴۰} وارد می شود، گروهی از تغییرات در اندیشه او به وقوع می پیوندد و به موازات رشد و تحول عقلی این دوره، رشد اندیشه در مورد موضوعات اخلاقی نیز تداوم می یابد. ورود به این مرحله جدید، به معنای ظهور شکل تازه های از اندیشه اخلاقی است. پیازه این شکل جدید اندیشه اخلاقی را، اخلاق توافقی (تقابلی) نامیده است که برخی از ویژگی های آن به قرار زیر است:

³⁶ Absolutism

³⁷ Immanent Justice

³⁸ Objective Consequences

³⁹ Moral heteronomy

⁴⁰ Formal operations

قضاوت های اخلاقی این دوره در مورد قوانین اجتماعی، بیشتر "نسبی گرا"⁴¹ است؛ به این معنی که قوانین و مقررات عبارت است از یک سلسله موافقت های قراردادی و دلبخواهی که می تواند مورد تردید و حتی تغییر قرار گیرد. اطاعت از افرادی همانند والدین که دارای قدرت هستند، نه ضروری است و نه همیشه مطلوب؛ سرپیچی و تخلف از قوانین نیز همیشه خطا نیست و قطعاً هم به تنبیه منتهی نمی شود. در قضاوت نسبت به رفتار دیگران، علاوه بر توجه به پیامدهای عینی آن، احساسات و دیدگاه های افراد نیز باید به حساب آید. به اعتقاد نوجوان، تنبیه یک رفتار، همیشه باید مناسب با نیت فاعل و ماهیت سرپیچی (انگیزه مخالف) باشد. تنبیه رفتار نادرست باید به صورتی اعمال شود که یا آسیب وارده تلافی شود و یا لاقلاً به خطاکار بیاموزد که در صورت تکرار موقعیت به گونه بهتری عمل کند؛ و سرانجام باید مساواتی به شکل عدالت برابر، برای همه وجود داشته باشد (صص ۱۰۶۷-۱۰۷۰).

۷-۳-۲ جمع بندی چارچوب نظری

گفتیم که به ارتباطات می شود با دو نگاه بنیادین یعنی دیدگاه انتقالی و دیدگاه آیینی نگرینست و اشاره کردیم که رویکرد مورد استفاده ی این پژوهش برای بررسی این متن ارتباطی، یعنی "برنامه فتیله"، رویکرد آیینی است. حال وقت آن است که نگاه خود را به این رویکرد برای فهم هر چه بهتر یافته های تحقیق دقیق تر مشخص کنیم.

همانطور که گفته شد، تربیت و اصول اخلاقی آن در خلاء ایجاد نشده اند و در خلاء هم جاری نمی شوند یعنی تربیت و پیرو آن مبانی گفتمان اخلاقی موجود در هر جامعه، از فرهنگ آن جامعه برخاسته و در پیوند ناگسستنی با فرهنگ ادامه حیات می دهد. حال توجه به یک محصول رسانه ای که بی شک دست پرورده بستر فرهنگی یک جامعه است، به عنوان نماینده کوچک خانواده ارتباط جمعی، سوق دهنده به دیدگاه معناگرایانه به علم ارتباطات است؛ دیدگاهی که از منظر آن

⁴¹ Relativistic

ارتباط، نه به گسترش پیام‌ها در بُعد مکان، بلکه به حفظ جامعه در بُعد زمان معطوف است؛ نه عمل ابلاغ اطلاعات، بلکه بازنمود باورهای مشترک است.

رویکردی که به بیان مهدی زاده (۱۳۸۴) ارتباط را تولید و تبادل معنا می‌داند و دلبسته آن است که دریابد چگونه پیام‌ها یا متن‌ها در تعامل با مردم قرار می‌گیرند تا معنا تولید کنند؛ یعنی به نقش متن‌ها در فرهنگ وابسته است (ص ۶). در نتیجه همان‌طور که قبلاً هم اشاره شد رویکرد آیینی به ارتباطات به عنوان راهنمایی برای فهم یافته‌های این تحقیق مدنظر است. دیدگاهی که به بازنمود باورهای مشترک توجه دارد، چرا که جامعه برای این که افراد و اعضای کوچک خود را با قواعد اخلاقی آشنا کند، خواه ناخواه از آیین‌ها استفاده می‌کند. به عبارت دیگر جامعه با استفاده از آیین‌ها به افراد خود الگوهای ویژه‌ای برای زندگی اعم از فردی و اجتماعی ارائه می‌دهد. در روزگار معاصر برنامه کودک یکی از پرکاربردترین آیین‌های موجود در هر جامعه است. تمام آنچه در برنامه کودک اتفاق می‌افتد اشکال آیینی است تا ارزش‌های اخلاقی را در کودکان درونی کند. در واقع برنامه کودک بسان آیینی در پی انتقال دنیایی از بایدها به مخاطبان خویش است آن هم با تأکید هر روزه خود بر نظم نمادینی که در زندگی وجود دارد. یعنی برنامه کودک که در این تحقیق برنامه "فیتیله" مدنظر است مانند یک آیین، شیوه و طریق انجام امور و نیز گونه‌ای از انجام امور را به کودکان نشان می‌دهد و با درگیر کردن آن‌ها در مفاهیم ارائه شده، به تعبیر رودنبولر (۱۳۸۷)، به نوعی اختیارشان را به نظمی از نشانه‌های خاص می‌سپارد و کودک را چون عضوی از اجتماع مدنظر خود تعریف می‌کند که این نظم نشانه‌ها برایش مهم است (مشارکت داوطلبانه). به بیان دیگر برنامه کودک به مخاطب خود نهیب می‌زند که اگر قرار است به عنوان یک عضو در جامعه پذیرفته شود باید همانند الگوهایی که در برنامه نشان داده شده است، رفتار کند و از این طریق ارزش‌های اخلاقی ویژه‌ای را در کودک نهادینه می‌کند.

به طور کلی، برای جمع‌بندی یافته‌های حاصل از تحقیق، ابتدا با به کارگیری بحث آیین از منظر ارتباطات (رودنبولر) برنامه فیتیله را مورد بررسی قرار می‌دهیم تا پیش شرط‌های آیین بودن این برنامه را به طور مستدل بیان کنیم. و در ادامه با استفاده از همین دیدگاه در بخش "ارتباطات رسانه‌ای شده در شکل آیین" به ویژه مبحث "استفاده آیینی شده رسانه" به نقش تربیتی تماشای این برنامه به عنوان یک آیین تربیتی می‌پردازیم.

فصل سوم: روش تحقیق

صدای طبیعت، صدای پروردگار است، که از هر درخت و گلی بر من آشکار می گردد. شکوه، عظمت و قدرت او را لمس می کنم. در کتاب بی انتهای طبیعت زیبایی هر پیام را می یابم و ادراک می کنم.

جان کلر، صدای طبیعت

۱-۳- روش تحقیق

در این تحقیق از روش شناسی جان فیسک در نشانه شناسی تلویزیون، برای تحلیل داده ها استفاده شده است. وی (۱۳۸۶) معتقد است که نشانه شناسی سه حوزه اصلی مطالعه دارد:

۱- خود نشانه^۱. این عبارت است از مطالعه انواع گوناگون نشانه ها، شیوه های گوناگونی که معنا را انتقال می دهند، شیوه ای که با افراد استفاده کننده ارتباط برقرار می کنند. چون نشانه از ساخته های انسان است، و تنها در چارچوبی که مردم از آن ها استفاده می کنند، فهمیده می شود.

۲- رمزها یا نظام هایی که نشانه ها در آن سامان داده می شوند. این مطالعه، شیوه هایی را که انواع رمزها بسط داده است تا نیازهای جامعه یا فرهنگ را برآورد، یا مجراهای ارتباطی در دسترس برای انتقالشان را به کار بگیرد، شامل می شود.

۳- فرهنگی که این رمزها و نشانه ها در درون آن عمل می کنند. این به نوبت خود بسته به استفاده این رمزها و نشانه ها برای وجود و شکل آن است (ص ۶۴).

در این تحقیق با ترکیبی از سه حوزه مطالعاتی فوق که فیسک در سایه نشانه شناسی قرار داده است، داده های تحقیق را مورد مطالعه قرار خواهیم داد.

• این پژوهش حوزه اول مطالعه نشانه شناسی ای که فیسک مطرح می کند را در اولین روش تحلیل داده ها یعنی تحلیل سازه (چون رمزهای غیرکلامی، صحنه پردازی، نما، زاویه دوربین و...) مورد بررسی قرار می دهد. برای مثال وقتی در تحلیل سازه ها به رمزهای غیرکلامی مانند لبخندزدن، تاب دادن بدن، با انگشت به بالا اشاره کردن، دست ها را به حالت دعا گرفتن و... اشاره می شود؛ همه شیوه های گوناگونی هستند که معنا را انتقال می دهند و تنها در چارچوبی که مردم از آن ها استفاده می کنند، فهمیده می شوند.

• حوزه دوم یعنی رمزها یا نظام هایی که نشانه ها در آن سامان داده می شوند در این تحقیق با نگاه بارتی و رمزگان پنجگانه او مورد بررسی قرار می گیرد. به طور مثال وقتی بازیگران به دور سر خود شال کردی می بندند و در حالی که موسیقی کردی پخش می شود با رقص، آوازی به این مضمون می خوانند "استان کرمانشاه سلام، سلامی با صد احترام به مردم پاک و غیور، همیشه پرکار و ..."

رمزگان بارت البته با توجه به تحلیل سازه ها که قبل از جدول بارت برای هر صحنه صورت گرفته

¹ sign
² code

است، این را می‌گویید: در معنای ضمنی این صحنه، بر دلآوری مردانه‌ی ایرانیان به خصوص کردها دلالت می‌کند و در تقابل‌های دوگانه‌ی خبر از وجود افراد پاک در مقابل افراد ناپاک، افراد شجاع در مقابل افراد ترسو و... می‌هد؛ نماد همه‌ی افراد پاک و دلیر ایرانی‌ها هستند و دست‌آخر در ارجاع کلی، این صحنه‌ی خبر از وجود ترکیب فرهنگی در کشور ایران می‌دهد.

● در حوزه سوم هم با مددگرفتن از تحلیل سطوح سه‌گانه فیسک، به بستر فرهنگی که رمزها و نشانه‌ها در درون آن عمل می‌کنند، نظر داشته و به گفتمان اخلاقی نهفته در داده‌ها که برگرفته از فرهنگ جامعه است، توجه می‌شود. برای مثال آواز مذکور با توجه به بستر فرهنگی و نشانه‌های تکمیل‌کننده معنای آن یا گفتمان اخلاقی نهفته در آن، گویای این نکته است که ایران و بالطبع ایرانی پاک است، استوار است و مصون از هر چه بدی و علاوه بر آن در گوشه گوشه آن مردان جنگاور حافظ کیان این سرزمین هستند (کشوری با دلیرمردان پاک).

پیش از ارائه توضیحات بیشتر درباره روش‌های تحلیل مورد استفاده در این تحقیق لازم است به اختصار به نکاتی چند در مورد نشانه، رمز و فرهنگ که فیسک در سه حوزه مطالعه نشانه‌شناسی بیان کرده است اشاره کنیم.

۱-۱-۳- نشانه، رمز، رمزگان و فرهنگ

۱- نشانه: سوسور^۳ واژه نشانه را برای مطالعه واحدهای زبانی به کار برد. به نظر او نشانه متشکل از دو عنصر مستقل دال و مدلول است. دال صورتی است که نشانه به خود می‌گیرد و مدلول معنا و مفهومی است که نشانه بر آن دلالت دارد.

با توجه به گفته سوسور، ضیمران (۱۳۸۲) معتقد است نشانه به سه چیز دلالت دارد: ۱. دال ۲. مدلول ۳. وحدت میان دال و مدلول

در حقیقت آنچه میان دال و مدلول وحدت ایجاد می‌کند عامل فرهنگی است. به دیگر سخن، تخصیص یک دال مثلاً صندلی برای چیزی خاص، موکول است به دریافت و قبول اعضای یک جامعه (ص ۹). به طور مثال زبان درآوردن چارلی چاپلین در برنامه "فیتیله" نشانه بی ادبی اوست چنانچه به او تذکر هم داده می‌شود. زبان درآوردن چارلی که به مثابه یک کودک است دالی است که

³ Saussure

بی ادب بودن یک کودک مدلول آن می شود؛ آن هم در فرهنگی که همه این کار را بد و ناخوشایند می دانند.

۲- رمزگان: از نظر فیسک (۱۳۸۰) رمزگان سازمانی از نشانه هاست و رمز "عبارت است از نظامی از نشانه های قانونمند که همه آحاد یک فرهنگ به قوانین و عرف های آن پایبندند. این نظام، مفاهیمی را در فرهنگ به وجود می آورد و اشاعه می دهد که موجب حفظ آن فرهنگ است. رمز، حلقه واسطه بین پدیدآورنده، متن و مخاطب است و نیز حکم عامل پیوند درونی متن را دارد." (ص ۱۲۷) اکو معتقد است که همه ارتباطات آدمی، رمزگانی شده و رمزگانی بودن شرط لازم تفاهم است. او زبان کلامی را جامع ترین و در عین حال پیچیده ترین رمزگان می داند که آدمی در اختیار دارد. (Eco, ۱۹۷۶, P. ۱۰۳) رمزگان یکی از مفاهیم بنیادی در نشانه شناسی است. "فراشد انتقال و دلالت پیام به یاری رمزگان ممکن می شود. رمزگان بنیان دلالت است، یعنی به یاری چیزی موجود (دال)، موردی غایب (مدلول، معنا یا تصور ذهنی) شناخته می شود. در این حالت حضور فرستنده ی پیام ضرورت ندارد." (احمدی، ۱۳۷۱، ص ۵۴)

۳- آخرین حوزه ای که فیسک آن را در حوزه مطالعه ی نشانه شناسی می داند، فرهنگ است. فرهنگی که رمزها و نشانه ها در درون آن عمل می کنند؛ به گفته وی (۱۳۸۱) معانی اجتماعی و نحوه ایجاد آن معانی که با یکدیگر فرهنگ را به وجود می آورند، به طرزی جدایی ناپذیر به ساختار اجتماعی مربوط می شوند و فقط در چارچوب آن ساختار و پیشینه اش توضیح پذیر اند. این ساختار اجتماعی از جمله از طریق معانی ای که فرهنگ می سازد، به طرز متناظر حفظ می گردد (ص ۱۱۷). فیسک (۱۳۸۱) در این رابطه از قول استوارت هال می گوید: "پر واضح است که هر مجموعه از روابط اجتماعی، مستلزم معانی و ساختاری است که زیر بنای آن را تشکیل دهد و موجب بقایش گردد." این معانی نه فقط ناظر بر تجربه اجتماعی، بلکه بیانگر نفس ما هستند. به عبارت دیگر، معانی یاد شده حکم برساخته هایی از هویت اجتماعی را دارند که مردم جوامع را قادر می سازند تا خود و روابط اجتماعی شان را درک کنند. معانی تجربه و معانی سوژه ای (یا نفس) که آن تجربه را دارد، نهایتاً بخشی از همان روند فرهنگی هستند (ص ۱۱۸).

و اما آخرین نکته پیش از ارائه ی روش های تحلیل داده ها، مفهوم دلالت و کاربرد آن در نشانه شناسی است.

۲-۳- دلالت و مراتب آن

"دالت پدیداری است انسانی. انتقال اطلاعات یعنی انتقال معنا یا معنایی به دقت معین. فقط در مواردی که گیرنده ی پیام انسان باشد، یعنی پیام را فراتر از آن "معنا یا معنای به دقت معین" تأویل کند، می توان از "دالت پیام" یاد کرد. در واقع هر کنش ارتباطی میان افراد انسان پیش فرض وجود نظام دالت گون را همچون شرط ضروری تحقق در خود دارد." (احمدی، ۱۳۷۱، ص ۵۴)

در نشانه شناسی، دالت ها به دو دسته مستقیم و ضمنی تقسیم می شوند، این تقسیم بندی در واقع تفکیک وجوهی است برای تشریح رابطه ی میان دال و مدلول و تمایزی تحلیلی که میان دو نوع مدلول به وجود می آید. معنا توسط هر دو این دالت ها به وجود می آید. به بیان چندلر (۱۳۸۶) "دالت مستقیم" به طور عادی به عنوان معنای "ملفوظ"، "اشکار" یا "مطابق عقل سلیم" نشانه تلقی می شود، اما نشانه شناسان آن را معنایی می دانند که صرفاً به طور گسترده مورد توافق عام قرار گرفته است. در نظر بارت یک نشانه با دالت مستقیم در "مرتبۀ ی اول دالت" قرار دارد. در این چارچوب، دالت ضمنی، نشانه ای با مرتبه ی بالاتر است که از دال یک نشانه با دالت مستقیم مشتق شده است. با این وجود، هیچ تمایز واضحی میان دالت مستقیم و دالت ضمنی وجود ندارد (ص ۳۲۱).

همچنین "دالت ضمنی"^۴ را می توان روابط اجتماعی- فرهنگی و "شخصی" ای دانست که توانایی رمزگشایی یک متن را به خواننده می دهد. این اصطلاح همچنین در مورد رابطه ی میان دال و مدلول نیز به کار می رود. بارت دالت ضمنی را "مرتبۀ دوم دالت" می نامد. در این مرتبه، نشانه ی مستقیم (دال و مدلول) به عنوان یک دال است که به یک مدلول اضافی نسبت داده می شود. در این چارچوب، دالت ضمنی یک نشانه است که از دال یک نشانه ی مستقیم مشتق شده است (بنابراین دالت مستقیم به زنجیری از دالت های ضمنی می انجامد و به طبقه، سن، جنسیت و نژاد تفسیرگر بستگی دارد) (ص ۳۱۸).

اما موضوع دیگری را رولان بارت در ارتباط با دالت های ضمنی مطرح کرد، که آن اسطوره^۶ بود. بارت می گوید "مراتب دالت" یعنی دالت مستقیم و دالت ضمنی ترکیب می شوند تا ایدئولوژی

^۴ -Denotation

^۵ - Connotation

^۶ -Myth

را به شکل اسطوره تولید کنند. بارت اسطوره را مرتبه ی سوم دلالت می نامد. اسطوره ها از طریق رمزگان کار می کنند و به کنش ایدئولوژیک طبیعی سازی کمک می کنند (ص ۳۳۰). همچنین به گفته چندلر (۱۳۸۶) عملکرد اسطوره ها طبیعی ساختن واکنش های فرهنگی - به عبارت دیگر، غالب ساختن رفتارها، باورها و ارزش های فرهنگی و تاریخی که کاملاً "طبیعی"، "عادی"، "خودآگاه"، "همیشگی" و مطابق "عقل سلیم" به نظر می آیند- و بنابراین عینی و "حقیقی" جلوه دادن آن ها در مقابل "بودن چیزها" است. در واقع، در سومین مرتبه ی دلالتی (اسطوره ای یا ایدئولوژیک)، نشانه ها بازتابی از اصلی ترین مفاهیم متغیر فرهنگی هستند که حامی یک دیدگاه جهان شمول خاص - مانند پدرسالاری، زن سالاری، آزادی، فردگرایی، عین گرایی، نژاد پرستی و غیره اند.

۳-۳ روش های تحلیل مورد استفاده ی تحقیق

در تحقیق حاضر از ترکیب سه روش نشانه شناسی برای تحلیل یافته ها استفاده شده است. روش تحلیل سازه، روش تحلیل پنج رمزگان بارت و روش تحلیل سطوح سه گانه فیسک.

۳-۳-۱ تحلیل سازه

طبق نظر کیت سلیبی و ران کادوری (۱۳۸۰) یکی از حیطه های اصلی برای تحلیل هر متن رسانه ای بررسی سازه است، چرا که "تمام متون رسانه ای از زبان خاص رسانه ساخته می شوند و رمزهایی که انتخاب می شوند نیز اطلاعات فرهنگی خاصی را منتقل می سازند. سازه دو وجه دارد: ۱) میزانشن و ۲) رمزهای فنی سازه.

تحلیل میزانشن صرفاً مشتمل بر ابعادی است که با تئاتر (صحنه پردازی، وسایل صحنه، رفتار بازیگران و ارتباط های غیر کلامی آن ها، لباس ها و چهره آرایشی) تداخل می یابد. رمزهای فنی ترکیب بندی شامل اندازه نما، زاویه دوربین، نوع عدسی، ترکیب بندی و... هستند. برای کنترل این عناصر کارگردان فیلم یا اثر تبلیغاتی رویداد را مقابل دوربین شکل می دهد و لازم است کاملاً بدانید که چگونه این فنون گوناگون برای ایجاد تأثیرهای خاص به کار می روند (ص ۲۸).

اما برای این که هر چه بهتر بتوانیم جنبه های مهم تر هر تصویر را مجزا کنیم با استفاده از مفاهیم نشانه شناسانه دال و مدلول معنای هر یک از گزینه ها را در پیوند با رمزهای فنی در جدول ۱ ارائه می کنیم.

جدول ۱، گزینه هایی که بر اساس رمزهای فنی ارائه می شوند. (سلیبی، ۱۳۸۰، صص ۸۱-۸۲)

مدلول	دال
	<u>اندازه نما</u>
عاطفه (احساس)، لحظه حیاتی، درام	نمای بسیار درشت
نزدیکی (صمیمیت)	نمای درشت
رابطه شخصی با سوژه	نمای متوسط
زمینه (بافت)، فاصله عمومی	نمای دور
	<u>زاویه دوربین</u>
سلطه، قدرت، حاکمیت	سرازیر
برابری	هم سطح چشم
ضعف، ناتوانی	سربالا
	<u>نوع عدسی</u>
دراماتیک	زاویه باز
روزمرگی، زندگی عادی	عادی
چشم چرانی	تله فتو
	<u>ترکیب بندی</u>
دارای حالت آرام، حالت مذهبی	متقارن
زندگی روزمره طبیعی	نا متقارن
فقدان تضاد	ایستا
آشفته‌گی، سردرگمی	پویا
	<u>وضوح</u>
توجه را جلب می کند: "به این نگاه کن"	وضوح انتخابی
رابطه عاشقانه، غم غربت (نوستالژی)	وضوح ملایم (حالت کانونی محو)
	عمق میدان (حالت)

<p>تمام عناصر مهم هستند: "به همه چیز نگاه کن"</p> <p>خوش بختی</p> <p>یأس (حزن)</p> <p>تئاتری، دراماتیک</p> <p>واقع گرایانه، مستند</p> <p>خوش بینی، شوق، انگیزش</p> <p>بدبینی، آرامش، عقل</p> <p>واقع گرایی، واقعیت، بالفعل شدن</p>	<p>کانونی عمیق)</p> <p><u>نورپردازی</u></p> <p>مایه روشن</p> <p>مایه تیره</p> <p>پر تضاد</p> <p>کم تضاد</p> <p><u>رنگ</u></p> <p>گرم (زرد، نارنجی، قرمز، قهوه ای)</p> <p>سرد (آبی، سبز، بنفش، خاکستری)</p> <p>سیاه و سفید</p>
--	---

۲-۳-۳ تحلیل رمزگان بارت^۷

سجودی (۱۳۸۲) تحلیل رمزگان بارت را این چنین تشریح می کند:

بارت در اس/زد، تحلیل کم و بیش فراگیری از رمزگان دخیل در خواندن و نوشتن ارائه می دهد که شرح مختصری از آن در اینجا ضروری به نظر می رسد. اس/زد در واقع تحلیل همه جانبه ای است که بارت از سارازین بالزاک به دست می دهد. هدف بارت آن است که ماهیت دلالتگر کلی متن را نشان دهد. روش او عبارت است از تقطیع داستان (یا به قول خود بارت فروپاشاندن آن؛ گویی زلزله ای خفیف آمده باشد) به ۵۶۱ واحد خوانش و سپس تحلیل این "دال های متنی" بر اساس پنج رمزگان که عبارتند از:

⁷ Barthes

۱- رمزگان هرمنوتیکی^۸

رمزگان هرمنوتیکی عبارت است از همه ی واحدهایی که نقش شان عبارت است از طرح سوال، پاسخ به آن سوال و طیف متنوعی از رویدادهای تصادفی که ممکن یا سوالی را صورت بندی کنند و یا پاسخ به آن را به تأخیر بیندازند؛ یا حتی معمایی را طرح کنند و ما را به سوی راه حل آن رهنمون کنند. سجودی به نقل از هاوکس بیان می کند که این به واقع همان رمزگان داستان گویی است، که روایت به واسطه ی آن سوالاتی را پیش می کشد، و تعلیق و رمزوارگی می آفریند، و سرانجام در مسیر خود گره گشایی می کند. این رمزگان معمولا با نظام نحوی، واژگان و غیره سر و کار دارد و می توان آن را بر اساس "شکل" کلی اش تشخیص داد: یک روند رمزآلود به همراه وعده ی ضمنی رمزگشایی: آفرینش حالت تعلیق، و به دنبال آن گره گشایی. برای مثال وقتی مجری برنامه فیتله می گوید: "به نام خدای بزرگ و مهربون، به نام او آغاز می کنیم... (با اشاره انگشت به بالا). سلام به شما گل ها، سلام به شما بچه ها، سلام... بر اساس رمزگان هرمنوتیکی این سوال ها مطرح می شوند: چرا برنامه را با نام خدا آغاز می کنند؟ چه نسبتی بین گل ها و بچه ها وجود دارد؟ این سوال ها به همراه سوال های رمزگان بعدی موجب ملموس تر شدن پیام این صحنه که ظاهرا سلام و احوال پرسی ساده ی است، می شود و به گفتمانی خاصی در پس این پیام اشاره می کند.

۲- رمزگان واحدهای کمینه ی معنایی^۹ (semes) یا دال ها

مقصود رمزگان معناهای ضمنی است که از اشارات معنایی یا "بازی های معنا" بهره می گیرد و توسط دال های بخصوصی تولید می شود؛ برای مثال در یکی از واحدهای خوانش داستان سارازین می خوانیم: "ساعت الیزه بوربون تازه به صدا درآمده بود و فرا رسیدن نیمه شب را اعلام کرده بود" که به طور ضمنی نشان دهنده ی ثروت بادآورده و نا سالم است. بارت خود در این زمینه نوشته است، "محلله ی نوکیسه ها از طریق رابطه ای مجازی معرف پاریس دوران بازگشت بوربون ها به تخت است، دوره ی اسرارآمیز ثروت های بادآورده و مشکوک؛ کانون احتکار و سفته بازی. این رمزگان کم و بیش شبیه مضمون آشنای نقد انگلیسی -آمریکایی، یعنی "درونمایه" یا "ساختار مضمونی" است. در این رابطه وقتی مجری در ادامه احوال پرسی خود می گوید: "خدایا خداوندا شکر یک روز دیگه، پیش شما، کنار سفره هفت سین شما، کنار کانون گرم خانواده شما هستیم با

⁸ Hermenotic

⁹ Semes of Signifiers

برنامه "فیتیله عیدا تعطیله". به طور ضمنی خبر از پذیرفته شدن برنامه "فیتیله" در جمع خانواده ها می دهد.

۳- رمزگان نمادین^{۱۰}

رمزگان نمادین "گروه بندی ها" یا ترکیب بندی های قابل تشخیص است، که به طور منظم در شکل های متفاوت و به شیوه های مختلف در متن تکرار می شوند و سرانجام ترکیب بندی غالب را می سازند. مثلا در واحد خوانش "عمیقا در یکی از رویاهای روزانه ام فرو رفته بودم" در تقابل یا ماهیت متضاد "روز/ رویا" نشان داده شده است. مثال دیگر در صحنه احوال پرسى مجرى برنامه فیتیله است که شاهد تقابل های دوگانه ای چون سلام/ هر کلام دیگر، بزرگترها/ بچه ها و خانواده/ هر نهاد دیگر هستیم.

۴- رمزگان کنشی^{۱۱} (proairetic)

مقصود رمزگان ناظر بر "کنش ها" است. این نوع رمزگان در "توانایی عقلانی تعیین نتیجه ی عمل" ریشه دارد. مثلا واحد خوانش "عمیقا در یکی از رویاهای روزانه ام فرو رفته بودم" نشان دهنده حالت جذب و فریفتگی است (عمیقا... فرورفته بودم) و خود به طور ضمنی حکایت از وقوع رویدادی برای ختم این حالت دارد. به عبارت دیگر این رمزگان با زنجیره ی رویدادها سر و کار دارد که در جریان خواندن و با گردآمدن اطلاعاتی که روایت به ما می دهد، ثبت می شوند و نامی به خود می گیرند، مثلا می گوئیم سکانس "قتل" یا سکانس "ولگردی".

۵- رمزگان فرهنگی^{۱۲} (یا ارجاعی)

این رمزگان به شکل صدایی "اخلاقی"، جمعی، بی نام و مقتدر تجلی می یابد که از جانب و درباره ی آنچه دانش "پذیرفته شده" یا خرد نامیده شده است، سخن می گوید. رمزگان فرهنگی مجرای ارجاع متن است به بیرون، به دانش عمومی. رمزگان فرهنگی قلمرو اسطوره شناسی و ایدئولوژی است... درهم بافته شدن این مرجع ها حس واقعیت را در متن به وجود می آورد، زیرا خود این افکار باورهای "طبیعی" و موجه فرهنگی اند؛ این ها را همگان به طور طبیعی می دانند. برای مثال

¹⁰ Symbol

¹¹ Act

¹² Reference

وقتی مجری می گوید: یاد خدا باعث آرامش دلهاست، ارجاع به مذهب و آموزه های دین اسلام دارد و وقتی که مجری خدا را شکر می کند برای این که با برنامه فیتیله، کنار سفره هفت سین در کنار خانواده ها حضور می یابد ارجاع به ارزش خانواده، آداب و رسوم جاری در آن دارد. در کل به نظر بارت این پنج رمزگان، قابلیت فهم متن را سامان می دهند. دو رمزگان، یعنی رمزگان کنشی و رمزگان هرمنوتیکی عامل حرکت متن به جلو هستند و متن را از نقطه ای به نقطه ی دیگر و به سوی آن غایت اجتناب ناپذیر پیش می برند و سه دستگاه رمزگان دیگر، یعنی رمزگان دال ها، رمزگان فرهنگی و رمزگان نمادین اطلاعات اساسی را فراهم می کنند، و معانی ضمنی لازم برای تکمیل قابلیت فهم متن را به دست می دهند.

۳-۳-۳ تحلیل ایدئولوژیک فیسک (تحلیل سه گانه)

فیسک (۱۳۸۰) سه سطح را به طور اختصاصی برای بررسی متون تصویری با عنوان رمزگان تلویزیون با اشاره به رمز و نقش آن در فرهنگ بیان می کند:

رمز، حلقه واسطه بین پدیدآورنده، متن و مخاطب است و نیز حکم عامل پیوند درونی متن را دارد. از راه همین پیوند درونی است که متون مختلف، در شبکه ای از معانی به وجودآورنده دنیای فرهنگی ما با یکدیگر پیوند می یابند. این رمزها در ساختاری سلسله مراتبی و پیچیده عمل می کنند. البته طبقه بندی این رمزها بر اساس مقوله هایی دلخواه و انعطاف پذیر صورت گرفته است، کما این که سطح بندی رمزها در این سلسله مراتب نیز همین طور است. (برای مثال "گفتار" در رمز اجتماعی و "گفت و گو" (به معنای سخن مکتوب) در رمز فنی جای دارد، حال آن که بین این دو نمی توان تمایز قائل شد.) همچنین فیسک بیان می کند که روانشناسان اجتماعی مانند برن^{۱۳} نشان داده اند که عرف های تعاملی فرهنگ غالباً گفت و گو را در "زندگی واقعی" برای ما مکتوب می سازند. به طریق اولی، تعیین نقش بازیگران فیلم را "رمز متعارف بازنمایی"^{۱۴} و ظاهر آنان را "رمز اجتماعی" نام نهاده اند، لیکن تفاوت این دو رمز در این است که اولی به قصد و نیت دلالت می کند و دومی به وضوح و صراحت. در هر حال حضور انسان ها در "زندگی واقعی"، همواره حضوری رمزگذاری شده است. به سخن دیگر، ادراک ما از اشخاص مختلف بر اساس ظاهرشان، طبق رمزهای

¹³.Berne

¹⁴.Representation

متعارف در فرهنگمان شکل می گیرد. مسئول انتخاب بازیگران، با استفاده از این رمزها، کارش را آگاهانه تر و متعارفانه تر و به عبارت دیگر، به نحوی کلیشه ای انجام می دهد.

۱-۳-۳-۳ رمزگان تلویزیون

به بیان فیسک (۱۳۸۰) واقعه ای که قرار است از تلویزیون پخش شود، پیشاپیش با رمزهای اجتماعی رمزگذاری شده است. برخی از این رمزها عبارت اند از:

سطح اول، "واقعیت" که شامل ظاهر، لباس، رفتار، گفتار، حرکت های سر و دست و... است. این رمزهای اجتماعی را رمزهای فنی به کمک دستگاه های الکترونیکی رمزگذاری می کنند. این سطح در تحلیل سازه ها (رمزهای میزاسن) برای همه صحنه های این تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است و در تحلیل سطح اول فیسک، نتیجه برداشت شده از آن ها بیان می شود.

سطح دوم، "بازنمایی" که شامل دوربین، نورپردازی، تدوین و... که رمزهای متعارف بازنمایی را انتقال می دهند و رمزهای اخیر نیز بازنمایی عناصری دیگر را شکل می دهند؛ از قبیل روایت، کشمکش، شخصیت، گفت و گو و... (که در این سطح به معانی ضمنی متن نزدیک می شویم). در این سطح هم از نتایج تحلیل سازه ها (رمزهای فنی) که برای همه صحنه ها مشخص شده است، برای هر چه دقیق تر بیان شدن معنا استفاده می شود.

در نهایت سطح سوم، "سطح ایدئولوژیک" که عناصر موجود در دو سطح اول و دوم را در مقوله های "انسجام" و "مقبولیت اجتماعی" قرار می دهند. برخی از این رمزها عبارتند از: طبقه اجتماعی، پدرسالاری، فردگرایی، مادی گرایی و... (صص ۱۲۷-۱۲۸). در این سطح با توجه به پنج رمزگان بارت به ویژه "رمزگان فرهنگی یا ارجاعی" و همچنین مباحث ایدئولوژیک زیر، تحلیلی از صحنه ها ارائه می شود:

- بحث ایدئولوژیک "پیش نامزدی" بارت، که اشاره به ارزش های مفروض و مسلم هر جامعه دارد؛ ارزش های که چنان اساسی، مشترک و طبیعی اند که نیازی به اثباتشان نیست.
- بحث ایدئولوژیک که آلتوسر^{۱۵} آن را "صدا زدن" یا "فراخوانی" می نامد. این موضوع به ویژه به ارتباطات مربوط است، زیرا در هر کنش ارتباطی عمل می کند. همه ارتباط ها به کسی خطاب می شوند، و در خطاب به آن ها، ایشان را در رابطه ای اجتماعی قرار می دهند.

¹⁵ Althusser

• بحث ایدئولوژیک "فهم متعارف" است. یکی از راهبردهای اصلی توأم با استیلا (نظریه استیلائی آنتونیو گرامشی) بنا کردن "فهم متعارف" است. این فهم بر گرفته از اندیشه حاکم بر جامعه است. برای مثال فهم متعارف حکم می کند تبهکاران افرادی شریر یا بی کفایت اند که به مجازات یا اصلاح نیاز دارند. (فیسک، ۱۳۸۶)

فیسک معتقد است که "معنا فقط زمانی ایجاد می شود که واقعیت و انواع بازنمایی و ایدئولوژی در یکدیگر ادغام شوند و به نحوی منسجم و ظاهراً طبیعی به وحدت برسند." (فیسک، ۱۳۸۰، ص ۱۳۰) در کل روش های تحلیل سازه ها، پنج رمزگان بارت و تحلیل سه گانه فیسک مکمل یکدیگر بوده و تا حدودی در هم ادغام شده اند.

۳-۴ روش نمونه گیری

در این تحقیق "ویژه برنامه فیتله" که در تعطیلات عید نوروز سال ۱۳۸۸ از سیمای جمهوری اسلامی ایران پخش شده است، تحلیل می شود. روش نمونه گیری در این تحقیق، نمونه گیری تدریجی است. "استراتژی های نمونه گیری تدریجی عمدتاً بر پایه "نمونه گیری نظری" مبتنی اند که توسط گلیرز و اشتراوس ابداع شد. تصمیم گیری درباره انتخاب و در کنار یکدیگر قرار دادن اطلاعات طی فرایند گردآوری و تفسیر داده ها انجام می پذیرد. یعنی تحلیل گر به طور همزمان داده هایش را گردآوری، کدگذاری و تحلیل می کند و تصمیم می گیرد که چه داده هایی را در مرحله بعدی گردآوری کند تا بدین وسیله نظریه اش را در حین شکل گیری اش تدوین کند." (فلیک، ۱۳۸۷، ص ۱۳۸)

واحد تحلیل نمونه های گردآوری شده این تحقیق صحنه است یعنی هر صحنه به عنوان یک واحد مستقل بررسی می شود. صحنه عبارت است از: کوچک ترین واحد کامل فیلم؛ یک سلسله نما که در یک محل می گذرد و تشکیل یک واقعه را می دهد.

۳-۵ پایایی^{۱۶} و روایی^{۱۷}

به طور کلی مساله پایایی به ثبات و یکدستی مشاهدات مربوط می شود: آیا ابزار پژوهش در هر بار استفاده نتایج مشابهی به بار خواهد آورد؟

و مساله روایی به حقیقی بودن مشاهدات مربوط می شود: آیا ابزار گردآوری داده ها به درستی سرشت موضوع پژوهش و تنوع های آن را گزارش می کند؟ (لیندلف و تیلور، ۱۳۸۸، ص ۳۷۴)

روش سنجش اعتبار و میزان وثوق این تحقیق مثلث سازی^{۱۸} است. مثلث سازی عبارت است از مقایسه دو یا چند دسته از شواهد با توجه به یکی از موضوعات مورد توجه تحقیق. در اکثر موارد هدف از استفاده از این روش آزمون این نکته است که آیا تنها می توان از یک دسته از شواهد، معنایی را استخراج کرد یا آن که آن معنا از چند دسته از شواهد به دست می آید. اگر داده های حاصل از کاربرد دو یا چند روش موید توضیحی خاص باشد به نظر می رسد که آن توضیح معتبر است و می توان از نتایج به دست آمده از داده های حاصل از یک روش دیگر صرف نظر کرد. محقق با استفاده از شیوه های مختلفی می تواند داده ها را مثلث سازی کند. شاید آشناترین شیوه مثلث سازی، روشهای متنوع باشد. در این شیوه محقق تفاسیری همگرا را در یادداشتهای میدان، مصاحبه ها، دست سازه ها، و یا دیگر شواهد در رابطه با موضوع مورد علاقه تحقیق جستجو می کند. (لیندلف و تیلور، ۱۳۸۸، ص ۳۷۶)

در پژوهش حاضر تفاسیری همگرا از داده ها با استفاده از سه روش متنوع، تحلیل سازه ها سلبی، تحلیل پنج رمزگان بارت و تحلیل سطوح سه گانه فیسک ارائه می شود.

¹⁶ Reliability

¹⁷ Validity

¹⁸ Triangulation

فصل چهارم:

یافته های تحقیق

بسیاری از مردم تلاش می کنند که به توده ها، آن گونه که آن ها را می نامند، یک غذای فکری بدهند که تصور می کنند مطابق با شرایط واقعی آن ها آماده شده است.

م. آرنولد، فرهنگ و دولت ستیزی

مقدمه:

همانطور که در فصل دوم گفتیم جامعه برای پیوند اجزای خود، تقویت همبستگی بین آنها و تداوم حیات فرهنگی - اجتماعی از شیوه‌هایی استفاده می‌کند که آیین یکی از مهمترین آنهاست. و چنانچه اشاره شد آیین‌ها در طول زمان صورت‌های مختلفی پیدا می‌کنند و از ابزارهای مختلفی در اجرای آن استفاده می‌شود. در روزگار معاصر یکی از مهمترین رسانه‌هایی که نقش آیینی قابل توجهی پیدا کرده، تلویزیون است. تلویزیون بسان آیین در پس برنامه‌های خود با استفاده از گفتمان‌های خاص به تولید معانی و حتی حفظ آن‌ها در طول زمان می‌پردازد. در واقع در عصر حاضر تلویزیون، آیینی برای بازنمود باورهای مشترک است.

برنامه فیتله هم به عنوان یک برنامه تلویزیونی ویژه کودک، آیینی است که در ایام نوروز به صورت پخش هر روزه موارد خاص اخلاقی را تکرار می‌کند و چون یک رفتار مرسوم تأکید بر رفتارهای الزامی، اخلاقی و مرتبط با نظم اجتماعی برخاسته از جهان بینی خاص خود دارد. در واقع برنامه فیتله آیینی است که در مورد آنچه باید باشد، صحبت می‌کند و به قول رودنبولر چندان به این نمی‌پردازد که دنیا چگونه است بلکه بیشتر در فکر دنیایی است که باید باشد و در عین اینکه برنامه‌ای سرگرم‌کننده است کاملاً جدی است؛ چرا که در پس شیوه‌های بیانی و ابراز نظرهای بازیگوشانه و سرخوشانه، عقاید مدنظر خود را ارائه می‌دهد؛ عقایدی که شیرازه‌ی حیات معنوی کودکان را می‌سازد و ترویج دهنده‌ی اخلاقیات و جهان بینی ویژه‌ای است.

همانطور که می‌دانیم همه آیین‌ها اعم از انسانی و الهی بر مبنای جهان بینی خود در پی ترویج اخلاقیات مد نظرشان آن هم برای رساندن انسان به سعادت هستند. این موضوع در جوامع اسلامی معنای صریح تری می‌یابد. مثلاً از پیامبر اسلام (ص) نقل است که: "برای اتمام مکارم اخلاقی مبعوث شده‌ام."^۱ یا چنانچه امام علی (ع) می‌فرماید: "اگر به فرض، به بهشت امید نمی‌داشتیم و از عذاب الهی خایف نمی‌بودیم، شایسته انسانیت آن بود که در پی مکارم اخلاق باشیم، زیرا کرامت خلق، ما را به راه رستگاری هدایت می‌کند و موجبات سعادت را فراهم می‌آورد."^۲ بنابراین پرداختن به امور اخلاقی، حتی در قالب طنز و سرگرمی، در هر آیینی را باید از جدی‌ترین امور به حساب آورد. !!

^۱ سفینه البحار، ج ۱، ص ۴۱۱

^۲ «لو كنا لا نرجوا جنه ولا نخشى ناراً ولا ثواباً ولا عقاباً لكان ينبغي لنا ان نطلب مكارم الاخلاق، فانها مما تدل على سبيل النجاة» مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۲۸۳..

در کل علاوه بر جدی بودن امور اخلاقی که فیتیله به آن ها می پردازد؛ باید گفت زمانی که یک کودک هر روز به تماشای یک برنامه خاص می نشیند به نوعی اختیار خود را به نظمی از نشانه ها می سپارد و پیرو آن الگوی اخلاقی خاصی را که مدام تکرار می شود، درونی می کند. برنامه فیتیله با توجه به یافته های تحقیق از طریق نمایش مطلوب بودن خوبی ها و خوب ها در کنار نمایش نامطلوب بودن بدی ها و بد ها به تولید معنی می پردازد؛ معانی که روش تربیتی خاصی را آشکار می کنند.

داده های این تحقیق شامل ۶۹ صحنه متشکل از آواز، نمایش و دیالوگ است. از آنجا که حجم اطلاعات به دست آمده از این داده ها بالاست با رجعتی دوباره به سوال های اصلی تحقیق یعنی "روش تربیتی برنامه" و پیرو آن "گفتمان اخلاقی" این برنامه، ۱۴ صحنه در این فصل تحلیل می شوند و ۱۵ صحنه تحلیل شده هم در بخش پیوست آورده خواهد شد. به این ترتیب:

۱- با توجه به پاسخ سوال اول تحقیق، پنج نمونه در این فصل آورده می شود و از آن جا که پاسخ این سوال، چارچوب اصلی تربیتی این برنامه را بیان می کند در بخش ضمیمه نیز پنج نمونه ی مجدد ارائه خواهد شد.

۲- با توجه به سوال دوم، یعنی گفتمان اخلاقی این برنامه و سوال سوم یعنی ویژگی های آن، نه تقابل دوگانه یافت شد که برای هر یک از این مقوله ها نمونه ای در این فصل تحلیل خواهد شد و در بخش ضمیمه فقط در مورد مقوله هایی که معانی مختلفی را پوشش می دهند نمونه ای ارائه خواهد شد.

۳- در ذیل هر صحنه به سوال های فرعی تحقیق هم پاسخ داده خواهد شد. در ضمن همانطور که در فصل سوم به تفصیل بیان شد، داده های این تحقیق با سه روش "تحلیل سازه ها"، "پنج رمزگان بارت" و "سطوح سه گانه ی فیسک" تحلیل می شوند.

سوال اول تحقیق:

- روش یا روش های تربیتی ارائه شده در برنامه "فیتیله" چیست؟
روش تربیتی برنامه فیتیله تشویق برای داشتن رفتارهای مطلوب است؛ رفتارهایی که اغلب با نمایش رفتارهای نامطلوب و آثار آن ها بر کودک و اطرافیانش، نصیحت کردن کودک برای پرهیز از آن ها متجلی می شود. در واقع این برنامه از چند روش برای ارائه الگوهای اخلاقی مورد پسند خود استفاده می کند.

این روش ها عبارتند از:

۱- ارجاع کودکان به بایدهای اخلاقی: مانند قدردانی از بزرگترها بویژه پدر و مادر، احترام گذاشتن به بزرگترها باز هم بویژه پدر و مادر، حرف گوش کن بودن و... در تمامی موارد این گزاره ها به صورت بایدهای اخلاقی ای ارائه می شوند که کودکان ملزم به رعایت آن ها هستند. برای مثال^۳:

۸۸/۱/۴ (صحنه شماره ۱) مجری با لبخند رو به دوربین می گوید:

"توی خونه پدر و مادر و فرزندان هستند، می گن گروهی هستیم، گروهی زندگی می کنیم، بچه ها آگه مشکلی دارند از بزرگترها کمک می گیرند، بزرگترها از بچه ها در اون جایی که می تونند کمک بگیرند این کار رو می کنند، خیلی خوبه همکاری کردن، اما بچه ها آگه مامان داره آشپزی می کنه ما نمی دونیم چه ناهاری درست می کنه باید بگیریم دستتون درد نکنه، بابا از سر کار میاد باید بگیریم خدا قوت، بریم لباسش رو، کتش رو بگیریم، لیوان آب بدیم دستش، این ها خیلی خوبه؛ اما خونه با آپارتمان چه فرقی می کنه؟ خونه حیاط داره و شما توی خونه تنها هستید، توی آپارتمان مجتمعه، ممکن سه طبقه، چهار طبقه یا بیست واحد باشه یادمون نره که توی آپارتمان زندگی می کنیم کاری نکنیم که خدای نکرده همسایه مون از دست ما دلخور بشن؛ نه، نه شما این کار را نمی کنید، ضمنا عید دیدن هم بریم خونه همسایه ها".

الف: ۱- رمزهای میزانشن

۱-۱) صحنه پردازی: محل وقوع روایت یک استودیوی تلویزیونی است، مجری روبروی جایگاه بچه های مهمان می ایستد.

۱-۲) وسایل صحنه: جایگاه نشستن بچه های مهمان، ماکت خانه، ردیف گل ها، تنگ ماهی

۱-۳) رمزهای غیرکلامی: لبخند، اشاره با دست به دوربین

۱-۴) رمزهای لباس: بلوز بنفش، شلوار مشکی با کمر بند، کفش مشکی

الف: ۲- رمزهای فنی

۲-۱) نما: نمای متوسط و دور است که سعی در ایجاد رابطه با سوژه و نیز تشریح بافت و زمینه دارد.

۲-۲) زاویه دوربین: هم سطح است که القاء کننده برابری با مخاطب است.

^۳ تاکیدها از محقق است. در تمامی متن های برگرفته تاکیدها از محقق است مگر آن که خلاف آن عنوان شود.

- ۲-۳) نوع عدسی: عادی است، تداعی یک زندگی معمولی (یک جریان عادی) است.
- ۲-۴) ترکیب بندی: متقارن و ایستاست که القاء کننده فضای آرام است.
- ۲-۵) وضوح: حالت کانونی عمیق (عمق میدان) است یعنی تمام عناصر مهم هستند.
- ۲-۶) نورپردازی: مایه روشن است؛ بیان کننده خوش بختی و شادی است.
- ۲-۷) رنگ: لباس مجری رنگ سرد دارد که مایه آرامش است و در تلفیق با رنگ های گرم به کار رفته در دکور برنامه مایه شادی و شور است، محیطی شاد و فرح بخش به دور از هر گونه تشویش را القاء می کند.

ب:

رمزگان ارجاعی (REF)	رمزگان کنشی (ACT)	رمزگان نمادین (SYM)	رمزگان معنایی (SEM)	رمزگان هرمنوتیکی (HER)	
- ارجاع به یکسری بایدهای رفتاری (در زندگی خانوادگی و اجتماعی)	- در خانه پدر و مادر و فرزندان هستند	- پدر و مادر/ فرزندان - گروه/ فرد - همکاری/ عدم همکاری - سپاسگزاری/ نا سیاسی - خانه/ آپارتمان	- ارجاع به همکاری و تعاون در خانواده - ارجاع به سپاسگزار بودن کوچکترها در مقابل بزرگترها - ارجاع به لزوم رعایت حقوق دیگران در زندگی جمعی	- در خانه چه کسانی زندگی می کنند؟ - زندگی گروهی یعنی چی؟ - چگونه با بزرگترها باید همکاری کرد؟ - چرا نباید کاری کرد که همسایه ها از ما ناراحت	صحنه شماره ۱

			(آپارتمان نشینی)	شوند؟	
--	--	--	---------------------	-------	--

ج:

در سطح اول صحبت درباره همکاری به عنوان یک اصل مهم در زندگی جمعی است. در سطح دوم دلالت بر روابط متقابل اعضا گروه های مختلف دارد از جمله اعضای خانواده که یک جامعه کوچک مدنی است که در آن هر کس وظایف مشخصی دارد و در این میان وظیفه کودکان (مخاطبان اصلی برنامه) قدردانی و سپاسگزاری از بزرگترها در قبال کارهای که آن ها برای پابرجایی نهاد خانواده می کنند که باعث آسایش هر چه بیشتر کودکان است؛ همچنین این صحنه در پی آموزش یک اصل مهم از زندگی جمعی آن هم فراتر از چارچوب خانواده یعنی لزوم رعایت حقوق دیگران بویژه همسایه هاست ، که شاید بعد از اعضای خانواده، ارتباط با همسایه ها رتبه دوم روابط در زندگی اجتماعی هر فرد را به خود اختصاص دهد.

در سطح سوم بر اجتماعی بودن انسان و در ازای این ویژگی لزوم بودن قوانین اعم از نوشته یا نانوشته در زندگی جمعی (از جمله همکاری، احترام به بزرگترها) برای حفظ جوامع بشری، دلالت می کند؛ یعنی ارزش های زندگی جمعی بویژه احترام گذاشتن به بزرگترها اعم از آشنا و غریبه به حدی مسلم، اساسی، مشترک و طبیعی است که نیازی به اثبات ندارد. (بحث پیش نامزدی بارت)

پاسخ سوال های فرعی تحقیق:

۱- پیام های تربیتی صریح برنامه "فیتله" به کودکان چیست؟ در سطح اول تحلیل فیسک پیام صریح این صحنه بیان شده است.

۲- پیام های تربیتی پنهان برنامه "فیتله" به کودکان چیست؟ در سطح دوم تحلیل فیسک پیام پنهان این صحنه بیان شده است.

۳- آیا پیام های تربیتی "فیتله" با توان ذهنی و شناختی کودکان تطابق دارد؟ در این صحنه یکسری قوانین اخلاقی مرتبط با خانواده و آداب اجتماعی مطرح شده است که با توجه به نظر پیازه که رشد مفاهیم اخلاقی را در کودکان به دو مرحله واقع نگری اخلاقی و اخلاق توافقی تقسیم می کند و با توجه به این که شیوع مرحله اول اندیشه اخلاقی در کودکانی است که در سنین بین ۴ تا ۷ سال قرار دارند و مرحله بعدی بیشتر در کودکان ۹ یا ۱۰ سال به بالا آغاز می

شود. بنابراین کودکان ۳ تا ۵ ساله به پیام تربیتی این صحنه توجه کمی دارند، کودکان ۵ تا ۹ ساله توجه و احترام زیادی نسبت به آن‌ها از خود نشان می‌دهند (دوره واقع‌نگری اخلاقی) و کودکان ۹ تا ۱۲ ساله رعایت این قوانین را با توجه به شرایط خودشان الزامی می‌دانند (دوره اخلاق توافقی).

۴- آیا اولویت بندی برای مسائل تربیتی ارائه شده در برنامه مشاهده می‌شود؟ اولویت تربیتی‌شان چیست؟ رعایت حال یکدیگر در خانواده و بعد از آن رعایت حال همسایه

۲- نمایش مشکلاتی که اعمال ناپسند افراد (در این جا کودکان) برای خودشان و بویژه برای دیگران ایجاد می‌کنند.

برای مثال:

۸۸/۱/۹ صحنه شماره ۲) نمایش همسایه

پیرزن اول: نازخاتون

پیرزن دوم: بله نه نه، سلام گلین باجی

پیرزن اول: سلام، خوبی؟

پیرزن دوم: قربونت برم، عیدت مبارک

پیرزن اول: عیدت مبارک، خوبی؟ بچه‌ها خوبند؟

پیرزن دوم: الحمدا... بفرمایید در خدمتون باشیم

پیرزن اول: ببینم ساعتتون رو نگاه کردید؟

پیرزن دوم: چطور مگه نه نه؟ ساعت دو

پیرزن اول: دو کی؟ صبح زود دیگه، دو نصف شب، دو ظهر نیست!

پیرزن دوم: نه نه، چطور مگه؟

پیرزن اول: همچین بفهمی، نفهمی احساس نمی‌کنی سروصداتون یه کم زیاده!

پیرزن دوم: خوب نه نه، مهمون داریم، شب عید مهمون اومده خونه مون

پیرزن اول: مادر، آخه عزیزدلم الان که نصف شبه، مردم خوابیدن

پیرزن دوم: ای به چشم، الان می‌رم، می‌گم مهمونا تشریف ببرید بیرون، شب عیدی هم خونه

ما نیاید

پیرزن اول: وا چه زود هم بهت برمی‌خوره!

پیرزن دوم: بله بهم برخورد، اصلا همینی که هست، مهمون داریم که داریم نه نه

پیرزن اول: الان یه همینی که هست بهت نشون بدم (درحال میخ کوبیدن به دیوار ما بین خود و همسایه)

پیرزن دوم: چه خبر شده؟ ببخشید دو نصف شب داری بنایی می کنی!
پیرزن اول: به شما چه؟ همینی که هست، دیوار خونه ام، می خوام بزنم سوراخش کنم
پیرزن دوم: ما مهمون داریم الکی که نیومدیم به دیوار میخ بکوبیم، باشه، بکوب تا بکوبیم (در قابلمه ها را به هم می کوبد)
همسایه ها به لج هم دُهل می زنند، صدای ضبط صوت را بلند می کنند، ترقه به خانه هم می اندازند؛ دعوا بالا می گیرد، پیرمرد همسایه برای وساطت وارد صحنه می شود.

پیرمرد: خوب، بسه دیگه
پیرزن ها: بس کردیم دیگه، آشتی کردیم؛ اصلا شما نصف شب برای چی اومدی وسط خونه ما، بیا بریم اصلا این جور آدم ها رو محل ندیم
پیرمرد: (در حالی که ابروهایش را بالا نگه داشته، با چشمانی گشاد) آس نخورده و دهن سوخته؛ ما رو بگو اومدیم این جا وساطت کنیم، باز خوبه با هم آشتی کردند.

الف: ۱- رمزهای میزانشن

۱-۱) صحنه پردازی: محل وقوع روایت یک استودیوی تلویزیونی است، با دکور به کار رفته در صحنه تداعی خانه دیوار به دیوار دو همسایه می شود.

۱-۲) وسایل صحنه: عینک، موی سفید، عصا، ماکت دیوار، قابلمه، کفگیر...

۱-۳) رمزهای غیرکلامی: لبخند زدن، اخم کردن، دست دادن، پرش، جیغ و داد، دست به کمر ایستادن، در آغوش کشیدن

۱-۴) رمزهای لباس: روسری بلند، دامن گل گلی، جلیقه، کلاه

الف: ۲- رمزهای فنی

۲-۱) نما: نمای درشت، متوسط و دور است که در پی القاء صمیمیت و نزدیکی به مخاطب و همچنین نشان دادن احساسات بازیگران با نشان دادن حالت چهره شان و در عین حال ارائه زمینه است.

۲-۲) زاویه دوربین: در سه مورد که هر دو همسایه را با هم نشان می دهد زاویه سرازیر است، گویی بازیگران کودکانی هستند که در حال بازی کردن با یکدیگرند؛ در بقیه موارد هم سطح است که القاء کننده برابری با مخاطب است.

۲-۳) نوع عدسی: عادی است، تداعی یک زندگی معمولی (یک جریان عادی) است.

۲-۴) ترکیب بندی: متقارن و ایستاست که القاء کننده فضای آرام است.

۲-۵) وضوح: حالت کانونی عمیق (عمق میدان) است یعنی تمام عناصر مهم هستند.

۲-۶) نورپردازی: مایه روشن است؛ بیان کننده خوش بختی و شادی است.

۲-۷) رنگ: رنگ های گرم استفاده شده است که تداعی کننده شادی و شور هستند.

ب:

REF	ACT	SYM	SEM	HER	
- ارجاع	- به خاطر بی	- شب / روز	- ارجاع	- چرا پیر زن	
به نوع	توجهی به زمان	- خود /	ضمنی به	از همسایه	
دوستی	مهمانی و	دیگری	لزوم توجه	خود گله مند	
- ارجاع	مراعات نکردن	- مراعات /	به حقوق	است؟	صحنه
به آداب	حال همسایه	عدم مراعات	دیگران	- چرا	شماره ۲
زندگی	- پیر مرد به	- پذیرفتن	- ارجاع	همسایه از	
جمعی	قصد وساطت	خطا /	ضمنی به	گلایه پیر زن	
- ارجاع	وارد صحنه	نپذیرفتن خطا	لجاجت	ناراحت می	
به	دعوا می شود	- دوستی /	- پذیرفتن	شود؟	
اعتقادات	- همسایه ها	دشمنی	اشتباه	- چرا این	
مذهبی	با هم آشتی می	- آشتی / قهر	- دوستی	گلایه به	
(مراعات	کنند			درگیری	
حال				تبدیل می	
همسایه)				شود؟	
- کلیشه				- هدف	
جنسیتی				پیر مرد از	
				مداخله در	

				این دعوا چيست؟ - عاقبت این درگیری به چه چیزی منتهی می شود؟	
--	--	--	--	--	--

ج:

در سطح اول نمایش دو پیر زن همسایه است که در حال جر و بحث با یکدیگرند. در سطح دوم اشاره ضمنی به این نکته اخلاقی دارد که توجه صرف به خود و بی توجهی به حقوق دیگران خودخواهی است که صفت مذمومی است و باعث رنجش دیگران و ایجاد دشمنی می شود؛ همچنین به یادآوری این نکته می پردازد که بچه ها در مواقعی که خطا می کنند و به خاطر خطای آن ها برای دیگران مشکل بوجود می آید. باید آن ها به اشتباه خود اقرار کنند و در پی جبران آن برآیند.

در سطح سوم دلالت بر آداب زندگی اجتماعی بویژه این که فردگرایی و خودبینی بی پروا منجر به خوش بختی نمی شود. همچنین دلالت بر اعتقادات مذهبی و سفارش اسلام به رعایت حقوق همسایه و سفارش اسلام به پرهیز از جدال و قهر کردن دارد. در عین حال به نوعی کلیشه جنسیتی هم در این صحنه دیده می شود؛ زنان احساسی، غرغر و جنجالی اند و مردان منطقی و عقل محورند.

پاسخ سوال های فرعی تحقیق:

۱- پیام های تربیتی صریح برنامه "فیتله" به کودکان چیست؟ در سطح اول تحلیل فیسک پیام صریح این صحنه بیان شده است.

۲- پیام های تربیتی پنهان برنامه "فیتله" به کودکان چیست؟ در سطح دوم تحلیل فیسک پیام پنهان این صحنه بیان شده است.

۳- آیا پیام های تربیتی "فیتله" با توان ذهنی و شناختی کودکان تطابق دارد؟ در این صحنه یکسری قوانین اخلاقی مرتبط با آداب زندگی جمعی مطرح شده است که با توجه به نظر پیازه

که رشد مفاهیم اخلاقی را در کودکان به دو مرحله واقع نگری اخلاقی و اخلاق توافقی تقسیم می کند و با توجه به این که شیوع مرحله اول اندیشه اخلاقی در کودکانی است که در سنین بین ۴ تا ۷ سال قرار دارند و مرحله بعدی بیشتر در کودکان ۹ یا ۱۰ سال به بالا آغاز می شود. بنابراین کودکان ۳ تا ۵ ساله به پیام تربیتی این صحنه توجه کمی دارند، کودکان ۵ تا ۹ ساله توجه و احترام زیادی نسبت به آن ها از خود نشان می دهند (دوره واقع نگری اخلاقی) و کودکان ۹ تا ۱۲ ساله رعایت این قوانین را با توجه به شرایط خودشان الزامی می دانند (دوره اخلاق توافقی).

۴- آیا اولویت بندی برای مسائل تربیتی ارائه شده در برنامه مشاهده می شود؟ اولویت تربیتی شان چیست؟ رعایت حال یکدیگر بویژه رعایت حقوق همسایه و پرهیز از جدال و قهر

۳- نمایش عواقب اعمال ناپسند افراد (در این جا کودکان) بر خودشان

۸۸/۱/۱۲ صحنه شماره ۳) نمایش دندان پزشکی

پسر بیمار و پدرش: سلام آقای دکتر

دکتر: سلام جانم

پدر: دندون پسرم آقای دکتر

دکتر: بله طبیعی باز عید نوروز شده و دندون درد فراوون؛ از بس آجیل می خورن، از بس

شکلات می خورن، از بس شیرینی می خورن از بس مسواک نمی زنن؛ نترس عزیزم، پسرم بیا

بشین این جا (اشاره به صندلی)

پدر: وای که آدم نمی دونه چی کار کنه از دست این بچه های حرف گوش نکن!

دکتر: عمو جان دهنه رو باز کن، ببینم کدوم دندونت؟

پسر بیمار: آآآی (بلند داد می زند)

پدر: این بچه من حساس، شما این ابزار دندون پزشکی رو نشون می دید اون روحیه اش می

ریزه به هم

دکتر: پسر من می خوام، معاینه کنم، ببینم کدوم دندونت؟

پسر بیمار: آآآآی

دکتر: متأسفانه این دندونی که من می بینم، باید بکشیم، انقدر شکلات و شیرینی خورده که سیاه

سیاه شده

پسر: نه نه نه

دکتر: عمو جان ترس نداره آگه پسر خوبی باشی بهت شکلات می دم...
پدر: بچه جان من چندبار باید به تو تذکر بدم، تُو ایام نوروز تو مراعات کن، بفرما!

الف: ۱- رمزهای میزانشن

۱-۱) صحنه پردازی: محل وقوع روایت یک استودیوی تلویزیونی است؛ دکور صحنه تداعی یک مطب دندان پزشکی را می کند.

۱-۲) وسایل صحنه: میز، صندلی، ابزار دندان پزشکی، دستمال، عینک، سبیل و ریش پرفسوری، ردیف گل ها، تنگ ماهی

۱-۳) رمزهای غیرکلامی: جیغ زدن، چشم ها را بیش از حد گشودن، اشاره با دست به هم

۱-۴) رمزهای لباس: روپوش سفید، کت، کلاه

الف: ۲- رمزهای فنی

۲-۱) نما: نماها خیلی درشت، درشت، متوسط و دور است که در پی القاء رابطه عاطفی بازیگران به مخاطب و همچنین القاء صمیمیت و نزدیکی به مخاطب با نشان دادن احساسات بازیگران و در عین حال تشریح بافت و زمینه است.

۲-۲) زاویه دوربین: هم سطح است که القاء کننده برابری با مخاطب است.

۲-۳) نوع عدسی: عادی است، تداعی یک زندگی معمولی (یک جریان عادی) است.

۲-۴) ترکیب بندی: ترکیبی از حالتهای متقارن، نامتقارن و ایستاست القاء زندگی روزمره است البته توام با القاء حس آرامش به مخاطب.

۲-۵) وضوح: حالت کانونی عمیق یا عمق میدان است یعنی همه چیز مهم است.

۲-۶) نورپردازی: مایه روشن است القاء خوش بختی و شادی و نشاط

۲-۷) رنگ: رنگ های گرم استفاده شده است که تداعی کننده شادی و شور هستند.

ب:

REF	ACT	SYM	SEM	HER	
- ارجاع به بی توجهی بچه ها به عواقب کارهایشان و نیاز آن ها به ارشاد و کنترل توسط بزرگترها		- بچه حرف گوش کن / بچه حرف گوش نکن - مراقبت / عدم مراقبت	- ارجاع به عواقب حرف گوش نکردن بچه ها - ارجاع به مسئول بودن بچه ها در مراقبت از سلامتی خود		صحنه شماره ۳

ج:

در سطح اول نمایش پسری است که دندان درد دارد و به مطب دندان پزشک رفته است. اما به طور ضمنی اشاره به این نکته دارد، کودکی که حرف گوش نمی کند به خود ضرر می رساند و دچار دردسر می شود که گاهی عواقب آن تا آخر عمر فرد همراه اوست مثلاً کودکی که به حرف پدر خود برای مراقبت از دندان هایش گوش نمی کند، امکان دارد به زودی دندان های خود را از دست بدهد و مشکلات فراوانی را تحمل کند.

در سطح سوم دلالت بر نا پختگی عقلی کودکان دارد چنان چه خواسته و نا خواسته به خود ضرر وارد می کنند و به لزوم کنترل و هدایت آن ها توسط بزرگترها اشاره دارد؛ در واقع کودکان باید از یکسری اصول تعیین شده دنیای بزرگسالان تبعیت کنند تا امروز خود و فردا جامعه خود را بر طبق ضوابط مشخص شده حفظ کنند.

پاسخ سوال های فرعی تحقیق:

۱- پیام های تربیتی صریح برنامه "فیتله" به کودکان چیست؟ در سطح اول تحلیل فیسک پیام صریح این صحنه بیان شده است.

۲- پیام های تربیتی پنهان برنامه "فیتله" به کودکان چیست؟ در سطح دوم تحلیل فیسک پیام پنهان این صحنه بیان شده است.

۳- آیا پیام های تربیتی "فیتله" با توان ذهنی و شناختی کودکان تطابق دارد؟ این صحنه کودکان را به مراقبت از خود و حرف گوش کردن ترغیب می کند که با توجه به نظر پیازه که رشد مفاهیم اخلاقی را در کودکان به دو مرحله واقع نگری اخلاقی و اخلاق توافقی تقسیم می کند و با توجه به این که شیوع مرحله اول اندیشه اخلاقی در کودکانی است که در سنین بین ۴ تا ۷ سال قرار دارند و مرحله بعدی بیشتر در کودکان ۹ یا ۱۰ سال به بالا آغاز می شود. بنابراین کودکان ۳ تا ۵ ساله به پیام تربیتی این صحنه توجه کمی دارند، کودکان ۵ تا ۹ ساله توجه و احترام زیادی نسبت به آن ها از خود نشان می دهند (دوره واقع نگری اخلاقی) و کودکان ۹ تا ۱۲ ساله رعایت این قوانین را با توجه به شرایط خودشان الزامی می دانند (دوره اخلاق توافقی).

۴- آیا اولویت بندی برای مسائل تربیتی ارائه شده در برنامه مشاهده می شود؟ اولویت تربیتی شان چیست؟ کودکان باید به حرف بزرگترها گوش کنند.

۴- نصیحت کردن کودکان

۸۸/۱/۸ صحنه شماره ۴) مجری: "... یاد بگیریم که شوخی نا به جا نکنیم، ممکن پشت هر شوخی یک اتفاقی بیافته که ما هم ناراحت بشیم (همنشین با صحنه قبل که به خاطر شوخی پای یکی در حمام شکست) اگه احيانا دو تا هم شاگردی با مدادی که می نویسند، شوخی کنند ممکن که خدای نکرده بخوره به چشم؛ آفرین به شما بچه ها که (انگشت اشاره را به حالت نهی روبروی صورت حرکت دادن) شوخی نمی کنید باریک ا... (با اشاره به بچه های مهمان و بعد اشاره به دوربین) برای بچه های که انقدر خوبند دست، جیغ و هورا..."

الف: ۱- رمزهای میزانشن

۱-۱) صحنه پردازی: محل وقوع روایت یک استودیوی تلویزیونی است، مجری روبروی جایگاه بچه های مهمان می ایستد.

۱-۲) وسایل صحنه: جایگاه نشستن بچه های مهمان، ردیف گل ها، تنگ ماهی، صندوقچه

۳-۱) رمزهای غیرکلامی: لبخند، اشاره با دست به دوربین، انگشت اشاره را به حالت نهی روبروی صورت حرکت دادن

۴-۱) رمزهای لباس: بلوز آبی رنگ، شلوار مشکی همراه با کمربند، کفش مشکی

الف: ۲- رمزهای فنی

۱-۲) نما: نماها متوسط و دور هستند که سعی در ایجاد رابطه شخصی با سوژه و نیز تشریح بافت و زمینه دارد.

۲-۲) زاویه دوربین: هم سطح است که القاء کننده برابری با مخاطب است.

۳-۲) نوع عدسی: عادی است، تداعی یک زندگی معمولی (یک جریان عادی) است.

۴-۲) ترکیب بندی: نامتقارن، متقارن و ایستاست که القاء کننده فضای آرام است.

۵-۲) وضوح: حالت کانونی عمیق (عمق میدان) است یعنی تمام عناصر مهم هستند.

۶-۲) نورپردازی: مایه روشن است؛ بیان کننده خوش بختی و شادی است.

۷-۲) رنگ: لباس مجری رنگ سرد دارد که مایه آرامش است و در تلفیق با رنگ های گرم به کار رفته در دکور برنامه مایه شادی و شور است، محیطی شاد و فرح بخش به دور از هر گونه تشویش را القاء می کند.

ب:

REF	ACT	SYM	SEM	HER	
-ارجاع به	- ممکن اتفاق	- شوخی کردن/	- به طور	- چرا بچه ها	
نیازبچه ها به	ناراحت کننده	شوخی نکردن	ضمنی هشدار	باید شوخی	صحنه
نصیحت و	پیش آید	- ناراحت/	درباره عواقب	بی جا نکنند؟	شماره ۴
مشخص کردن مرز کارهای خوب و		خوشحال - بچه های خوب/	رفتارهای پر خطر و پرهیز از		

بد از هم دیگر برای آن ها		بچه های بد	شیطنت های کودکانه می دهد		
-----------------------------------	--	---------------	-----------------------------------	--	--

ج:

در سطح اول مجری در مورد شوخی و پیامدهای آن صحبت می کند. در سطح دوم دلالت بر هشدار به کودکان درباره نتایج شیطننت هایشان و خطرهای که ناخواسته در پس این شیطننت های کودکانه قرار دارد و شاید مسیر زندگی شان را به بدترین شکل تغییر دهد، دارد.

در سطح سوم دلالت بر لزوم نصیحت کردن بچه ها و نیاز آن ها به مشخص کردن مرز کارهای خوب و بد تعریف شده در دنیای عقلانی بزرگترها که در نهایت به نفع خود کودک است و لزوم یادآوری به بچه ها در پرهیز از کارهای که موجب ناراحتی دیگران می شود که تعبیر به کارهای ناپسند می شود، دارد؛ به بیان دیگر کودکان باید بیاموزند از مواردی که انضباط اجتماعی و اخلاقی حاکم در جامعه بزرگسالان پیروی کنند.

پاسخ سوال های فرعی تحقیق:

۱- پیام های تربیتی صریح برنامه "فیتله" به کودکان چیست؟ در سطح اول تحلیل فیسک پیام صریح این صحنه بیان شده است.

۲- پیام های تربیتی پنهان برنامه "فیتله" به کودکان چیست؟ در سطح دوم تحلیل فیسک پیام پنهان این صحنه بیان شده است.

۳- آیا پیام های تربیتی "فیتله" با توان ذهنی و شناختی کودکان تطابق دارد؟ این صحنه کودکان را به مراقبت از خود و حرف گوش کردن ترغیب می کند که با توجه به نظر پیازه که رشد مفاهیم اخلاقی را در کودکان به دو مرحله واقع نگری اخلاقی و اخلاق توافقی تقسیم می کند و با توجه به این که شیوع مرحله اول اندیشه اخلاقی در کودکانی است که در سنین بین ۴ تا ۷ سال قرار دارند و مرحله بعدی بیشتر در کودکان ۹ یا ۱۰ سال به بالا آغاز می شود. بنابراین کودکان ۳ تا ۵ ساله به پیام تربیتی این صحنه توجه کمی دارند، کودکان ۵ تا ۹ ساله توجه و

احترام زیادی نسبت به آن‌ها از خود نشان می‌دهند (دوره واقع‌نگری اخلاقی) و کودکان ۹ تا ۱۲ ساله رعایت این قوانین را با توجه به شرایط خودشان الزامی می‌دانند (دوره اخلاق توافقی).
۴- آیا اولویت بندی برای مسائل تربیتی ارائه شده در برنامه مشاهده می‌شود؟ اولویت تربیتی‌شان چیست؟ کودکان باید به حرف بزرگترها گوش کنند (برای مثال شوخی نکنند).

۵- برقراری رابطه‌ی عاطفی با کودکان و تأکید مدام بر وجود این رابطه

۸۸/۱/۵ (صحنه شماره ۵) مجری در حالی که کف می‌زند رو به دوربین می‌گوید: "تاپ و تاپ، تاپ شده (با اشاره دست‌ها به دوربین)، دلمون برات آب شده (همنشین با صحنه قبل، آوازی با همین مطلع)، آره عزیز دل عمو قناد؛ هر جا که هستی در هر شهری از شهرهای خوب ایران، در هر روستایی از روستاهای خوب ایران؛ واقعا دوستتون داریم، خوشحالیم، دلمون می‌خواد همیشه شاد باشین، شما بچه‌های زرنگ، بچه‌های باهوش، شما بچه‌های پر تلاش؛ خوب، بینم بچه‌ها حالا که عید و تعطیلاته با درس و مشق چطورید؟ اونا رو که نداشتین کنار؟ هر چیزی جای خودش، دید و بازدید جای خودش، درسم جای خودش، مطالعه کنید بهترین فرصته، حتما یادتون نره مثل ما، بله توی برنامه فیتله عیدا تعطیله، ما که فراموش نکردیم مدرسمون سرجاشه، کدوم مدرسه؟ بگم، خوب مکتب خونه ست دیگه". (اشاره به صحنه بعد که نمایش مکتب خانه است)

الف: ۱- رمزهای میزانشن

۱-۱) صحنه پردازی: محل وقوع روایت یک استودیوی تلویزیونی است، مجری روبروی جایگاه بچه‌های مهمان می‌ایستاد

۱-۲) وسایل صحنه: جایگاه نشستن بچه‌های مهمان، ردیف گل‌ها، تنگ ماهی

۱-۳) رمزهای غیرکلامی: لبخند، اشاره با دست به دوربین، کف زدن، زدن بر روی سینه، ریش و سیبل مرتب، نگاه به ساعت

۱-۴) رمزهای لباس: بلوز صورتی کم‌رنگ، شلوار مشکی همراه با کمر بند، کفش مشکی

الف: ۲- رمزهای فنی

۲-۱) نما: نمای متوسط و دور است که سعی در ایجاد رابطه با سوژه و نیز تشریح بافت و زمینه دارد.

۲-۲) زاویه دوربین: هم سطح است که القاء کننده برابری با مخاطب است.

- ۲-۳) نوع عدسی: عادی است تداعی یک زندگی معمولی (یک جریان عادی) است.
- ۲-۴) ترکیب بندی: متقارن و ایستاست که القاء کننده فضای آرام است.
- ۲-۵) وضوح: حالت کانونی عمیق (عمق میدان) است یعنی تمام عناصر مهم هستند.
- ۲-۶) نورپردازی: مایه روشن است؛ بیان کننده خوش بختی و شادی است.
- ۲-۷) رنگ: لباس مجری رنگ سرد دارد که مایه آرامش است و در تلفیق با رنگ های گرم به کار رفته در دکور برنامه مایه شادی و شور است، محیطی شاد و فرح بخش به دور از هر گونه تشویش را القاء می کند.

ب:

REF	ACT	SYM	SEM	HER	
- ارجاع به مسئولیت پذیری افراد در قبال وظایف شخصی شان	- بچه های زرنگ، بچه های باهوش ، بچه های پر تلاش	- شهر/ روستا - خوشحال/ ناراحت - شادی/ غم - بچه های زرنگ/ بچه های تنبل - بچه های باهوش/ بچه های کم هوش - بچه	- ارجاع ضمنی به محبوبیت برنامه فیتله و ایجاد رابطه عاطفی بین عوامل برنامه و بچه ها - ارجاع ضمنی به وظیفه شناس بودن	- چرا عوامل برنامه بچه ها را دوست دارند؟ - ویژگی بچه های که مخاطب فیتله اند، چیست؟ - چرا در روزهای	صحنه شماره ۵

		های پرتلاش/ بچه های کم تلاش - دید و بازدید/ مطالعه درس	بچه ها	تعطیل هم بچه ها نباید درس و مشقشان را کنار بگذارند ؟	
--	--	---	--------	---	--

ج:

در سطح اول دلالت بر ابراز علاقه معجری به بچه ها دارد.
در سطح دوم دلالت بر وجود رابطه متقابل عاطفی بین عوامل برنامه با بچه ها دارد، در واقع برنامه با این اشاره ضمنی به میزان محبوبیت خود و گذشتنش از مرزهای تصویر و وارد شدن به حدود عاطفی افراد بویژه مخاطبان خاصش یعنی کودکان دارد، به نوعی معجری برنامه خود را از حدود یک شخصیت تلویزیونی بیرون آورده و آنچنان خود را به کودکان نزدیک معرفی می کند که گویی یکی از خویشان آن هاست و از این رهگذر برای خودش اعتبار درونی کسب می کند.
در سطح سوم دلالت بر لزوم مسئولیت پذیری انسان در قبال وظایف شخصی اش دارد، کودکان اساساً سربه هوا هستند و این خصلت ذاتی کودکان است، بنابراین باید مدام به آن ها وظایفشان را یادآوری کرد، در واقع صفت ویژه دوران کودکی را نا بالغ بودن و گریز از مسئولیت معرفی می کند و تذکر از طرف بزرگترها را امری طبیعی در مقابل این صفت قلمداد می کند.

پاسخ سوال های فرعی تحقیق:

- ۱- پیام های تربیتی صریح برنامه "فیتله" به کودکان چیست؟ در سطح اول تحلیل فیسک پیام صریح این صحنه بیان شده است.
- ۲- پیام های تربیتی پنهان برنامه "فیتله" به کودکان چیست؟ در سطح دوم تحلیل فیسک پیام پنهان این صحنه بیان شده است.
- ۳- آیا پیام های تربیتی "فیتله" با توان ذهنی و شناختی کودکان تطابق دارد؟ این صحنه کودکان را به مسئولیت پذیری ترغیب می کند که با توجه به نظر پیاژه که رشد مفاهیم اخلاقی را در

کودکان به دو مرحله واقع نگری اخلاقی و اخلاق توافقی تقسیم می‌کند و با توجه به این که شیوع مرحله اول اندیشه اخلاقی در کودکانی است که در سنین بین ۴ تا ۷ سال قرار دارند و مرحله بعدی بیشتر در کودکان ۹ یا ۱۰ سال به بالا آغاز می‌شود. بنابراین کودکان ۳ تا ۵ ساله به پیام تربیتی این صحنه توجه کمی دارند، کودکان ۵ تا ۹ ساله توجه و احترام زیادی نسبت به آن از خود نشان می‌دهند (دوره واقع نگری اخلاقی) و کودکان ۹ تا ۱۲ ساله رعایت این امر را با توجه به شرایط خودشان الزامی می‌دانند (دوره اخلاق توافقی).

۴- آیا اولویت بندی برای مسائل تربیتی ارائه شده در برنامه مشاهده می‌شود؟ اولویت تربیتی شان چیست؟ کودکان باید به حرف بزرگترها گوش کنند.

سوال دوم تحقیق:

- آیا روش یا روش های تربیتی این برنامه دال بر یک گفتمان اخلاقی است؟
با توجه به رویه اصلی برنامه فیتیله (نمایش مطلوب بودن خوبی ها و خوب ها در کنار نمایش نامطلوب بودن بدی ها و بد ها) و پیرو آن الگوهای اخلاقی ارائه شده در این برنامه که پنج روش تربیتی فوق متبلور کننده آن هاست؛ می توان گفت بدون تردید گفتمان اخلاقی این برنامه بر گرفته از جهان بینی خاصی است. گفتمانی که به بیان سلبی، نظامی دلالت مند است و نقش آن ایجاد معنی در جامعه به طور کلی و رسانه به طور خاص است. در واقع برنامه فیتیله برای تولید معنی خوب بودن، خوب ها و برای دستیابی به خوبی به نفی بدی می پردازد. البته خوبی و بدی که با توجه به جهان بینی برنامه تعریف می شود. این گفتمان اخلاقی دارای یک ویژگی مهم است و آن هم استفاده از تقابل های دوگانه است.

سوال سوم تحقیق:

- در صورتی که این برنامه دارای گفتمان اخلاقی است، ویژگی های آن چیست؟
مهمترین ویژگی گفتمان اخلاقی برنامه فیتیله استفاده از تقابل های دوگانه است که عبارتند از:
۱- سنت و تحول: این مقوله موارد متعددی را شامل می شود که به دو مورد که بیشتر از سایر موارد در تعطیلات نوروزی بدان ها تأکید شده است، اشاره می کنیم.
۱- اشاره به محله های قدیمی و خانواده های گسترده و سنتی روزگار نه چندان دور در ایران در مقابل مجتمع های وسیع و خانواده های هسته ای امروز

۲- اشاره به ارتباط نسل گذشته (پدر بزرگ و مادر بزرگ) با نسل آینده (نوه ها) که این مورد خود شامل: الف- زندگی پدر بزرگ و مادربزرگ در خانه سالمندان ب- احساس نوه ها به پدر بزرگ و مادر بزرگ

مثال مورد ۱: محله های قدیمی

۸۸/۱/۱۱ (صحنه شماره ۶) صحنه با حرکت دوربین از روی گل ها و تنگ ماهی شروع می شود. آواز: "تو کوچه و محله پرشده از عطر یاس، رو شاخه های درختا شکوفه های گیلاس، خونه مادر بزرگ شلوغ و پرهیا هو، محله قدیمی، کوچه های تو در تو، تو جشن عید نوروز نقل و نبات و آجیل، اول می ریم دیدن بزرگترهای فامیل، بهار رسیده از راه با عطر و بوی نسیم، یکی یکی به فامیل نوروز رو تبریک می گیم، پدر بزرگ دوباره به همه عیدی می ده، بچه های شاد و خندون، دوباره جشن عید."

الف: ۱- رمزهای میزانشن

۱-۱) صحنه پردازي: محل وقوع روایت یک استودیوی تلویزیونی است، بازیگران روبروی ماکت خانه نشسته اند و مقابل آنها تعدادی از بچه های مهمان که موی سفید و سیبل مصنوعی دارند و روی قالیچه ای نشستند، قرار دارند.

۱-۲) وسایل صحنه: قالیچه، ریش و سیبل، موی سفید، عینک

۱-۳) رمزهای غیرکلامی: دست تکان دادن، بغل کردن بچه ها، لبخند

۱-۴) رمزهای لباس: کت، روسری، کلاه

الف: ۲- رمزهای فنی

۲-۱) نما: خیلی درشت، درشت و دور که در پی القاء رابطه عاطفی بازیگران به مخاطب و همچنین القاء صمیمیت و نزدیکی به مخاطب با نشان دادن احساسات بازیگران و در عین حال ارائه زمینه پشت سر آن ها یعنی ماکت خانه (تشریح بافت برنامه) است.

۲-۲) زاویه دوربین: هم سطح است که القاء کننده برابری با مخاطب است.

۲-۳) نوع عدسی: عادی است، تداعی یک زندگی معمولی (یک جریان عادی) است.

۲-۴) ترکیب بندی: متقارن و ایستاست که القاء کننده فضای آرام است.

۲-۵) وضوح: حالت کانونی عمیق (عمق میدان) است یعنی تمام عناصر مهم هستند.

۲-۶) نورپردازی: مایه روشن است؛ بیان کننده خوش بختی و شادی است.

۲-۷) رنگ: رنگ های گرم استفاده شده است که تداعی کننده شادی و شور هستند.

ب:

REF	ACT	SYM	SEM	HER	
ارجاع - به سنت (حفظ ارزش های جامعه سنتی در جامعه غیر سنتی (ارجاع - به اعتقادات مذهبی (صله رحم)	- اول بهار(عید) باید به دیدن بزرگترها رفت - پدر بزرگ به همه کسانی که به دیدنش می روند عیدی می دهد بخصوص به بچه ها	بزرگترها / کوچکترها -مادر بزرگ و پدر بزرگ/ سایر اعضا فامیل - محله قدیمی / محله جدید -جامعه سنتی / جامعه غیر سنتی	- ارجاع ضمنی به حفظ روابط خانوادگی، بویژه احترام به بزرگترهای خانواده	- چرا خونه مادر بزرگ شلوغ است؟ - چرا در عید نوروز اول به دیدن بزرگترها ی فامیل می رویم؟ - پدر بزرگ به چه کسی و برای چی عیدی می دهد؟	صحنه شماره ۶

ج:

در سطح اول آوازی درباره بهار و آمدن عید نوروز است.

اما سطح دوم، بازیگران روی قالی، روبروی خانه نشسته اند، گویی استودیو خانه آن هاست، آن هم خانه ای سنتی که با چند پله پا در ایوان آن می گذاری یعنی خانه ای که تکیه بر گذشته ها دارد؛ گذشته های که هنوز هم برای ایرانی ها به معنای اصالت است و به نحوه ارتباط بزرگترها و کوچکترهای فامیل اشاره دارند به اینکه کوچکترها موظفند به دیدن بزرگترها بروند و بزرگترها هم با دادن عیدی باعث شادی کوچکترها شوند یک رابطه دو سویه بین اعضای فامیل؛ یعنی از جای آشنا با افرادی آشنا درباره موضوعی آشنا صحبت می کنند.

در سطح سوم این صحنه به صله رحم که در دین اسلام بسیار تأکید شده است، اشاره دارد؛ علاوه بر این به ریشه های سنتی فکر ایرانی ها که هنوز هم در میان شهرهای شلوغ و پر از مجتمع های مسکونی در شادترین لحظات عمرشان رجعتی به کوچه های تودرتو و محله های قدیمی دارند به نوعی تلفیق سنت و مدرنیته و سازگاری دو نسل با سلیقه های متفاوت یعنی پدر بزرگ ها و مادر بزرگ ها با فرزندانشان و متعاقب آنها با نسل سوم یعنی نوه ها و از رهگذر این سازگاری حفظ روابط خانوادگی در ایران که نه تنها این روابط در میان پدر و مادر و پدر بزرگ و مادر بزرگ و نوه هاست، بلکه روابط خانوادگی هنوز هم به حدی گسترده است که نوروز را به تک تک اعضای فامیل تبریک می گویم.

مورد ارتباط نسل گذشته (پدر بزرگ و مادر بزرگ) با نسل آینده (نوه ها) به ضمیمه، صحنه های شماره ۶ و ۷ مراجعه شود.

پاسخ سوال های فرعی تحقیق:

۱- پیام های تربیتی صریح برنامه "فیتله" به کودکان چیست؟ در سطح اول تحلیل فیسک پیام صریح این صحنه بیان شده است.

۲- پیام های تربیتی پنهان برنامه "فیتله" به کودکان چیست؟ در سطح دوم تحلیل فیسک پیام پنهان این صحنه بیان شده است.

۳- آیا پیام های تربیتی "فیتله" با توان ذهنی و شناختی کودکان تطابق دارد؟ این صحنه کودکان را به حفظ سنت ها به جا مانده از گذشته ترغیب می کند که با توجه به نظر پیازه که رشد مفاهیم اخلاقی را در کودکان به دو مرحله واقع نگری اخلاقی و اخلاق توافقی تقسیم می کند و با توجه به این که شیوع مرحله اول اندیشه اخلاقی در کودکانی است که در سنین بین ۴ تا ۷

سال قرار دارند و مرحله بعدی بیشتر در کودکان ۹ یا ۱۰ سال به بالا آغاز می شود. بنابراین کودکان ۳ تا ۵ ساله به پیام تربیتی این صحنه توجه کمی دارند، کودکان ۵ تا ۹ ساله توجه و احترام زیادی نسبت به آن از خود نشان می دهند (دوره واقع نگری اخلاقی) و کودکان ۹ تا ۱۲ ساله رعایت این مورد را با توجه به شرایط دلخواه شان الزامی می دانند (دوره اخلاق توافقی).

۴- آیا اولویت بندی برای مسائل تربیتی ارائه شده در برنامه مشاهده می شود؟ اولویت تربیتی شان چیست؟ احترام به ارزش های به جا مانده از گذشته

۲- خودی در مقابل غریبه: در این برنامه اشاره ای به غیر ایرانی ها نمی شود، ایران تمام دنیاست!

۸۸/۱/۸ (صحنه شماره ۷) بازیگران پشت یک ماکت ماشین سواری ایستاده و در حال آواز خواندن هستند.

سلام به استان قشنگ کرمان به مردمان خوب و پاک ایران، به خونه های ساده و صمیمیش به بناهای تاریخی و قدیمیش، به ارگ بم با شهرت جهانش، آسمان صاف و کهکشانش، سلام به باغ پسته های خندون به زیره خوش عطر و بوی کرمون، سلام به استان قشنگ کرمان به مردمان خوب و پاک ایران، سلام به بچه های مهربونش، غنچه های قشنگ و همزبونش.

الف: ۱- رمزهای میزانش

۱-۱) صحنه پردازی: محل وقوع روایت یک استودیوی تلویزیونی است، بازیگران پشت یک ماکت ماشین سواری ایستاده و در حال آواز خواندن هستند.

۱-۲) وسایل صحنه: ماکت ماشین سواری قرمز رنگ، ردیف گل

۱-۳) رمزهای غیرکلامی: حرکت بدن، لبخند

۱-۴) رمزهای لباس: کت، کلاه

الف: ۲- رمزهای فنی

۲-۱) نما: نماها تلفیقی از درشت و دور هستند؛ که در پی القاء احساسات بازیگران با نشان دادن حالت چهره شان به مخاطبان و در عین حال ارائه زمینه است.

۲-۲) زاویه دوربین: هم سطح است که القاء کننده برابری با مخاطب است.

۲-۳) نوع عدسی: عادی است، تداعی یک زندگی معمولی (یک جریان عادی) است.

۲-۴) ترکیب بندی: متقارن و ایستاست که القاء کننده فضای آرام است.

۲-۵) وضوح: حالت کانونی عمیق (عمق میدان) است یعنی همه چیز در نما اهمیت دارد "به همه چیز نگاه کن"؛ بجز آغاز صحنه که وضوح ملایم است که غم از دست دادن را القاء می کند.

۲-۶) نورپردازی: مایه روشن و تضاد کم است این دو رمز نورپردازی با هم تداعی کننده حس خوشبختی و روزمرگی است.

۲-۷) رنگ: رنگ گرم (رنگ لباس بازیگران کت مشکی، لباس آبی، صورتی)

ب:

REF	ACT	SYM	SEM	HER	
- ارجاع به ترکیب فرهنگی در ایران		- سلام/ هر کلام دیگر - ایرانی (خودی)/ غیر ایرانی (غیر خودی) - پاک/ ناپاک	ارجاع به پاک سرشتی خودی ها (ایرانی ها) - ارجاع به تکیه ایرانی ها به گذشته دور، برای نشان دادن اصالتشان		صحنه شماره ۷

ج:

در سطح اول آوازی درباره استان کرمان است.

در سطح دوم، آواز القاء کننده اصالت ایرانی ها و پاک سرشت بودن آن ها در مقابل هر چه غیر ایرانی است.

در سطح سوم دلالت بر ترکیب فرهنگی دارد و از این طریق هویت گروه های قومی را با توجه به سلايق فرهنگی متمایزشان تقویت می کند؛ به نوعی هویت ایران را در گوناگونی اقوامش تعریف می کند و هر قوم را نماد اصالت ایران و همچنین حافظ کلیت ایران معرفی می کند.

همچنین این صحنه بیننده خود را به قول آلتوسر صدا می زند، او را خوب و پاک مورد خطاب قرار می دهد و موجب قبول این "فهم متعارف" می شود که ایرانی، پاک سرشت و دوست داشتنی در یک کلام قابل اعتماد است.

پاسخ سوال های فرعی تحقیق:

۱- پیام های تربیتی صریح برنامه "فیتله" به کودکان چیست؟ در سطح اول تحلیل فیسک پیام صریح این صحنه بیان شده است.

۲- پیام های تربیتی پنهان برنامه "فیتله" به کودکان چیست؟ در سطح دوم تحلیل فیسک پیام پنهان این صحنه بیان شده است.

۳- آیا پیام های تربیتی "فیتله" با توان ذهنی و شناختی کودکان تطابق دارد؟ این صحنه کودکان را به وطن دوستی ترغیب می کند که با توجه به نظر پیازه که رشد مفاهیم اخلاقی را در کودکان به دو مرحله واقع نگری اخلاقی و اخلاق توافقی تقسیم می کند و با توجه به این که شیوع مرحله اول اندیشه اخلاقی در کودکانی است که در سنین بین ۴ تا ۷ سال قرار دارند و مرحله بعدی بیشتر در کودکان ۹ یا ۱۰ سال به بالا آغاز می شود. بنابراین کودکان ۳ تا ۵ ساله به پیام تربیتی این صحنه توجه کمی دارند، کودکان ۵ تا ۹ ساله توجه و احترام زیادی نسبت به آن از خود نشان می دهند (دوره واقع نگری اخلاقی) و کودکان ۹ تا ۱۲ ساله رعایت این امر را با توجه به شرایط دلخواه شان الزامی می دانند (دوره اخلاق توافقی).

۴- آیا اولویت بندی برای مسائل تربیتی ارائه شده در برنامه مشاهده می شود؟ اولویت تربیتی شان چیست؟ کودکان باید با اقوام مختلف آشنا شوند و به فرهنگ آن ها احترام بگذارند.

۳- دل در مقابل عقل: بخصوص در حیطه اخلاق فردی مطرح است.

۸۸/۱/۳ صحنه شماره ۸) نمایش عروسکی مرشد، مبارک و الماس (همنشین با صحنه قبل صحبت های مجری در مورد آشتی کردن)

مرشد: "آی باز عید شده و اومده ایم به خونه هاتون، تا باز کنیم غنچه لبخند رو لباتون، اون چین و چروک پیشونیت رو بکن باز، آخه قهر بد اخم بد خنده خوبه، انقدر نکن ناز."

(عروسک ها پشت به هم ایستاده و صدای گریه می آید)

مرشد: ببینم شما چتونه؟ چرا پشت به هم وایستادید؟

مبارک: ما با هم دیگه قهریم

الماس: من اصلا ديگه با اين آشتی نمی شم
مرشد: (با نگاه به دوربين) من معذرت می خوام، صبر کن بينم شما دو تا با هم قهرید و آشتی
هم نمی شید، (مرشد در حالیکه ابروها را درهم کشیده) برای چی؟ الان که نوروز همه با هم
آشتی می کنند و کدورت ها رو می ذارن کنار، با هم دوست میشن صمیمی میشن کینه ها رو می
ریزن دور، شما چه جوری با هم قهر کردید؟!

مبارک: برو کنار می زنم دماغت بترکه. الماس: اا
مرشد: برو کنار بينم شما تا ديروز با هم آشتی بودید چی شد يه دفعه!
مبارک: من هفت رنگ داشتم
مرشد: خوب

الماس: بعد ما اين هفتا رنگ رو گذاشته بوديم تو کيفمون
مبارک: بعد می خواستيم تخم مرغ های هفت سين رو رنگ کنیم
مرشد: خوب بعدش چی شد؟

الماس: من رنگ قرمز رو از اين می خواستم اين به من نداد
مرشد: خوب بعد

مبارک: من هم رنگ زرد رو می خواستم اين به من نداد
مرشد: رنگ های که می خواستين رو به هم نداديد، خوب بعدش؟
مبارک: بعدش بين ما عصبانيتی پيش اومد؛ من با مشت زدم تو چشمش
مرشد: خیلی کار زشتی کردی، تو چیکار کردی؟

الماس: من هم عصبانی شدم با تخم مرغ زدم تو سرش
مرشد: (در حالی که ابرو ها را بالا برده با چشم های باز از تعجب رو به دوربين) با تخم مرغ
زده تو سرش؛ عجب کار زشتی

مبارک: بعد بين ما جنگ شد، من با کفشم زدم تو سرش
الماس: من هم با راديو زدم تو سر اين

مرشد: خیلی کار اشتباهی کردید، هم زدید تو سر هم، هم راديو رو خراب کردید!
(مرشد در حالی که با دست به دوربين اشاره می کند): بچه جون من، شب عيد همه با هم
دوستند، شما برای چند تا مداد رنگی با هم قهر کردید؛ واقعا که!

مبارک و الماس: ما معذرت می خوايم
مرشد (در حالی که دستش را با اشاره تکان می دهد): بين به خاطر اين که شب عيد و بچه ها
نشستند از شما چيز ياد می گيرن و از ما، بايد بگم: چشم (با اشاره به دوربين) بچه های مهربون،

من مبارک و الماس رو می بخشم اما (با اشاره به عروسک ها) من یه شعر می خونم، قشنگ گوش بدین من حرفام رو تُو اون می گم.

آواز "آی بچه های مهربون و عزیز و با هوش، نوروز که می شه، کدورتا میشه فراموش، عید موقع مهمونی و دوستی و آشتی، باید بره از خاطرات هر کینه که داشتی، لجبازی و قهر و دشمنی سردی میاره، نوروز همیشه وقت گُله چون که بهاره."

الف: ۱- رمزهای میزانشن

۱-۱) صحنه پردازی: محل وقوع روایت یک استودیوی تلویزیونی است.

۱-۲) وسایل صحنه: عروسک های پارچه ای، صندوقچه، ردیف های گل (باغچه مانند)

۱-۳) رمزهای غیرکلامی: ابروها را در هم کشیدن، چشمها را بیش از حد گشودن (تعجب کردن)، صدا را بلند کردن، دست ها را هنگام صحبت حرکت دادن، اشاره با دست به دوربین

۱-۴) رمزهای لباس: کلاه و جلیقه سنتی مرشدها

الف: ۲- رمزهای فنی

۲-۱) نما: نمای متوسط و دور است که سعی در ایجاد رابطه با سوژه و نیز تشریح بافت و زمینه دارد.

۲-۲) زاویه دوربین: هم سطح است که القاء کننده برابری با مخاطب است.

۲-۳) نوع عدسی: عادی است، تداعی یک زندگی معمولی (یک جریان عادی) است.

۲-۴) ترکیب بندی: نامتقارن و ایستاست که تداعی کننده زندگی روزمره به دور از تضاد و تشویش است.

۲-۵) وضوح: حالت کانونی عمیق (عمق میدان) است یعنی تمام عناصر مهم هستند.

۲-۶) نورپردازی: مایه روشن است؛ بیان کننده خوش بختی و شادی است.

۲-۷) رنگ: رنگ های گرم استفاده شده است که تداعی کننده شادی و شور هستند.

ب:

REF	ACT	SYM	SEM	HER	
- ارجاع به یکسری باید و نباید های رفتاری در ارتباط با دیگران - ارجاع به آیین های ملی	- در نورز همه کینه و کدورت ها را کنار گذاشته و با هم صمیمی می شوند - بچه ها مهربان، عزیز و باهوش اند	- قهر کردن/ آشتی کردن - اخم/ خنده - کار بد/ کار خوب - بزرگتر/ بچه - مهربان/ نامهربان - دوستی/ دشمنی	- ارجاع به گذشت نسبت به دیگران حتی زمانی که حق داریم - ارجاع ضمنی به این که برگزاری آیین نوروز در ایران منجر به تقویت رفتارها ی پسندیده ای چون دوستی و مودت	- چرا اخم کردن بد است؟ - در نوروز چه چیزهای را باید کنار گذاشت و چه چیزهای را باید انجام داد؟ - چرا قهر کردن کار بدی است؟ - چرا ندادن وسایل مورد نیاز به دوستانمان کار بدی است؟ - بچه ها	صحنه شماره ۸

			می شود. - ارجاع ضمنی به این نکته که برنامه فیتيله صرفا یک برنامه سرگرم کننده نیست، بلکه در کنار تفریح در پی آموزش نکات تربیتی است	از برنامه "فیتيله" چه چیزهای را یاد می گیرند؟ - بچه های که فیتيله را می بینند دارای چه ویژگی ها هستند؟ - لجبازی منجر به چه اتفاقی میشود؟	
--	--	--	---	--	--

ج:

در سطح اول دلالت بر یک نمایش عروسکی با موضوع قهر کردن، دارد.
در سطح دوم اشاره به این موضوع دارد که در روابط فردی بهتر است نسبت به دیگران با گذشت باشیم حتی زمانی که حق با ماست و مراسم جشن نوروز را باعث کنار گذاشتن دشمنی ها، چشم پوشی از خطای دیگران و رجعت دوباره به مهربانی و در پی آن تجدید میثاق های با ارزشی چون دوستی، مودت و دیگرخواهی و تقویت پایه های یک جامعه مدنی معرفی می کند

و در کنار این نکته اشاره ضمنی به این مورد دارد که برنامه فیتیله دغدغه تربیتی نسبت به مخاطبانش یعنی کودکان دارد.

در سطح سوم دلالت بر یکسری باید و نبایدهای اخلاقی دارد که از قضا در دین انسان ساز اسلام هم بر آن ها تأکید فراوان شده است، علاوه بر این کودک باید بیاموزد پیروی او از انضباط اجتماعی و اخلاقی که ریشه در ارزش های سنتی چون آموزه های دینی و برگزاری جشن های ملی مانند نوروز دارد، موجب زندگی بهتر برای او و دیگران می شود.

پاسخ سوال های فرعی تحقیق:

۱- پیام های تربیتی صریح برنامه "فیتیله" به کودکان چیست؟ در سطح اول تحلیل فیسک پیام صریح این صحنه بیان شده است.

۲- پیام های تربیتی پنهان برنامه "فیتیله" به کودکان چیست؟ در سطح دوم تحلیل فیسک پیام پنهان این صحنه بیان شده است.

۳- آیا پیام های تربیتی "فیتیله" با توان ذهنی و شناختی کودکان تطابق دارد؟ این صحنه کودکان را به پرهیز از توجه صرف به خود ترغیب می کند که با توجه به نظر پیاژه که رشد مفاهیم اخلاقی را در کودکان به دو مرحله واقع نگری اخلاقی و اخلاق توافقی تقسیم می کند و با توجه به این که شیوع مرحله اول اندیشه اخلاقی در کودکانی است که در سنین بین ۴ تا ۷ سال قرار دارند و مرحله بعدی بیشتر در کودکان ۹ یا ۱۰ سال به بالا آغاز می شود. بنابراین کودکان ۳ تا ۵ ساله به پیام تربیتی این صحنه توجه کمی دارند، کودکان ۵ تا ۹ ساله توجه و احترام زیادی نسبت به آن از خود نشان می دهند (دوره واقع نگری اخلاقی) و کودکان ۹ تا ۱۲ ساله رعایت این امر را با توجه به شرایط دلخواه شان الزامی می دانند (دوره اخلاق توافقی).

۴- آیا اولویت بندی برای مسائل تربیتی ارائه شده در برنامه مشاهده می شود؟ اولویت تربیتی شان چیست؟ پرهیز از خودخواهی و قهر کردن

۴- نظم و هرج و مرج: شامل دو زیرمجموعه ۱- رعایت قانون، بخصوص حقوق دیگران ۲- برنامه ریزی

شاید مردم بخواهند در جامعه ای منظم زندگی کنند، ولی واقعیت اغلب آلوده و مملو از مسائل و مشکلات است.

مثال مورد ۱

۸۸/۱/۱۴ صحنه شماره ۹) نمایش صف آرایشگاه

مرد جوانی سرش را پایین می اندازد و بی توجه به افرادی که در صف هستند، می رود اول صف می نشیند.

مرد جوان: سلام

پیر مردی که سر صف نشسته بود: سلام، (با اشاره دست) بفرمایید ته صف

مرد جوان: نه من کار دارم، برم زود بیام

پیر مرد: ما هم کار داریم

مرد میانسال: آقا جان برو ته صف بشین، عزیز من همه توی صف نشسته اند

پیر مرد: ما ها علافیم این جا نشستیم فقط تو کار داری!

مرد جوان: من یه نفرم

پیر مرد: پاشو، من دو نفرم آخه...

مرد میانسال: ... خجالت نمی کشه

(مرد جوان می رود) پیر مرد خطاب به مرد میانسال: همین جوری لااقل نمایاد بگه آقا معذرت

می خوام، یه صحبتی کنه همین جوری سرش رو میندازه پایین اومده این جا

مرد میانسال: اصلا حقوق دیگران رو در نظر نمی گیرند

مرد جوان در حالت های مختلف سعی می کند که سر صف برود یک بار چهار دست و پا می

آید

مرد جوان با ناله: من برم

پیر مرد: نرو، بهت گفتم این جا صفیه... واقعا که آدم فکر می کنه این بچه ست بابا تو سن و

سالی داری

مرد میانسال: اصلا یاد گرفتن بی قانون باشن

بار دیگر مرد جوان کلاه نوزادی بر سر و شیشه شیر به دست می آید

مرد جوان (نی نی): سلام (می رود سر صف)

پیرمرد و مرد میانسال: سلام نی نی جان

پیرمرد: قیافه این نی نی آشنا نیست... (با عصا مرد جوان را می زند) دو کلام بیا بگو من کار دارم

با حرف...

مرد میانسال: آدم بی نزاکت .

مرد جوان عصا به دست با ریش و سبیل سفید و قد خم کرده به سمت سر صف می رود

مرد جوان (پیر شده): سلام

مرد میانسال و پیرمرد در حالی که از جای خود بر می خیزند به پرد جوان (پیر شده) : سلام
بفرمایید این جا

پیر مرد: بیچاره سن و سالی ازش گذشته

مرد میانسال: بالاخره باید احترام گذاشت به بزرگترها؛ این قیافش به نظر شما آشنا نیست...
خجالت نمی کشه، برو بیرون

الف: ۱- رمزهای میزانشن

۱-۱) صحنه پردازی: محل وقوع روایت یک استودیوی تلویزیونی است، بازیگران به همراه
تعدادی از بچه های مهمان (پسرها) که ریش و سبیل مصنوعی گذاشته اند در یک صف مرتب
نشسته اند.

۱-۲) وسایل صحنه: صندلی، عصا، عینک، شیشه شیر، ماکت خانه، ردیف گل ها (باغچه مانند)

۱-۳) رمزهای غیرکلامی: دست تکان دادن، لبخند زدن، اشاره با دست به بالا، کف زدن

۱-۴) رمزهای لباس: کت، کلاه، جلیقه، لباس های راحتی یکدست

الف: ۲- رمزهای فنی

۲-۱) نما: درشت و دور که در پی القاء صمیمیت و نزدیکی به مخاطب با نشان دادن احساسات
بازیگران و در عین حال ارائه زمینه پشت سر آن ها یعنی ماکت خانه (تشریح بافت برنامه) است.

۲-۲) زاویه دوربین: هم سطح است که القاء کننده برابری با مخاطب است.

۲-۳) نوع عدسی: عادی است، تداعی یک زندگی معمولی (یک جریان عادی) است.

۲-۴) ترکیب بندی: متقارن و ایستاست که القاء کننده فضای آرام است.

۲-۵) وضوح: حالت کانونی عمیق (عمق میدان) است یعنی تمام عناصر مهم هستند.

۲-۶) نورپردازی: مایه روشن است؛ بیان کننده خوش بختی و شادی است.

۲-۷) رنگ: رنگ های گرم استفاده شده است که تداعی کننده شادی و شور هستند.

ب:

REF	ACT	SYM	SEM	HER	
- ارجاع به حرمت بزرگترها - ارجاع به قانون مداری		- جوان / پیر - نظم / بی نظمی	- ارجاع به نظم - ارجاع به رعایت حقوق دیگران - ارجاع به صداقت و رو راستی		صحنه شماره ۹

ج:

در سطح اول نمایشی درباره افرادی است که در صف نشسته اند. در سطح دوم دلالت بر وجود نظم که موجب حفظ حقوق تک تک افراد اجتماع است و بچه ها باید یاد بگیرند که افراد منظمی باشند و در پی آن خود را مقید به رعایت حقوق دیگران کنند که این خود موجب منظم تر شدن است، در کنار آن اشاره به رو راست بودن بچه ها در گفتن درخواست هایشان به دیگران و داشتن صداقت در کلام و رفتارشان است که در این صورت درخواستشان از طرف دیگران اجابت می شود.

در سطح سوم دلالت بر این دارد که شاید مردم بخواهند در جامعه ای منظم زندگی کنند، ولی واقعیت همیشه باب میل آدم ها نیست، اغلب اوقات در جامعه بی نظم و مسائلی از این قبیل وجود دارد اما در هر صورت کودکان باید بدانند که ملزم اند منظم و قانون مند باشند بخصوص در زندگی جمعی و در کنار آن احترام گذاشتن به افراد مسن حتی نسبت به افراد غریبه، در موقعیت های موقتی چون یک صف را امری قطعی و پذیرفته شده است. مورد ۲، به ضمیمه صحنه شماره ۸ مراجعه شود.

پاسخ سوال های فرعی تحقیق:

۱- پیام های تربیتی صریح برنامه "فیتله" به کودکان چیست؟ در سطح اول تحلیل فیسک پیام صریح این صحنه بیان شده است.

۲- پیام های تربیتی پنهان برنامه "فیتله" به کودکان چیست؟ در سطح دوم تحلیل فیسک پیام پنهان این صحنه بیان شده است.

۳- آیا پیام های تربیتی "فیتله" با توان ذهنی و شناختی کودکان تطابق دارد؟ این صحنه کودکان به قانون مداری و رعایت حقوق دیگران ترغیب می کند که با توجه به نظر پیاژه که رشد مفاهیم اخلاقی را در کودکان به دو مرحله واقع نگری اخلاقی و اخلاق توافقی تقسیم می کند و با توجه به این که شیوع مرحله اول اندیشه اخلاقی در کودکانی است که در سنین بین ۴ تا ۷ سال قرار دارند و مرحله بعدی بیشتر در کودکان ۹ یا ۱۰ سال به بالا آغاز می شود. بنابراین کودکان ۳ تا ۵ ساله به پیام تربیتی این صحنه توجه کمی دارند، کودکان ۵ تا ۹ ساله توجه و احترام زیادی نسبت به آن از خود نشان می دهند (دوره واقع نگری اخلاقی) و کودکان ۹ تا ۱۲ ساله رعایت این امر را با توجه به شرایط دلخواه شان الزامی می دانند (دوره اخلاق توافقی).

۴- آیا اولویت بندی برای مسائل تربیتی ارائه شده در برنامه مشاهده می شود؟ اولویت تربیتی شان چیست؟ پرهیز از خودخواهی (توجه صرف به خود)

۵- جمع گرایی و فرد گرایی: فردگرایی و خودبینی بی پروا منجر به خوش بختی نمی شود. ۸۸/۱/۳ (صحنه شماره ۱۰) مجری در حالی که دست تکان می دهد و در کنار جایگاه بچه های مهمان به دور خود می چرخد، بلند می گوید: "دست و هورا و وارد صحنه می شود. مجری: "... یادش بخیر، اون موقع ها پدربزرگ های ما یک اسکناس از لای قرآن به ما می دادند، چقدر زیبا بود یعنی برکتی باشه تو زندگی مون، یادش بخیر... (مجری در حالی که صندلی ها را جابه جا می کند) اما بچه ها همکاری در کارهای خونه و بیرون باعث میشه یه نفر خسته نشه، یه کارهای داریم انفرادیه یه کارهای گروهیه مثل این که تو باید درس بخونی، تو تنها باید درس بخونی اما برای درست کردن روزنامه دیواری باید چند نفر باشید این کار گروهیه؛ چرا گفتم گروهی، می خواستم بچه ها، بگم این کارهای که امروز دیدید در "فیتله عیدا تعطیله" گروهی بود،... هر کاری که گروهی باشه، مسلما خیلی خوب انجام میشه."

الف: ۱- رمزهای میزانشن

۱-۱) صحنه پردازی: محل وقوع روایت یک استودیوی تلویزیونی است، مجری در کنار جایگاه بچه های مهمان می ایستد.

۱-۲) وسایل صحنه: صندلی، جایگاه نشستن بچه های مهمان، ردیف گل ها (باغچه مانند)

۱-۳) رمزهای غیرکلامی: لبخند، اشاره با دست به دوربین

۱-۴) رمزهای لباس: پیراهن سبز رنگ، شلوار مشکی به همراه کمربند و کفش مشکی

الف: ۲- رمزهای فنی

۲-۱) نما: درشت، متوسط و دور که در پی نشان دادن احساسات مجری با نشان دادن حالت چهره و همچنین القاء صمیمیت و نزدیکی به مخاطب و در عین حال ارائه زمینه است.

۲-۲) زاویه دوربین: هم سطح است که القاء کننده برابری با مخاطب است.

۲-۳) نوع عدسی: عادی است، تداعی یک زندگی معمولی (یک جریان عادی) است.

۲-۴) ترکیب بندی: ترکیبی از حالتهای متقارن، نامتقارن و ایستاست القاء زندگی روزمره یعنی مجری هم مثل بقیه بزرگترهاست که با بچه ها در حال گفتگوست البته توام با القاء حس آرامش به مخاطب.

۲-۵) وضوح: حالت کانونی عمیق (عمق میدان) است یعنی همه چیز در نما اهمیت دارد "به همه چیز نگاه کن".

۲-۶) نورپردازی: مایه روشن است؛ بیان کننده خوش بختی و شادی است.

۲-۷) رنگ: لباس مجری رنگ سرد دارد که مایه آرامش است و در تلفیق با رنگ های گرم به کار رفته در دکور برنامه مایه شادی و شور است، محیطی شاد و فرح بخش به دور از هر گونه تشویش را القاء می کند.

ب:

REF	ACT	SYM	SEM	HER	
ارجاع به تعاون و همکاری - ارجاع به سنت	- اسکناس را بین صفحات قرآن می گذاشتند تا عیدی ها برکتی برای زندگی شود. - چون برنامه فیتیله کار گروهی است که بطور تلویحی توسط مجری برنامه یک نمونه کار گروهی خوب معرفی می شود.	- سنت / تحول - ما / شما - همکاری / عدم همکاری - کارگروه ی / کار انفرادی - خوب / بد	- ارجاع ضمنی به تلفیق آداب ملی و مذهبی در ایران بوژه در ایام گذشته (عیدی دادن آن هم از بین صفحات قرآن) - ارجاع ضمنی به خوب بودن برنامه فیتیله	- چرا در گذشته پدربزرگ ها اسکناس ها را لای قرآن می گذاشتند؟ - چرا کارها گروهی باشد خوب انجام می شود؟	صحنه شماره ۱۰

ج:

دلالت اولیه این صحنه یادآوری خاطرات خوشایند گذشته و سفارش به همکاری و کارهای گروهی است.

در سطح معانی ضمنی این صحنه اشاره به تلفیق دو مورد، موردپسند ملی و مذهبی (عیدی دادن+ گذاشتن عیدی در بین صفحات قرآن (کتاب آسمانی مسلمانان)) با یکدیگر است؛ به نوعی گویای تأثیر عقاید مذهبی مسلمانان بر تمام ابعاد زندگی در ایران است. بعلاوه اشاره پنهانی به خوب اجرا شدن برنامه فیتله آن هم در سایه تعریف و تمجید تعاون و همکاری در کارهای گروهی دارد.

در سطح سوم دلالت متن، سعی در القای این نکته دارد که در ایران در روزگاران گذشته مسائل مورد پسند ملی بیشتر رنگ و بوی مذهبی داشت بطوری که یادآوری آنها همراه با حسرتی است که در کلام نمود "یادش بخیر" را پیدا می کند به معنی دیگر ارجاع به سنت می شود، گویی همه چیز در قدیم خواستنی تر و لذت بخش تر بوده است، گذشته برای ما ایرانی ها بسان رویای از دست رفته است (یادش بخیر)؛ علاوه بر این، این صحنه تأکیدش بر همکاری و کانون خانواده و متصل بودن این دو است. آنچه این صحنه می گوید این است که اساس زندگی خانوادگی در سطح خرد و زندگی اجتماعی در سطح کلان بر همکاری و تعاون است.

پاسخ سوال های فرعی تحقیق:

- ۱- پیام های تربیتی صریح برنامه "فیتله" به کودکان چیست؟ در سطح اول تحلیل فیسک پیام صریح این صحنه بیان شده است.
- ۲- پیام های تربیتی پنهان برنامه "فیتله" به کودکان چیست؟ در سطح دوم تحلیل فیسک پیام پنهان این صحنه بیان شده است.
- ۳- آیا پیام های تربیتی "فیتله" با توان ذهنی و شناختی کودکان تطابق دارد؟ این صحنه کودکان را به پرهیز از توجه صرف به خود ترغیب می کند و ارزش سنت های به جا مانده از گذشته را به آن ها یادآوری می کند که با توجه به نظر پیازه که رشد مفاهیم اخلاقی در کودکان را به دو مرحله واقع نگری اخلاقی و اخلاق توافقی تقسیم می کند و با توجه به این که شیوع مرحله اول اندیشه اخلاقی در کودکانی است که در سنین بین ۴ تا ۷ سال قرار دارند و مرحله بعدی بیشتر در کودکان ۹ یا ۱۰ سال به بالا آغاز می شود. بنابراین کودکان ۳ تا ۵ ساله به پیام تربیتی این صحنه توجه کمی دارند، کودکان ۵ تا ۹ ساله توجه و احترام زیادی نسبت به آن ها از خود نشان می دهند (دوره واقع نگری اخلاقی) و کودکان ۹ تا ۱۲ ساله رعایت این قوانین را با توجه به شرایط خودشان الزامی می دانند (دوره اخلاق توافقی).

۴- آیا اولویت بندی برای مسائل تربیتی ارائه شده در برنامه مشاهده می شود؟ اولویت تربیتی شان چیست؟ کودکان باید ارزش های به جا مانده از گذشته را پاس بدارند و با دیگران در کارها همکاری کنند.

۶- کودکی در مقابل بزرگسالی: این مقوله شامل ۴ مقوله مرتبط با ویژگی های کودکی در مقابل بزرگسالی مورد تأکید برنامه فیتله است.

زیر مجموعه های این مقوله عبارتند از:

۱- دوست داشتنی بودن/ منفور بودن ۲- پختگی/ خامی ۳- اطاعت/ سرپیچی ۴- مسئولیت

پذیری/ سهل انگاری

۸۸/۱/۹ صحنه شماره ۱۱) صحنه با حرکت سریع دوربین بر روی تنگ ماهی و نمای دور از بازیگران که بر روی ایوان ماکت خانه و روی لبه های پنجره خانه نشسته اند و تعدادی که لباس عروسک حیوانات را بر تن کرده اند، شروع می شود.

آواز: "شروع کنیم دوباره (با اشاره دست ها به دوربین) سلام به تو، سلام به تو؛ قشنگ ترین ستاره سلام به تو، سلام به تو؛ سلام به تو که خیلی مهربونی، قشنگی و ناز و شیرین زبانی، حالت چطور گل گلدون ما، حالت چطور ماه آسمونا، بگو به ما که خوبی هر جا هستی، سلامتی هر جای دنیا که هستی، آرزو داریم که لبات بخنده پر بکشی شادی کنی تو آسمون پرنده."

الف: ۱- رمزهای میزانشن

۱-۱) صحنه پردازی: محل وقوع روایت یک استودیوی تلویزیونی است، بازیگران بر روی ایوان ماکت خانه و روی لبه های پنجره خانه نشسته اند و تعدادی که لباس عروسک حیوانات را بر تن کرده اند، در حال آواز خواندن هستند (صدای بیچه های مهمان هم که در حال خواندن آواز هستند، شنیده می شود).

۱-۲) وسایل صحنه: ماکت خانه، ردیف گل ها، تنگ ماهی، صندوقچه، لباس حیوانات

۱-۳) رمزهای غیرکلامی: لبخند، اشاره با دست به دوربین

۱-۴) رمزهای لباس: لباس های راحتی یکدست به رنگ های سبز، نارنجی و سرخ آبی، دستکش سفید

الف: ۲- رمزهای فنی

- ۲-۱) نما: نماها درشت و دور هستند که سعی دارد ایجاد صمیمیت و نزدیکی با مخاطب کند و در پی انتقال احساسات به مخاطب است و نیز سعی در تشریح بافت و زمینه دارد.
- ۲-۲) زاویه دوربین: در دو مورد زاویه سرازیر است که کل عوامل شرکت کننده در آواز را از بالای سرشان نشان می دهد، که این وضعیت حس هم ذات پنداری مخاطب با سوژه را به وجود می آورد، گویی آواز توسط تعدادی کودک خوانده می شود؛ در بقیه موارد هم سطح است که القاء کننده برابری با مخاطب است، کودک احساس می کند خود در این آواز خواندن، شرکت کرده است.
- ۲-۳) نوع عدسی: عادی است، تداعی یک زندگی معمولی (یک جریان عادی) است.
- ۲-۴) ترکیب بندی: متقارن و ایستاست که القاء کننده فضای آرام است.
- ۲-۵) وضوح: حالت کانونی عمیق (عمق میدان) است یعنی تمام عناصر مهم هستند.
- ۲-۶) نور پردازی: مایه روشن است؛ بیان کننده خوش بختی و شادی است.
- ۲-۷) رنگ: با توجه به لباس بازیگران و رنگ های استفاده شده در دکور؛ رنگ مورد استفاده در این صحنه ترکیبی از رنگ های سرد و گرم است، که محیطی شاد و فرح بخش به دور از هر گونه تشویش را القاء می کند.

ب:

REF	ACT	SYM	SEM	HER	
- ارجاع به معصویت کودکان		- سلام/ هر کلام دیگر - مهربان/	- ارجاع ضمنی به پاکی و زیبای	- چرا بچه ها به گل های	صحنه شماره ۱۱
- ارجاع به اعتقادات مذهبی (سفارش اسلام به		نامهربان - خوب/ بد - ما/ دیگران	فطری کودکان - ارجاع ضمنی به دوست داشتنی	تشبیه شده اند؟ - چرا بچه ها به ماه و ستاره	

سلام کردن)			بودن کودکان	تشبیه شده اند؟	
---------------	--	--	----------------	-------------------	--

ج:

سطح اول دلالت بر آوازی راجع به سلام دارد.

در سطح دوم دلالت بر پاک سرشتی کودکان و القاء این امر به کودکان که جز زیباترین مخلوقات خدا هستند (تشبیه به گل، ماه، ستاره... می شوند) و اینکه کودکان محبوب بزرگترها هستند بویژه در این جا محبوب عوامل برنامه فیتله (گل های گلدون ما، آرزو داریم لبات بخنده...) و تلفیق وجود بچه ها با سلام و بهترین آرزوهای که فیتله برای بچه ها دارد؛ به علاوه بازیگران چنان راحت و بی دغدغه بر لبه پنجره نشسته اند که گویی استودیو، خانه آنهاست و آن ها همچون کودکانی از آشناترین مأوا و سرپناه با بچه های خانه در حال صحبت هستند.

در سطح سوم دلالت بر اعتقادات مذهبی دارد و سفارش اسلام به سلام کردن که هم موجب ایجاد روابط حسنه بین انسان ها می شود و هم خبر از وجود علاقه بین آنها می دهد؛ علاوه بر این صحنه بیننده خود را به قول آلتوسر صدا می زند، او را با القابی چون مهربان، نازنین، قشنگ و... مورد خطاب قرار می دهد و موجب قبول این "فهم متعارف" می شود که کودک، دوست داشتنی ترین موجود است.

موارد ۲، ۳ و ۴ به ترتیب به ضمیمه، صحنه های شماره ۹، ۱۰ و ۱۱ مراجعه شود.

پاسخ سوال های فرعی تحقیق:

۱- پیام های تربیتی صریح برنامه "فیتله" به کودکان چیست؟ در سطح اول تحلیل فیسک پیام صریح این صحنه بیان شده است.

۲- پیام های تربیتی پنهان برنامه "فیتله" به کودکان چیست؟ در سطح دوم تحلیل فیسک پیام پنهان این صحنه بیان شده است.

۳- آیا پیام های تربیتی "فیتله" با توان ذهنی و شناختی کودکان تطابق دارد؟ این صحنه کودکان را پاک سرشت معرفی می کند و به سلام کردن که یکی از موارد تأکید شده در اسلام است، اشاره دارد که با توجه به نظر پیازه که رشد مفاهیم اخلاقی را در کودکان به دو مرحله واقع نگری اخلاقی و اخلاق توافقی تقسیم می کند و با توجه به این که شیوع مرحله اول اندیشه اخلاقی در کودکانی است که در سنین بین ۴ تا ۷ سال قرار دارند و مرحله بعدی بیشتر در

کودکان ۹ یا ۱۰ سال به بالا آغاز می شود. بنابراین کودکان ۳ تا ۵ ساله به پیام تربیتی این صحنه توجه کمی دارند، کودکان ۵ تا ۹ ساله توجه و احترام زیادی نسبت به آن ها از خود نشان می دهند (دوره واقع نگری اخلاقی) و کودکان ۹ تا ۱۲ ساله رعایت این قوانین را با توجه به شرایط خودشان الزامی می دانند (دوره اخلاق توافقی).

۴- آیا اولویت بندی برای مسائل تربیتی ارائه شده در برنامه مشاهده می شود؟ اولویت تربیتی شان چیست؟ کودکان محبوب بزرگترها هستند.

۷- زن و مرد (تفکیک جنسیتی): شامل تفاوت های ۱- رفتاری ۲- فکری
۸۸/۱/۶ (صحنه شماره ۱۲) مجری "... یه سوال از بچه ها، ببینیم پسرا برنده می شن یا دخترها؟ (عین این سوال را از بچه های مهمان می پرسد) حالا این چیستان رو به من می گن چیه؟ یه چیزی تو آسمون ... (جواب چیستان: ابر)؛... اما با دست می شه خیلی بازی کرد مثل لاک پشت... و پرنده (مجری دست ها روی هم می گذارد و سوت می زند) صدای سوت پرنده ، بگید پسرا، به به چقدر پرنده داریم، چیه چه خبره؟ بزرگ و کوچیک دارین تو خونه با دستا بازی می کنین، همین بچه ها خوشحال می شن شما فرصتی رو بذارین با اونا بازی کنین."

الف: ۱- رمزهای میزانشن

۱-۱) صحنه پردازی: محل وقوع روایت یک استودیوی تلویزیونی است، مجری در کنار جایگاه بچه های مهمان می ایستد.

۱-۲) وسایل صحنه: جایگاه نشستن بچه های مهمان، ردیف گل ها، تنگ ماهی، صندوق بزرگ
۱-۳) رمزهای غیرکلامی: لبخند، حرکت دست ها، افکت صدای پرنده، اشاره با دست به دوربین، ریش و سیبل مرتب

۱-۴) رمزهای لباس: بلوز سبز رنگ، شلوار سفید همراه با کمر بند، کفش مشکی

الف: ۲- رمزهای فنی

۲-۱) نما: نمای درشت، متوسط و دور است که در پی القاء صمیمیت و نزدیکی به مخاطب و همچنین نشان دادن احساسات مجری با نشان دادن حالت چهره و در عین حال ارائه زمینه است.

۲-۲) زاویه دوربین: هم سطح است که القاء کننده برابری با مخاطب است.

۲-۳) نوع عدسی: عادی است، تداعی یک زندگی معمولی (یک جریان عادی) است.

۲-۴) ترکیب بندی: نامتقارن، متقارن و ایستاست که القاء کننده زندگی روزمره در فضای آرام است.

۲-۵) وضوح: حالت کانونی عمیق (عمق میدان) است یعنی تمام عناصر مهم هستند.

۲-۶) نورپردازی: مایه روشن است؛ بیان کننده خوش بختی و شادی است.

۲-۷) رنگ: لباس مجری رنگ سرد دارد که مایه آرامش است و در تلفیق با رنگ های گرم به کار رفته در دکور برنامه مایه شادی و شور است، محیطی شاد و فرح بخش به دور از هر گونه تشویش را القاء می کند.

ب:

REF	ACT	SYM	SEM	HER	
- ارجاع به تفکیک جنسیتی (کلیشه جنسیتی)		- پسر/ دختر - بزرگ/ کوچک - بازی کردن/ بازی نکردن	- ارجاع ضمنی به وجود تفاوت بین دو جنس مذکر و مونث - ارجاع ضمنی به این که برنامه فیتيله؛ زبان کودکان برای خواستن خواستنه هایشان از بزرگترهاست (فیتيله = کودک)	- چه فرقی بین برنده شدن پسرها یا دخترها وجود دارد؟ - چرا در موقع بازی با دست به شکل پرنده پسرها فقط می	صحنه شماره ۱۲

				توانند	
				سوت	
				بزنند؟	
				- چرا	
				بزرگترها	
				با بچه	
				ها بازی	
				می	
				کنند؟	

ج:

در سطح اول مجری با بچه ها به بازی کردن مشغول است.

در سطح دوم دلالت بر وجود تفاوت های بین دخترها و پسرها می کند چه به لحاظ فکری (چه کسی زودتر می فهمد؟) و چه به لحاظ رفتاری که سوت زدن کار نا معقولی برای دخترهاست در حالی که برای پسرها اشکالی ندارد، از طرف دیگر اشاره به این دارد که فیتيله هر چند توسط افراد بزرگسال تهیه می شود اما آنچه مد نظر این برنامه است خواسته های کودکان است و اینکه فیتيله زبانی باشد که از طرف بچه ها با بزرگترها صحبت می کند، در واقع فیتيله گاهی اوقات به مثابه یک کودک می شود.

در سطح سوم دلالت بر تفکیک جنسیتی دارد، یکسری کارها به طور قطعی برای دخترها بد است مثل سوت زدن

در مورد تبعیض رفتاری بین دو جنس به ضمیمه، صحنه شماره ۱۲ مراجعه شود.

پاسخ سوال های فرعی تحقیق:

۱- پیام های تربیتی صریح برنامه "فیتيله" به کودکان چیست؟ در سطح اول تحلیل فیسک پیام صریح این صحنه بیان شده است.

۲- پیام های تربیتی پنهان برنامه "فیتيله" به کودکان چیست؟ در سطح دوم تحلیل فیسک پیام پنهان این صحنه بیان شده است.

۳- آیا پیام های تربیتی "فیتله" با توان ذهنی و شناختی کودکان تطابق دارد؟ این صحنه به نوعی تفاوت دختر بودن با پسر بودن را به کودکان یادآوری می کند که با توجه به نظر پیازه که رشد مفاهیم اخلاقی در کودکان را به دو مرحله واقع نگری اخلاقی و اخلاق توافقی تقسیم می کند و با توجه به این که شیوع مرحله اول اندیشه اخلاقی در کودکانی است که در سنین بین ۴ تا ۷ سال قرار دارند و مرحله بعدی بیشتر در کودکان ۹ یا ۱۰ سال به بالا آغاز می شود. بنابراین کودکان ۳ تا ۵ ساله به پیام تربیتی این صحنه توجه کمی دارند، کودکان ۵ تا ۹ ساله توجه زیادی نسبت به آن از خود نشان می دهند (دوره واقع نگری اخلاقی) و کودکان ۹ تا ۱۲ ساله با توجه به دوره بلوغ کاملاً تفاوت دختر بودن با پسر بودن را درک می کنند (دوره اخلاق توافقی).

۴- آیا اولویت بندی برای مسائل تربیتی ارائه شده در برنامه مشاهده می شود؟ اولویت تربیتی شان چیست؟ کودکان با توجه به جنسیتشان مجاز به انجام برخی از رفتارها نیستند.

۸- معنویت / مادیت: شامل ۱- یاد خدا ۲- مرگ و معاد

مثال مورد ۱:

۸۸/۱/۷ صحنه شماره ۱۳

بازیگران مناجاتی کودکانه در قالب آواز می خوانند.

آواز: "خدای من همیشه در دل منی، خدای خوشگل منی، دوستت دارم هزارتا، بیشتر از اون یه دنیا، به قلب من گفتمی که تاپ تاپ کنه، به لالای گفتمی من خواب کنه، تاپ تاپ دلم صدا می کنه، با تاپ تاپش خدا خدا می کنه."

الف: ۱- رمزهای میزانشن

(۱-۱) صحنه پردازی: محل وقوع روایت یک استودیوی تلویزیونی است، بازیگران مناجاتی کودکانه در قالب آواز می خوانند.

(۱-۲) وسایل صحنه: ماکت از نمای بیرونی یک خانه قدیمی، یک ردیف گل (باغچه مانند)، تنگ ماهی، تصویر گل ها که بر صفحه تلویزیون در حال حرکت اند.

(۱-۳) رمزهای غیرکلامی: بازیگران دستها را در پشت گره کرده اند و تقریباً بی حرکت ایستاده اند (مودبانه ایستاده اند)، اشاره سر و چشمها به بالا (هنگامی که نام خدا را بر زبان آورده می شود)

(۱-۴) رمزهای لباس: بلوز و شلوار یکدست راحتی (غیررسمی)، کفش کتانی سفید، دستکش سفید

الف: ۲- رمزهای فنی

۲-۱) نما: نمای بازیگران درشت و دور است که سعی دارد ایجاد صمیمیت و نزدیکی با مخاطب کند و در پی انتقال احساسات به مخاطب است و نیز سعی در تشریح بافت و زمینه دارد.

۲-۲) زاویه دوربین: هم سطح است که القاء کننده برابری با مخاطب است.

۲-۳) نوع عدسی: عادی است، تداعی یک زندگی معمولی (یک جریان عادی) است.

۲-۴) ترکیب بندی: ترکیب بندی متقارن و ایستاست که القاء کننده فضای آرام و بدون تنش است.

۲-۵) وضوح: بجز آغاز صحنه که دوربین از روی گل ها حرکت می کند و بازیگران با وضوح ملایم نشان داده می شود؛ وضوح حالت کانونی عمیق یا عمق میدان است یعنی همه چیز مهم است " به همه چیز نگاه کن."

۲-۶) نورپردازی: مایه روشن است القاء خوش بختی و شادی و نشاط

۲-۷) رنگ: چه در رنگ لباس بازیگران، چه در رنگ دکور برنامه؛ بیشتر از رنگ های گرم چون زرد، قرمز، نارنجی که باعث شوق و شور و نشاط می شود، استفاده شده است اما در کنار آنها از رنگهای سردی چون سبز، بنفش استفاده شده است؛ که کمک می کنند در القاء حالت مفرحی که به دور از تشویش و آشفتگی است، به نوعی تداعی دوران شاد و به دور از غم کودکی است.

ب:

REF	ACT	SYM	SEM	HER	
ارجاع به اعتقادات مذهبی	- چون خدا، خودش به قلب گفته با هرضربان (تاپ تاپ) خدا را صدا کند.	- خدا/ غیر خدا - دوست داشتن/ دوست نداشتن	- دلالت بر علاقه ذاتی همه انسانها به خداوند متعال دارد؛ بویژه بچه ها که با هرتپش قلبشان،	- چرا خدا همیشه در دل ماست ؟ - چرا خدا را باید دوست داشت؟	صحنه شماره ۱۳

	- خدا همیشه در دل ماست. - خدا را باید بیشتر از یک دنیا دوست داشت (بی نهایت باید دوست داشت)		خدا را صدا می کنند. - دلالت ضمنی بر پاکی ذاتی بچه ها	- چقدر خدا را باید دوست داشت؟	
--	--	--	--	---	--

ج:

در سطح اول شاهد مناجات کودکانه ای هستیم.
 در سطح دوم اشاره بر این مورد دارد که بچه ها فطرتی پاک و آشنا به خداوند متعال دارند و عشق به خدا با وجود آنها عجیب است که این موضوع در تحلیل همنشینی با صحنه قبلی که مجری می گوید: "بچه ها دلم می خواد شما با زبان کودکانتون دعا کنید، ما هم می خوایم دعا کنیم، گوش کنید" تاکید بیشتری می شود.
 در سطح سوم به لزوم صحبت کردن کودکان با خدا بخصوص با زبان کودکانه اشاره دارد؛ در واقع به آموزش دعا کردن می پردازد و به رشد اعتقادی بچه ها اشاره دارد.
 در مورد مرگ و معاد به ضمیمه، صحنه شماره ۱۳ مراجعه شود.

پاسخ سوال های فرعی تحقیق:

- ۱- پیام های تربیتی صریح برنامه "فیتله" به کودکان چیست؟ در سطح اول تحلیل فیسک پیام صریح این صحنه بیان شده است.
- ۲- پیام های تربیتی پنهان برنامه "فیتله" به کودکان چیست؟ در سطح دوم تحلیل فیسک پیام پنهان این صحنه بیان شده است.
- ۳- آیا پیام های تربیتی "فیتله" با توان ذهنی و شناختی کودکان تطابق دارد؟ این صحنه کودکان را به مناجات با خدا ترغیب می کند که با توجه به نظر پیاژه که رشد مفاهیم اخلاقی را در کودکان به دو مرحله واقع نگری اخلاقی و اخلاق توافقی تقسیم می کند و با توجه به این که شیوع مرحله اول اندیشه اخلاقی در کودکانی است که در سنین بین ۴ تا ۷ سال قرار دارند و مرحله بعدی بیشتر در کودکان ۹ یا ۱۰ سال به بالا آغاز می شود. بنابراین کودکان ۳ تا ۵ ساله به پیام تربیتی این صحنه توجه کمی دارند، کودکان ۵ تا ۹ ساله توجه و احترام زیادی نسبت به آن از خود نشان می دهند (دوره واقع نگری اخلاقی) و کودکان ۹ تا ۱۲ ساله رعایت این مورد را با توجه به شرایط خودشان الزامی می دانند (دوره اخلاق توافقی).
- ۴- آیا اولویت بندی برای مسائل تربیتی ارائه شده در برنامه مشاهده می شود؟ اولویت تربیتی شان چیست؟ یاد خدا

- ۹- موارد مورد پسند/ موارد ناپسند: ۱- کمک به دیگران ۲- پرهیز از تمسخر دیگران ۳- پرهیز از اسراف
مثال مورد ۱:

کمک به دیگران

۸۸/۱/۸ صحنه شماره ۱۴) مجری "آرزو می کنیم که تو این روزهای نوروزی سال ۱۳۸۸ همه دلشون شاد باشه، همه لبشون خندون باشه، چقدر خوبه که به فکر اطرافیانمون باشیم، به فکر کسانی باشیم که ممکن تنها باشند، بله این عید برای همه است آگه بتونیم دلی رو شاد کنیم لبی رو بخندونیم، خوب، این وظیفه یک مومنه و خیلی خوبه (همنشین با صحنه قبلی نمایش بچه های خیابانی) ..."

الف: ۱- رمزهای میزانشن

۱-۱) صحنه پردازی: محل وقوع روایت یک استودیوی تلویزیونی است، مجری روبروی جایگاه بچه های مهمان می ایستد.

۱-۲) وسایل صحنه: جایگاه نشستن بچه های مهمان، ردیف گل ها، تنگ ماهی، صندوقچه

۱-۳) رمزهای غیرکلامی: لبخند، اشاره با دست به دوربین

۱-۴) رمزهای لباس: بلوز آبی رنگ، شلوار مشکی همراه با کمر بند، کفش مشکی

الف: ۲- رمزهای فنی

۲-۱) نما: نماها متوسط و دور هستند که سعی در ایجاد رابطه شخصی با سوژه و نیز تشریح بافت و زمینه دارد.

۲-۲) زاویه دوربین: هم سطح است که القاء کننده برابری با مخاطب است.

۲-۳) نوع عدسی: عادی است، تداعی یک زندگی معمولی (یک جریان عادی) است.

۲-۴) ترکیب بندی: متقارن و ایستاست که القاء کننده فضای آرام است.

۲-۵) وضوح: حالت کانونی عمیق (عمق میدان) است یعنی تمام عناصر مهم هستند.

۲-۶) نورپردازی: مایه روشن است؛ بیان کننده خوش بختی و شادی است.

۲-۷) رنگ: لباس مجری رنگ سرد دارد که مایه آرامش است و در تلفیق با رنگ های گرم به کار رفته در دکور برنامه مایه شادی و شور است، محیطی شاد و فرح بخش به دور از هر گونه تشویش را القاء می کند.

ب:

REF	ACT	SYM	SEM	HER	
ارجاع به اعتقادات مذهبی	- مومن باید باعث شادی دل دیگران شود	- شادی/غم - خنده/گریه - خود/دیگری	- ارجاع به نوع دوستی (دستگیری از دیگران)	- چرا باید به فکر اطرافیان بود؟ - یک فرد مومن چه وظیفه ای نسبت به دیگران دارد؟	صحنه شماره ۱۴
- ارجاع به آرمان شهر		- مومن / غیر مومن			

ج:

در سطح اول مجری درباره به فکر دیگران بودن صحبت می کند.
در سطح دوم اشاره به انسان دوستی که دین اسلام هم تأکید زیادی بر آن دارد، می کند.
در سطح سوم دلالت بر اعتقادات مذهبی دارد و از آنجا که دین اسلام دارای ابعاد گوناگون است و تنها روابطه با عالم معنا را در نظر ندارد و از قضا راه رسیدن به عالم ملکوت را عبور از راه زمین معرفی می کند تا آن جا که فردی را دارای ایمان می داند که به هم نوع خود توجه داشته باشد و برای تربیت روح خود به شادی دل دیگران بیاندیشد و عمل بکند، به عبارت دیگر اسلام غیر از ایمان است، یعنی مرتبه مومن بالاتر از مرتبه مسلمان است و ما هم به عنوان عامل تربیتی کودکان اعم از رسانه، خانواده و... باید کودکان را نه تنها مسلمان بلکه بالاتر از آن مومن تربیت کنیم (به نوعی این برنامه به دنبال آرمان شهر و ساکنانی آرمانی برای آن شهر است).
موارد ۲ و ۳ به ترتیب به ضمیمه، صحنه های شماره ۱۴ و ۱۵ مراجعه شود.

پاسخ سوال های فرعی تحقیق:

- ۱- پیام های تربیتی صریح برنامه "فیتله" به کودکان چیست؟ در سطح اول تحلیل فیسک پیام صریح این صحنه بیان شده است.
- ۲- پیام های تربیتی پنهان برنامه "فیتله" به کودکان چیست؟ در سطح دوم تحلیل فیسک پیام پنهان این صحنه بیان شده است.
- ۳- آیا پیام های تربیتی "فیتله" با توان ذهنی و شناختی کودکان تطابق دارد؟ این صحنه کودکان را به کمک کردن به دیگران ترغیب می کند که با توجه به نظر پیازه که رشد مفاهیم اخلاقی را در کودکان به دو مرحله واقع نگری اخلاقی و اخلاق توافقی تقسیم می کند و با توجه به این که شیوع مرحله اول اندیشه اخلاقی در کودکانی است که در سنین بین ۴ تا ۷ سال قرار دارند و مرحله بعدی بیشتر در کودکان ۹ یا ۱۰ سال به بالا آغاز می شود. بنابراین کودکان ۳ تا ۵ ساله به پیام تربیتی این صحنه توجه کمی دارند، کودکان ۵ تا ۹ ساله توجه و احترام زیادی نسبت به آن از خود نشان می دهند (دوره واقع نگری اخلاقی) و کودکان ۹ تا ۱۲ ساله رعایت این مورد را با توجه به شرایط خودشان الزامی می دانند (دوره اخلاق توافقی).
- ۴- آیا اولویت بندی برای مسائل تربیتی ارائه شده در برنامه مشاهده می شود؟ اولویت تربیتی شان چیست؟ توجه به دیگران

فصل پنجم:

نتیجه گیری

استخراج "گفته شده ها" از "گفته ها"

مقدمه:

نتایج به دست آمده از این پژوهش در دو بخش به تفصیل ارائه می شوند. در بخش اول، به ماهیت برنامه فیتیله و رویکرد اخلاقی آن می پردازیم. در بخش دوم نیز به نحوه ی معنا بخشی آن به زندگی کودکان می پردازیم.

۱-۵ برنامه فیتیله همچون یک آیین است

همانطور که در مقدمه فصل چهارم نشان دادیم برنامه فیتیله مانند یک آیین به تولید معانی اخلاقی آن هم برای مخاطبانی نوپا می پردازد. این آیین در عمل به هیات متنی رسانه ای در می آید؛ متنی بر ساخته اجتماع که اعضای خردسال اجتماع را به تفسیر خود دعوت می کند. متنی که کودک را حرف گوش کن، قدردان، مهربان و ... معرفی می کند و مخاطب خود را نیز دعوت می کند تا چنین تفسیری از خویش بیابد؛ تفسیری ایده آل که به واسطه تکرار مدام، الگویی برای معنا دادن به زندگی می شود. به عبارت دیگر، برنامه فیتیله آیینی می شود که به تعبیر گیرتر (۱۹۷۳) نظم اجتماعی و جهان بینی مخاطبان خاص این برنامه یعنی کودکان را می سازد.

این برنامه به طور نمادین الگوهای اخلاقی ویژه ای را نمایش می دهد تا بدین وسیله اخلاقیات خاصی را در کودکان به صورت حالات عمومی درآورد. از طرف دیگر، این برنامه با تکرار تلاش می کند الگوهای اخلاقی خود را در کودکان درونی و کودکان را با توجه به جهان بینی خود اجتماعی کند.

همان گونه که پیشتر اشاره کردیم بسیاری از دانشمندان از جمله رودنبولر (۱۳۸۷) دو جهت متفاوت را در کارکردهای آیین تشخیص می دهند. از طرفی آیین، بعنوان شکلی از رفتار، حالات درونی کنشگر را عمومی می کند. از این طریق آن حالات درونی به کنشی جمعی تبدیل می شوند. از طرف دیگر، آیین حالات عمومی را در مشارکت کنندگان درونی می کند. این وضعیت از نظر رودنبولر نتیجه کارکردهای دیگر آیین، از جمله ی اجتماعی کردن و مطیع سازی است. در واقع برنامه فیتیله مانند یک آیین، ایده آل های اخلاقی خود را در کودکان درونی می کند.

پخش این برنامه از سیمای جمهوری اسلامی ایران، این تصور را تقویت می کند که ایده آل های اخلاقی آن به ایده آل های جهان بینی اسلامی نزدیک باشد. با پذیرش این مفروضه می توان گفت که این برنامه در قالب برنامه هایی شاد و سرگرم کننده تلاش می کند تا با بهره گیری از روش های تربیتی نزدیک به روش های تربیت اسلامی ایده آل های اخلاقی مد نظر خود را در کودکان تماشاگر خود درونی کند و با ظاهری غیر جدی آنها را به مشارکت در امر "جدی" فرا بخواند. یکی از شواهد قابل اعتنا در خصوص تلاش این برنامه بر رعایت و ترویج جهان بینی و

اخلاق اسلامی استفاده آیینی از نمادهای کلامی اسلامی از جمله آغاز کردن برنامه با نام خدا و استفاده از لفظ ان شاء الله است^۱ (مانند صحنه های شماره ۵، ۸، ۶ و ۹ بخش ضمیمه).

در واقع این برنامه همچون فعالیتی آیینی تلاش می کند ایده آل های اخلاقی را که مورد تأکید دین اسلام است چون مهم هستند از روزمره ها که مهم نیستند، جدا کند و چیزها را مطابق اهمیتشان با تکیه بر گفتمان اخلاق دینی تنظیم کند و از این طریق تأثیری نمادین بر زندگی جدی کودکان بگذارد. برخی از این ایده آل های اخلاقی مهم عبارتند از:

- مهم جلوه دادن حمد و ستایش خداوند که یکی از اصول پنجگانه ی دین اسلام یعنی توحید است، آن هم در قالب آوازهای کودکان و مناجات های مجری برنامه (مانند صحنه شماره 13 فصل چهارم)
- تأکید این برنامه بر رعایت حقوق دیگران به ویژه همسایه که در اسلام هم بدان بسیار سفارش شده است چنانچه امام صادق علیه السلام می فرماید: از رحمت خدای دور است از رحمت خدای دور است آن که همسایه اش را بیازارد^۲ (صحنه شماره ۲ فصل چهارم)
- تأکید این برنامه بر گذشت از خطای یکدیگر و پرهیز از قهر کردن، در این مورد از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نقل است که برای هیچ مسلمانی جایز نیست که بیش از سه روز از برادر دینی خود قهر کند و از وی جدا شود^۳ (صحنه شماره ۸ فصل چهارم)

^۱ استفاده از عبارت ان شاء الله در میان مسلمانان نشانه ی اعتقاد به قدرت و مشیت الهی است. و ریشه ی قرآنی دارد و چندین بار در این کتاب آسمانی ذکر شده است، برای مثال:

۱- حضرت یعقوب علیه السلام وقتی فرزندانش را راهی مصر می کرد تا گندم تهیه کنند به آنها گفت وارد مصر شوید، ان شاء الله در امان هستید. "ادخلوا مصر ان شاء الله امنین." (سوره یوسف آیه ۹۹)

۲- حضرت موسی علیه السلام وقتی می خواست همراه حضرت خضر علیه السلام شود به او گفت اگر خدا بخواهد مرا شکیباً خواهی یافت. "قال ستجدنی ان شاء الله صابراً." (سوره کهف آیه ۶۹)

۳- حضرت شعیب علیه السلام هم به حضرت موسی علیه السلام می گوید: "ستجدنی ان شاء الله من الصالحین." (سوره قصص آیه ۲۷)

۴- حضرت اسماعیل علیه السلام به حضرت ابراهیم علیه السلام می گوید: "ستجدنی ان شاء الله من الصابرين." (سوره صافات آیه ۱۰۲)

۵- آیه ۲۳ و ۲۴ سوره کهف هم به صراحت این نکته را به مردم گوشزد می کند که همیشه ان شاء الله بگویند: "و لا تقولن لشيء اني فاعل ذلك غدا الا ان يشاء الله/ و هرگز درباره کاری نگو من فردا آن را انجام می دهم، مگر این که خدا بخواهد".

بنابراین گفتن ان شاء الله رفتار کلامی است که نشان اسلامی رفتار کردن است و در این برنامه هم دیده می شود.

کنز الفوائد ج ۱ ص ۱۴۹^۲

● تأکید این برنامه به مسئله مرگ و زندگی پس از آن که یکی از اصول پنجگانه ی دین اسلام یعنی معاد است (صحنه شماره ۱۳ ضمیمه) و ...

در واقع برنامه فیتیله با ارائه الگوهای اخلاق اسلامی در پی ارائه تصویری از کودک مسلمان است (صحنه شماره ۱۴ فصل چهارم). سیمایی که این برنامه از کودکان ترسیم می کند آکنده از مهربانی و فروتنی به دور از غرور و ناسپاسی است (مانند صحنه ای که مجری می گوید: خداوندا شکر به خاطر این که به ما یاد دادی مهربون باشیم، به ما یاد دادی که مغرور نباشیم، بله همیشه فروتن باشیم و...)، کودکانی که هرگز کسی را به سخره نمی گیرند (صحنه شماره ۱۴ ضمیمه) و ... به دیگر سخن، این برنامه سیمای کودکی را نشان می دهد که باید باشد. همان تعبیری که رودنبولر (۱۳۸۷) در مورد آیین دارد؛ "آیین ها غالبا نه درباره آنچه وجود دارد بلکه درباره آن چیزی که می تواند، ممکن است یا باید باشد، هستند."

از طرف دیگر، فیتیله یک کنش نمادین است که در قالب نمایش، آواز و گفت و گو آن هم به واسطه منطق نشانه ها، معانی و قواعد اخلاقی نهفته در آن ها، برای مخاطبان خاص خود یعنی کودکان اجرا می شود. اجرایی که به تعبیر رودنبولر (۱۳۸۷) صورت رفیعی از ارتباطات و یکی از مهمترین ویژگی های آیین است. این برنامه هم برای کودکان اجرا می شود و هم در اجرای آن کودکان به عنوان مهمان مشارکت می کنند. هر چند کودکان مهمان ظاهرا جز دست زدن و هورا کشیدن و شرکت کردن در برخی از آوازاها آن هم در کسوت پیر مرد و پیر زن (بدون دیالوگ) نقشی ندارند اما همین حد از مشارکت نیز کودکان تماشاگر را به مشارکت نمادین در این آیین فرا می خواند. در واقع مشارکت جسمانی کودکان میهمان در برنامه خواه ناخواه تقویت کننده هر چه بیشتر مشارکت نمادین یا به بیان دیگر، غیر جسمانی کودکان تماشاگر است؛ مشارکت در اجرای آیینی که در عین آمیختگی به بازیگوشی و سرگرمی، بازتاب دهنده ی عقاید نیز هست؛ عقایدی که شاکله ی حیات معنوی کودکان را می سازد و تا حد زیادی برگرفته از فضیلت های مورد تأیید و تأکید دین اسلام است؛ عقایدی که هر روز در ایام عید در فاصله زمانی ۸:۴۵ تا ۱۳ به طور مرتب تکرار می شوند و بیشتر از "رخدادهای ویژه" با "الگوهای متعالی نظم" و بیشتر از "تغییر" با "پذیرش" سر و کار دارند.

بنابر این، برنامه فیتیله نه تنها ویژگی های یک آیین را دارد بلکه می توان آن را مصداق ارتباطات رسانه ای شده در شکل آیین یا به تعبیر رودنبولر (۱۳۸۷)، "استفاده آیینی شده رسانه" دانست.

بحارالانوار، ج ۷۵، ص ۱۸۵³

۱-۱-۵ استفاده آیینی شده رسانه: از آن جا که در خود برنامه خبر منتخب شدن این برنامه از میان سایر برنامه های ویژه کودک در ایام نوروز سال ۸۸ اعلام شد.^۴ کودکان هر روز برای تماشای این برنامه در ساعاتی مشخص باید آماده شوند و رفتار خود را برای تماشای آن تنظیم کنند، که این امر کاملاً با تعریف آیین که رفتارهای از پیش طراحی شده برای مشارکت نمادین در زندگی جدی تعریف شده است، انطباق دارد.

همچنین طبق نظر سلبرگ، این برنامه در روال علامت گذاری خود، لحظه های خاصی را برای مخاطبانش مشخص می کند. این لحظه های خاص به شکلی آیینی، روزهای مهم هفته و روزهای ویژه ای از سال را مشخص می کنند (مانند روزهای جمعه و نوروز). موارد ذکر شده نشانگر این هستند که از برنامه فیتیله، استفاده آیینی می شود.

و در نهایت همانطور که در ابتدای این بخش اشاره شد برنامه فیتیله مانند یک آیین به تولید معانی اخلاقی برای کودکان می پردازد. متنی برساخته اجتماع که با نمایش الگوهای اخلاق اسلامی، اعضای نو پای اجتماع را به شکل نمادین به مشارکت در یک آیین فرا می خواند. اما به واقع برنامه فیتیله با توجه به گفتمان اخلاقی خود چه چیزهای را بیان می کند؟ و این گفته ها و پیرو آن ناگفته ها چگونه به زندگی کودکان معنا می بخشد؟

۲-۵ آنچه فیتیله می گوید و آنچه نمی گوید

برنامه فیتیله در رویکرد اخلاقی خود که برخاسته از جهان بینی اسلامی است، یکسری حرف های گفته و ناگفته ای دارد که باید برای هر چه روشن تر شدن نقش آیینی این برنامه در تربیت نسل آتی جامعه به آن ها توجه کرد؛ همان بحث کارکرد آیین در جدا کردن چیزهای مهم از موارد غیر مهم.

مراجعه شود به پاورقی شماره ۵ فصل یک^۴

۱-۲-۵ آنچه فیتیله می گوید

بهترین مدخل برای بیان گفته های فیتیله مرور سوال های تحقیق و پاسخ به آن هاست، هر چند در فصل چهارم برای نظم دادن به داده های تحقیق به آن ها اشاره ای مختصر شد اما در این جا به طور جامع به آن ها می پردازیم تا موثق تر گفته های برنامه را مطرح کنیم.

۱-۲-۱-۵ سوال های تحقیق و پاسخ آن ها

سوال های اصلی ۱ و ۲:

- ۱- روش یا روش های تربیتی ارائه شده در برنامه "فیتیله" چیست؟
- ۲- آیا روش یا روش های تربیتی این برنامه دال بر یک گفتمان اخلاقی است؟

پاسخ سوال اول و دوم:

از آن جا که سوال دوم مکمل سوال اول است و به نوعی پاسخ آن مبنای پاسخ سوال اول، بنابراین پاسخ آن ها به طور ترکیبی و مکمل ارائه می شود. با توجه به تحلیل داده های فصل چهارم و همچنین تحلیل داده هایی که در بخش پیوست آمده است، گفتیم که روش تربیتی برنامه فیتیله تشویق برای داشتن رفتار مطلوب است اما اغلب با نمایش رفتار نامطلوب و نصیحت کردن کودکان برای پرهیز از این رفتارها سعی در ارائه الگوی رفتارهای مورد پسند دارد. در واقع روش تربیتی این برنامه مبتنی بر گفتمان کشمکش بین خوبی ها و بدی هاست؛ خوبی و بدی که بر اساس جهان بینی اسلامی تعریف می شود و پیرو آن روش تربیتی برنامه هم همان طور که اشاره شد، بسیار نزدیک به تربیت اسلامی است. در این راه، برنامه از چندین خرده روش تربیتی که همه زیر مجموعه تربیت اسلامی هستند، استفاده می کند.

اما قبل از مطرح کردن این روش ها، با توجه به گفتمان دینی (گفتمان اسلامی) این برنامه لازم است به اهداف متعالیه تربیت اسلامی اشاره کنیم.

اهداف غایی تربیت این نظام به گفته باقری (۱۳۸۶) شامل:

- ۱- هدایت و رشد، ۲- طهارت و حیات طیبه، ۳- تقوا، ۴- قرب و رضوان و ۵- عبادت و عبودیت است.

۱- هدایت و رشد: در ارتباط با انسان، هدایت در دو مرحله انجام می پذیرد. در نخستین مرحله هدایت به معنای "نمودن" راه است. در این نوع هدایت راه از بی راه شناسانده می شود.

در نوع دیگر از هدایت، تنها نشان دادن راه مد نظر نیست، بلکه کسی است که راه را برود و هدایت شونده را به دنبال خود ببرد. که هدایت به عنوان هدف غایی، همین نوع اخیر از هدایت است.

هدایت به عنوان هدف غایی، گاه در قرآن با واژه ی "رشد" بیان می شود. "رشد" در فرهنگ قرآن به معنای توسعه یا نموّ به کار نرفته، بلکه به مفهوم هدایت به کار رفته است. هنگامی که می گوئیم هدایت هدف غایی است، ناگزیر مقصود آن خواهد بود که آدمی در هر یک از شئون خود، به معیارهای الهی تن داده و در این صورت است که خدا دست او را می گیرد و او را به مقصد می رساند.

۲- طهارت و حیات طیّبه: طهارت (و نجاست) دو وصف وجودی برای اشیاست که آن ها را از حیث آن که موجب رغبت انسان یا کراهت او است، مورد توجه قرار می دهد. کاربرد واژه های طهارت و نجاست در قرآن، از حد محسوسات فراتر رفته و همین معنای محسوس، برای امور معقول به کار می رود. بنابراین در اسلام، همه ی معارف، اصول اخلاقی و احکام به مسأله ی طهارت و نجاست ناظرند. در اسلام اصل توحید، طهارت کبری معرفی شده و اگر کسی به خدا شرک بورزد، طهارت وجودی خویش را از دست داده است. همچنین سایر معارف، مسائل اخلاقی و احکام، طهارت محسوب می شوند و به هر میزان نسبت به آن ها التزام وجود داشته باشد، طهارت بیشتری در انسان حاصل می شود.^۵ طهارت به این معنای وسیع که شامل اعتقادات، اخلاق و اعمال می شود، یک هدف غایی در تربیت اسلامی است. از این هدف با عنوان "حیات طیّبه" نیز یاد شده است.^۶ حیات طیّبه به معنای زندگی پاک است و همچون طهارت جمیع شئون انسان را دربر می گیرد.

۳- تقوا: وقایه به معنای حفظ یک شیء است از آن چه بدان آسیب می رساند. تقوا عبارت از آن است که نفس تحت محافظت قرار بگیرد تا به ارتکاب گناه یا خطا دچار نشود.

انسان باید در هر یک از شئون خویش به سمت تقوایی راه بجوید که با داشتن آن بتواند اعمال خود را خالصا لوجه الله انجام دهد و عرصه ی جان را از نفوذ انگیزه های دیگر محافظت کند.

۴- قرب و رضوان: قرب به معنای نزدیکی به خداست. هر قدر توجه انسان به خدا عمیق تر و پایدارتر باشد و به هر میزان که انسان بیشتر احساس حضور در محضر خدا را داشته باشد، قرب افزون تری ایجاد می شود.

المیزان، ج ۲، ص ۲۱۰^۵

سوره نحل، آیه ۹۷^۶

جست و جوی رضوان خدا نیز ملحق به قرب است، زیرا مقصود از رضوان، توجه به خداست؛
توجهی متعالی که به "رضا" چشم دارد نه به "جزا".

۵- عبادت و عبودیت: قرآن بیان می کند که هدف غایی از خلقت انسان "عبادت" است.^۷ تربیت
انسان باید نیل به این غایت را میسر سازد، پس "عبادت" هدف غایی تربیت نیز هست. عبادت
یک نمایش رمزی است که راز آن عبودیت است، و عبودیت به این معناست که انسان خدا را
رب، مالک و مدبر خویش گیرد.

در کل می توان گفت که عبودیت، هدف غایی تربیت اسلامی است و غرض آن است که آدمی
بنده ی خدا شود. به نوعی عبودیت در کانون اهداف غایی قرار می گیرد و سایر اهداف غایی
شؤونی از آن را نشان می دهند و با آن ها تنها اختلاف حیثی دارند. اگر عبودیت را از حیث
آثاری که در وجود آدمی به بار می آورد مورد توجه قرار دهیم، می توانیم آن را حیات طیبه و
تقوا بنامیم. و اگر عبودیت را از حیث نیل آدمی به مقصد مورد نظر قرار دهیم، می توانیم آن را
هدایت و رشد بنامیم. و سرانجام اگر عبودیت را از حیث نیل به مقصود و محبوب در نظر
آوریم، می توانیم آن را قرب و رضوان بنامیم. (صص ۷۶-۸۴)

حال با توجه به جهان بینی اسلامی و اهداف غایی آن و با توجه به این که برنامه فیتیه چنانچه
گفته شد، آیینی است که در پی تربیت کودک مسلمان است یعنی آنچه که یک کودک باید بشود،
اصول تربیت اسلامی مستتر در این برنامه و روش های تربیتی آن به شرح زیر هستند. این اصول
در برگزیده ی مقوله های نه گانه مطرح شده در فصل چهارم نیز می باشند:

• اصل مداومت و محافظت: این اصل اشاره به این دارد که اگر می خواهیم شاکله ی مطلوب در
درون فرد پدیدار و پایدار شود، نیازمند استمرا در عمل و نیز محافظت بر عمل هستیم. (باقری،
۱۳۸۶، ص ۱۲۶)

چنانچه در فصل چهارم اشاره شد برنامه فیتیه کودکان را به یکسری بایدهای اخلاقی ارجاع می
دهد که این روش مبتنی بر اصل مذکور است و در تربیت اسلامی با عنوان روش "فریضه
سازی" یاد می شود. در واقع این برنامه با روش فریضه سازی رعایت بعضی از موارد اخلاقی را
برای کودکان الزامی می کند؛ فریضه هایی که همیشه ثابت هستند. گاهی با لفظ "باید" بر آن ها
تأکید می کند و گاه به طور ضمنی "باید" را بیان می کند. برای مثال: باید به یکدیگر احترام

سوره ذاریات، آیه ۵۶^۷

بگذاریم، باید بزرگترها را دوست داشته باشیم و... این روش در تربیت اسلامی تضمین کننده ی اصل مداومت و محافظت است که در شریعت هم حدود و موارد معینی دارد.

• اصل تکلیف: این اصل مبتنی بر ویژگی مقاومت و تأثیرگذاری بر شرایط در انسان، بیانگر آن است که باید مقاومت فرد را در قبال شرایط افزایش داد و او را چنان ساخت که به جای پیروی از فشارهای بیرونی، از الزام های درونی تبعیت کند. این پیروی از بایدهای درونی را احساس مسئولیت یا احساس تکلیف می نامیم. (همان، ص ۱۴۸)

چنانچه در فصل چهارم اشاره شد برنامه فیتیه مشکلاتی را که برخی از اعمال کودکان برای خود شان و به ویژه برای دیگران ایجاد می کند، نمایش می دهد. و از این طریق آن ها را متوجه مسئولیتشان در قبال کارهایشان می کند. این روش مبتنی بر اصل مذکور است و در تربیت اسلامی به عنوان روش "مواجهه با نتایج اعمال" نامیده می شود. این برنامه با به کارگیری این روش می خواهد کودکان را با پیامد عملشان مواجه کند تا زمینه را برای یافتن انگیزه ی درونی نسبت به ترک یا انجام عمل در کودکان ایجاد نماید. برای مثال صحنه شماره ۲ فصل چهارم، دعوی همسایه ها را به خاطر رعایت نکردن حال یکدیگر نمایش می دهد. برنامه فیتیه در این نمایش کودک را با نتیجه حاصل از عدم رعایت حقوق دیگران یعنی کدورت، حرکات ناشایست و به دور از ادب مواجه می کند تا از این طریق رعایت حقوق دیگران را به یک تکلیف و یک باید درونی در کودکان تبدیل کند.

• اصل عدل: آدمیان از وسع های مختلفی برخوردارند و هر فرد، خود نیز در مراحل مختلف زندگی از وسع های متفاوتی بهره ور است. اصل عدل، بیانگر آن است که نمی توان رابطه ی تربیتی با افراد مختلف یا با فردی در مراحل مختلف زندگی اش را یکسان در نظر گرفت، بلکه باید این رابطه به صورت موزانه تنظیم شود. چنانچه خداوند نیز در مقام ربوبیت، در ارتباط با انسان ها چنان عدل می ورزد که کم ترین میزان ظلم را از خود نفی می کند:

"و ما میزان های عدل را برای روز قیامت خواهیم نهاد و ستمی به هیچ کس نخواهد شد و..."⁸ (همان، ص ۱۸۲) یکی از روش های مترتب از این اصل، روش انذار است که برنامه فیتیه از این روش بهره می گیرد. همان طور که در فصل چهارم به عنوان یکی از روش های تربیتی به نمایش عواقب اعمال ناپسند کودکان بر خودشان اشاره شد.

انذار به معنای آگاهاندن کسی نسبت به امری است که در آینده رخ می دهد و مایه ی زجر و عذاب او خواهد بود. برنامه فیتیه بر اساس این روش، کودکان را نسبت به عواقب اعمال نامطلوبشان آگاه می کند و سعی دارد آن ها را از آن موارد بر حذر دارد. برای مثال صحنه شماره

سوره انبیاء، آیه ۴۷⁸

۳ فصل چهارم، که برنامه به کودکان عاقبت حرف گوش نکردن و عدم مراقبت از سلامتیشان را نشان می دهد و آن ها را از این دو عمل ناپسند برحذر می دارد؛ چرا که در غیر این صورت کودکان در آینده دچار مشکلات سختی خواهند شد.

• اصل تذکر: به طور طبیعی انسان در معرض فراموشی (نسیان) است و اصل تذکر مبتنی بر این ویژگی انسان است. جایگاه این اصل در اندیشه ی اسلامی بس رفیع است، به نحوی که گاه تنها وظیفه ی پیامبر (ص)، "تذکر" گفته شده⁹ و تمامی قرآن، "تذکره"¹⁰ نام گرفته است. (همان، ص ۲۱۳)

چنانچه در فصل چهارم به روش نصیحت کردن اشاره شد، بر اساس این اصل، برنامه فیتیله از طریق دو روش "موعظه حسنه" و "عبرت آموزی" (قصه گوئی)، برخی از اصول اخلاقی را به کودکان تذکر می دهد.

در مورد روش موعظه حسنه باید گفت که پند و موعظه، گاه در شنونده مقاومت و لجاجت بر می انگیزد. از این رو در قرآن، به هنگام سخن از این روش، قید "حسنة" آمده است. "مردم را با موعظه حسنه به راه خدایت دعوت کن".^{۱۱} برخی از ویژگی های موعظه حسنه عبارت است از: شفقت و خیر اندیشی موعظه گر باید در موعظه اش آشکار باشد. زبان موعظه باید نرم باشد تا لجاجت را مهار کند. برای مثال وقتی در برنامه فیتیله مجری درباره ی مسخره نکردن دیگران می گوید: "دوست عزیز من گفت: عمو قناد، اگر کسی عینک می زنه به چشمش، این اشکال داره؟ گفتم: نه عزیز دلم چه اشکالی داره! ... پس هیچ وقت به کسی بی احترامی نکنید...". او با استفاده از عباراتی زیبا کودکان را از مسخره کردن منع می کند. یا در صحنه شماره ۴ فصل چهارم که باز مجری با گفتن آفرین، بارک ... کودکان را به پرهیز از شوخی بی جا تشویق می کند.

در روش عبرت آموزی، موعظه نه بر محور خود فرد، بلکه با نظر به دیگران شکل می گیرد؛ خواه این دیگران از پیشینیان باشند یا از همراهان. این روش در قرآن زیاد به کار گرفته شده است. قرآن در این مورد زبان قصه را مورد استفاده قرار داده تا بر نفوذ و جاذبه ی آن بیفزاید. برنامه فیتیله هم در اکثر مواقع از روش نامبرده (اجرای نمایش) در کنار سایر روش های یاد شده بهره گرفته است. برای مثال در صحنه شماره ۱۰ بخش ضمیمه، کودکان اجرای نمایشی به نام زندان فیتیله ای را شاهد هستند که آن ها را با وضعیت بچه های حرف گوش نکن روبه رو می

سوره غاشیة، آیه ۲۱⁹

سوره انسان، آیه ۲۹¹⁰

سوره نحل، آیه ۱۲۵¹¹

کند و عاقبت کار آن‌ها را در قالب نمایش و آواز نشان می‌دهد و به نوعی به کودکان درس عبرت می‌دهد.

• ابراز محبت: پدیده‌ی دل‌بستگی یکی از عجیب‌ترین خصایص انسان است. اصل ابراز محبت مبتنی بر این ویژگی است. بر اساس این اصل در جریان تربیت، در برانگیختن بر انجام پاره‌ای از اعمال یا بر ترک پاره‌ای از آن‌ها باید از قدرت ناشی از پیوند محبت آمیز استفاده کرد. به زبان آوردن مهر، مایه‌ی تحکیم پیوند تربیتی است و حفظ این پیوند لازمه و زمینه‌ی تأثیرگذاری مربی و متربی است. (همان، ص ۲۲۹)

طبق اصل ابراز محبت، برنامه‌فیتیله از روش بیان مهر برای تأثیرگذاری بیشتر کلامش بر کودکان بهره می‌برد. چنانچه در فصل چهارم برقراری رابطه‌ی عاطفی با کودکان و تأکید مدام بر وجود این رابطه به عنوان یکی دیگر از روش‌های تربیتی این برنامه مطرح شد.

برای مثال وقتی بازیگران در آوازشان کودکان را "قشنگ‌ترین ستاره، گل‌گلدون ما" خطاب می‌کنند یا وقتی که مجری می‌گوید: "سلام به شما گل‌ها، سلام به شما بچه‌ها، خدایا خداوندا شکر یک روز دیگه، پیش شما، کنار سفره هفت سین شما، کنار کانون گرم خانواده شما هستیم با برنامه‌فیتیله عیداً تعطیله، به روش بیان مهر با کودکان برخورد می‌کنند.

در کل داده‌های تحقیق که با سه روش تحلیل سازه‌ها، پنج‌رمزگان و سطوح سه‌گانه مورد بررسی قرار گرفته‌اند گواه بر پنج اصل مذکور و پنج روش تربیتی برگرفته از آن‌ها هستند. یعنی بنابر روش مثلث‌سازی سه روش به کار رفته در تحلیل داده‌ها به طور مکمل و همگرا روش‌های تربیتی مذکور را تصدیق می‌کنند.

یقیناً علاوه بر پنج اصل فوق، این برنامه با توجه به گرایشش به جهان‌بینی اسلامی، از اصول دیگر و پیرو آن‌ها از روش‌های دیگر تربیتی نیز بهره می‌برد؛ اما پنج اصل مذکور برجسته‌ترین موارد اخلاقی این برنامه را تشکیل می‌دهند. چنانچه مقوله‌های نه‌گانه مطرح شده که در واقع پاسخ سوال سوم تحقیق هستند هم، در ذیل این اصول و یا روش‌های مربوط به آن‌ها قرار می‌گیرند.

آخرین سوال اصلی:

۳- در صورتی که این برنامه دارای گفتمان اخلاقی است، ویژگی های آن چیست؟

پاسخ سوال سوم:

همان طور که به تفصیل گفتیم روش تربیتی این برنامه بسیار نزدیک به تربیت اسلامی است. روش تربیتی این برنامه دال بر گفتمان اخلاق دینی است. و مهمترین ویژگی گفتمان اخلاقی این برنامه با توجه به تحلیل داده ها، وجود تقابل های دوگانه در این گفتمان است.

• تقابل های دوگانه ای تشکیل دهنده ی گفتمان اخلاقی برنامه فیتيله و ارتباط آن ها با روش های تربیتی مورد استفاده:

۱- سنت / تحول: در این برنامه ارجاع به سنت ها و حفظ آن ها در مقابل ویژگی دنیای مدرن دیده می شود. مانند حفظ ارتباط با نسل گذشته، حفظ خاطرات گذشته، زنده نگاه داشتن رسوم به جا مانده از گذشته، پیوند حفظ سنت ها با داشتن اصالت و... در همین راستا برای تأکید بر سنت از اصل مداومت استفاده می کند. به بیانی دیگر، با روش فریضه سازی احترام و حفظ سنت ها را به کودکان الزامی معرفی می کند.

۲- خودی / بیگانه: در این برنامه اشاره ای به غیر ایرانی ها نمی شود، ایران تمام دنیاست! که این مورد را در قسمت ناگفته های برنامه بیشتر بررسی خواهیم کرد. اما در این جا باید گفت که در برنامه فیتيله اشاره به شهرهای مختلف ایران و قومیت های مختلف ساکن در آن می شود و از این طریق به گفته مک کوایل (۱۳۸۵) قوم پرستی یا آشنایی فرهنگی را مطرح می سازد و هویت گروه های قومی را با بیان سلايق فرهنگی متمایز آن ها تقویت می کند. این مقوله هم زیر مجموعه اصل مداومت قرار می گیرد چرا که وطن دوستی را در تمام قومیت ها چون یک الزام، یک امر حتمی به کودکان القا می کند. (روش فریضه سازی)

۳- دل / عقل: بخصوص در حیطه اخلاق فردی مطرح است. در این مورد هم برنامه از طریق روش فریضه سازی نوع دوستی (مهرورزی)، باگذشت بودن، مهربان بودن، اولویت دادن به خواسته دیگران را چون یک باید به کودکان معرفی می کند.

۴- نظم / هرج و مرج: شامل دو زیرمجموعه ۱- رعایت قانون، بخصوص حقوق دیگران ۲-

برنامه ریزی

شاید مردم بخواهند در جامعه ای منظم زندگی کنند، ولی واقعیت اغلب آلوده و مملو از مسائل و مشکلات است.

در این رابطه برنامه فیتیله با تکیه بر اصل عدل با روش انذار بر کودکان در مورد رعایت قانون هشدار می دهد و به آن ها گوشزد می کند که تخلف و کوتاهی در رعایت نظم موجب مجازات آن ها خواهد شد. و برای تأثیر بیشتر از روش عبرت آموزی (اصل تذکر) هم استفاده می کند. و با توجه به اصل تکلیف با روش مواجهه با نتایج اعمال، کودکان را به داشتن نظم و برنامه ریزی برای آینده، انجام وظایفشان و... ارشاد می کند.

۵- جمع گرایی / فردگرایی: فردگرایی و خودبینی بی پروا منجر به خوش بختی نمی شود. در این مقوله این برنامه با توجه به اصل تکلیف به روش مواجهه با نتایج اعمال کودکان را به همکاری با دیگران بویژه بزرگترهایشان تشویق می کند و آن ها را به پرهیز از خودبینی و به نوعی پرهیز از فردگرایی رهنمون می شود و برای تأثیر بیشتر از اصل تذکر هم بهره می برد. علاوه بر دو اصل مذکور برای تحقق این امر به اصل ابراز محبت هم تکیه می کند؛ هم خود با مهربانی این را از کودکان می خواهد و هم کودکان را به مودت یعنی چیزی فراتر از محبت صرف فرا می خواند.

۶- کودکی در مقابل بزرگسالی: این مقوله شامل ۴ مقوله مرتبط با ویژگی های کودکی در مقابل بزرگسالی مورد تأکید برنامه فیتیله است.

زیر مجموعه های این مقوله عبارتند از:

۱- دوست داشتنی بودن/ منفور بودن ۲- پختگی / خامی ۳- اطاعت/ سرپیچی

۴- مسئولیت پذیری/ سهل انگاری

۱- ۶ دوست داشتنی بودن/ منفور بودن: این برنامه با تکیه به اصل ابراز محبت با روش بیان مهر، سعی در القای معصومیت، زیبای و پاکی ذاتی آدمی در دوران کودکی و پیرو آن دوست داشتنی بودن کودکان دارد. علاوه بر این سعی در القاء وجود پیوند قلبی عوامل این برنامه با کودکان دارد. همچنین تأکید بر این نکته دارد که برنامه ی فیتیله دارای محبوبیت ویژه ای در میان کودکان است و به نوعی خود را مانند کودکان دوست داشتنی معرفی می کند.

۲-۶ پختگی / خامی: این برنامه کودکان را ناتوان در مراقبت از خویش می‌داند و مراقبت از کودکان را یک فرض مسلم تلقی می‌کند و با توجه به اصل مداومت به روش فریضه سازی به این امر می‌پردازد.

۳-۶ اطاعت / سرپیچی: در این جا نیز برنامه فیتیله با تکیه بر اصل عدل و با روش انذار به کودکان در مورد پیروی از قواعد پذیرفته شده ی دنیای بزرگترها هشدار می‌دهد و به آن‌ها گوشزد می‌کند که تخلف و کوتاهی در رعایت آن‌ها موجب مجازاتشان خواهد شد و برای تأثیر بیشتر از روش عبرت آموزی (اصل تذکر) استفاده می‌کند. علاوه بر دو اصل مذکور، برای جامعه پذیری کودکان به اصل تکلیف با روش مواجهه با نتایج اعمال، هم مبادرت می‌کند.

۴-۶ مسئولیت پذیری / سهل انگاری: برنامه فیتیله با توجه به اصل تکلیف با روش مواجهه با نتایج کودکان را به انجام به موقع و درست وظایفشان ارشاد می‌کند و از روش عبرت آموزی (اصل تذکر) برای تأثیر بیشتر رهنمون خود استفاده می‌کند. از اصل عدل، روش انذار هم برای هشدار دادن به کودکان در هنگام سهل انگاریشان نسبت به وظایفشان استفاده می‌کند.

۷- زن / مرد (تفکیک جنسیتی): شامل تفاوت های ۱- رفتاری ۲- فکری این برنامه با توجه به اصل مداومت با روش فریضه سازی تفاوت بین دو جنس مذکر و مونث را قطعی معرفی می‌کند و در موارد متعدد به این تفاوت‌ها اعم از رفتاری و فکری اشاره می‌کند.

۸- معنویت / مادیت: شامل ۱- یاد خدا ۲- مرگ و معاد برنامه با توجه به اصل مداومت و روش فریضه سازی به ترویج ارزش‌های عمدتاً مذهبی می‌پردازد و رعایت قطعی آن‌ها را توسط کودکان بیان می‌کند و از اصل تذکر به روش موعظه حسنه برای تأثیر هر چه بیشتر نیز استفاده می‌کند.

۹- موارد مورد پسند / موارد ناپسند: ۱- کمک به دیگران ۲- پرهیز از تمسخر دیگران ۳- پرهیز از اسراف

و بالاخره برنامه با توجه به اصل مداومت و روش فریضه سازی به ترویج ارزش‌های اخلاقی مورد پسند اکثریت جامعه می‌پردازد.

سوالات فرعی:

- ۱- پیام های تربیتی صریح برنامه "فیتله" به کودکان چیست؟
- ۲- پیام های تربیتی پنهان برنامه "فیتله" به کودکان چیست؟

پاسخ سوال های فرعی اول و دوم در مقوله های نه گانه مورد بحث و نیز تحلیل پنج رمزگان بارت به تفصیل بیان شده است.

۳- آیا پیام های تربیتی "فیتله" با توان ذهنی و شناختی کودکان تطابق دارد؟

پاسخ سوال فرعی سوم:

مراحل رشد اخلاقی کودکان از نظر پیازه در فصل دوم مطرح شد. از آن جا که پیازه معتقد بود رشد عقلانی یا به تعبیر او هوش انسان در جریان زنجیره ای از مراحل کیفی ممتاز از یکدیگر تحقق می یابد، قضاوت های اخلاقی نیز بر مبنای مراحل تکامل می یابد که متناسب با تحولات شناختی عمومی است. وی مراحل رشد اخلاقی را به دو مرحله "واقع نگری اخلاقی" و "اخلاق توافقی" یا "اخلاق خودگردان" تفکیک می کند. به طور مختصر در مرحله واقع نگری اخلاقی در پندار کودک، همه قوانین ثابت و لایتغیر است و تبدیل یا تصرفی نمی پذیرد و کوچکترین سرپیچی و تخطی از آن ها به تنبیهی اجتناب ناپذیر منجر خواهد شد. و در مرحله اخلاق خودگردان اطاعت از افرادی همانند والدین که دارای قدرت هستند، نه ضروری است و نه همیشه مطلوب؛ سرپیچی و تخلف از قوانین نیز همیشه خطا نیست و قطعاً هم به تنبیه منتهی نمی شود. در قضاوت نسبت به رفتار دیگران، علاوه بر توجه به پیامدهای عینی آن، احساسات و دیدگاه های افراد نیز باید به حساب آید.

بنابراین با توجه به مراحل رشد اخلاقی فوق که به اعتقاد پیازه همان اصول دربرگیرنده رشد شناختی هستند؛ برنامه فیتله کودکان سه تا هفت ساله را از طریق نمایش و بازی جذب می کند و از این راه پیام های مدنظرش را به طور ضمنی در قالب بازی به آن ها انتقال می دهد و برای کودکان هفت تا ۱۲ ساله نیز علاوه بر بازی و شیطنت، با بیان صریح یکسری باید و نبایدهای اخلاقی آن ها را وادار به قضاوت در مورد رفتارهایشان می کند تا خود با توجه به نیاتشان، عدالت را در مورد خود به قضاوت بنشینند.

آخرین سوال فرعی:

۴- آیا اولویت بندی برای مسائل تربیتی ارائه شده در برنامه مشاهده می شود؟ اولویت تربیتی شان چیست؟

این برنامه با توجه به تحلیل داده های موجود در فصل چهارم و بخش پیوست تحقیق، اولویت تربیتی خود را انتقال مسائل مذهبی قرار داده است.

۲-۱-۲-۵ حرف های اصیل دایه الکترونیک:

در کل باید گفت فیتله این دایه الکترونیک که با استفاده از شگرد آیین، کودکان را در آغوش تربیت خود می گیرد و از این طریق عقاید خود را در آن ها درونی می کند؛ آنچه که می گوید شامل ارزش هایی است که غالباً از قضاوت های سنتی نهفته در فرهنگ و بیشتر از آن آموخته شده از نهاد جامعه پذیرکننده ی مذهب (دین اسلام) نشأت گرفته است. به عبارت دیگر، مذهب اساس ارزش های اخلاقی مطرح شده در برنامه فیتله است. این ارزش ها شامل مواردی است همچون هنجارهای مربوط به زندگی خانوادگی، محافظت از کودکان، احساسات فردی، موازین اخلاقی بزرگ ترها. علاوه بر این فیتله فضایی را برای کودکان ایجاد می کند که دارای تجربه خاص بر اساس جنسیتشان شوند و از این طریق کودکان را جامعه پذیر می کند. همچنین ارزش های اجتماعی نظیر وطن پرستی یعنی ایجاد احساس یکی بودن با وجود تنوع فرهنگی در ایران را به وجود می آورد. فراتر از عبارت های فوق، این دایه الکترونیک با اجرای هر روز خود در فضای استودیویی که ماکت یک خانه سنتی در آن قرار دارد (خانه ای که با چند پله می توان وارد ایوان آن شد)؛ خود را به خانه یعنی پناهگاه، سرآغاز و فطرت پیوند می زند، آن هم خانه ای سنتی که یاد آور اصالت است و در پس این پیوند به این نکته اشاره می کند که حرف هایی که این دایه الکترونیک با اصالت می گوید، اصل و اساس همه چیز است.

۲-۵- آنچه فیتیله نا دیده می گیرد و نمی گوید

با توجه به داده های تحلیل شده، برنامه فیتیله هم مانند بسیاری از برنامه های تلویزیونی دیگر موارد مهمی را که هر فرد در زندگی واقعی با آن ها مواجه است، نادیده می گیرد و از پرداختن به آن ها غفلت می کند.

مهمترین موارد نادیده گرفته شده در زندگی واقعی با دنیایی که این برنامه برای کودکان ترسیم می کند، عبارتند از:

- تفاوت و فاصله بین خانه موجود با خانه ذهنی و ایده آلی که این برنامه دارد. خانه ترسیم شده در این برنامه خانه مطلوب است، خانه ای که در ایده آل ترین حالت باید باشد. خانه ای که هر کس نقش خود را به خوبی در آن ایفا می کند (والدین وظیفه شناس، مهربان و کودکان قدردان). خانه ای که لبریز از مهر و محبت، فارغ از جدال و غصه است.

- وجود تبعیض جنسیتی در گفتمان این برنامه، تفاوت دیگر آن با واقعیت است. در برنامه فیتیله زن در سن متوسط به معنای زیبایی و مهربانی وجود ندارد و بازیگران تنها در نقش دختر بچه و زن مسن ایفای نقش می کنند. در این برنامه کودکی را به نوعی به جنس مذکر نزدیک می کنند.

- همان طور که در بخش کودک و تلویزیون، فصل دوم گفتیم، تربیت باید بعد اجتماعی و فردی کودک را دربرگیرد، بنابراین اگر اجتماع را به دو دسته ۱- جامعه در سطح کلی یعنی معرفی کشورهای دیگر در مقابل ایران به نوعی مقایسه های بین المللی و ۲- جامعه در سطح خردتر یعنی اشاره به تفاوت های درون جامعه و فرهنگ های موجود در نظر بگیریم؛ می توان گفت مسائل تربیتی سه حوزه کلی را دربر می گیرند، جامعه در سطح کلی، جامعه در سطح خرد و در نهایت سطح فردی. این برنامه از سطح اول کاملاً غافل است و کودک را در فضایی کاملاً خودی، دنیای عاری از بیگانه (غیر ایرانی) می بیند و متقابلاً دنیا را اینگونه به کودک نمایش می دهد.

- در این برنامه همه چیز خوب، قشنگ و آرام است. مسائل بد به طور عینی وجود ندارند؛ البته یکسری رفتارهای بد از بعضی ها دیده می شود اما آن ها هم به سرعت اصلاح می شوند. به عبارت دیگر، در برنامه فیتیله اخلاقیات دراماتیک نیست یعنی شخصیت بد به صورت عینی وجود ندارد. این نوع برخورد برای کودکان چهار تا نه ساله که در مرحله مطلق گرایی اخلاقی هستند، مصادف با پذیرش وجود دنیایی خوب و زیبا برای زندگی است؛ اما در مورد کودکان نه تا ۱۲ ساله که در مرحله نسبی گرایی اخلاقی هستند، لزوماً مصادف با پذیرش وجود چنین

دنیایی مطلوب در واقعیت نیست و اینجاست که برنامه برای معرفی دنیایی که کودکان در آن زندگی می کنند، دچار نقصان می شود.

علاوه بر تفاوت های فوق، این برنامه مقوله هایی چون جهاد، جهان، مسائل و مشکلات موجود در جامعه مدنی را نادیده می گیرد. به طور کلی این دایه الکترونیک دنیایی را برای کودکان به تصویر می کشد که به اندازه یک خانه ی امن و مطمئن برای آن ها آشناست، در آن غریبه ای وجود ندارد، بدی در آن جا ندارد و همه به ویژه بزرگترها خیرخواه کودکان هستند. در چنین دنیایی مسلماً کودکان گوش به فرمان خواهند بود. و این در حالی است که فیتله به عنوان یک آیین اجتماعی کننده در پی القا این عقیده است که کودکان باید متناسب با رویکردهای اخلاقی ارائه شده در برنامه رفتار کنند و به مرور زمان آن ها را در خود درونی کنند. چنانچه در سایت برنامه هدف برنامه را علاوه بر ایجاد شادی؛ آموختن مهارت های زندگی برای کودکان و افزایش دانش مورد نیاز آن ها برای زندگی معرفی می کنند.

اما آیا یک چنین تربیتی کودکان را برای زندگی در دنیای واقعی که بدی وجود دارد، همه بزرگترها خیرخواه نیستند، در بیشتر مواقع ارزش های اخلاقی رعایت نمی شوند و ... آماده می کند؟

۳-۵ مشکلات تحقیق:

- کمبود منابع درباره ی رویکرد آیینی به متون ارتباطی به زبان فارسی
- سهل و ممتنع بودن پژوهش با رویکرد آیینی درباره ی متون ارتباطی: در عین این که رویکرد آیینی موجب مطالعه ی بومی می شود، یعنی تحقیقی که برای محقق در مورد چیزی آشناست؛ در عین حال موجب درگیری محقق با دانسته های قبلی خود می شود، بنابراین محقق پیش از هر عملی باید سعی کند بدون هیچ شناختی نسبت به یک مورد آشنا نگاه کند، فکر کند و تحقیق کند.

- زمان بر بودن پژوهش کیفی و محدودیت زمان برای ارائه تحقیق
- حجم بالای اطلاعات به دست آمده به علت طولانی بودن زمان پخش برنامه در ایام نوروز و پراکندگی ناشی از آن

۴-۵ پیشنهادها:

- نه تنها کودکان بلکه در سنین بالاتر نیز انسان از نصیحت شدن احساس رضایت نمی کند، بخصوص در سن "اخلاق توافقی" یا "اخلاق خودگردان" که کودکان دیگر اطاعت پذیر نیستند؛ بنابراین به سازندگان برنامه های کودک پیشنهاد می شود با راهکار بیان محبت و القاء دوستی حرف هایی که در قالب نصیحت یک بزرگتر به کوچکتر بیان می کنند به عنوان یک دوست آن هم به صورت پرسش در انتهای نمایش (در حین یک بازی به ظاهر کودکانه) برای رفع مشکلی که ایجاد شده است، مطرح کنند. (پرهیز از نصیحت مستقیم)

- به تهیه کنندگان برنامه های کودک پیشنهاد می شود با بکارگیری کارشناسان آشنا به مسائل دوران کودکی (روانشناسان کودک، کارشناسان دینی که در حوزه کودک مطالعه و تجربه دارند) راهکارهایی را به کودکان ارائه دهند که در زندگی واقعی وقتی با مشکلات قابل پیش بینی مواجه شدند، بتوانند رفتاری مناسب با کمترین آسیب وارده داشته باشند. به بیان دیگر، فقط درباره چگونه زندگی کردن در دنیایی که باید باشد سخن نگویند تا از واقعیت ها دور نشوند.

- به پژوهشگران حوزه ارتباطات پیشنهاد می شود مطالعات کیفی در حوزه ارتباطات با رویکرد آیینی داشته باشند. چرا که این رویکرد متون ارتباطی را در بستر فرهنگ یعنی فرا خور هر جامعه مورد بررسی قرار می دهد. و در این صورت است که مشکلات حوزه ارتباطات بویژه ارتباطات انسانی اعم از فردی و جمعی در قالب مطالعات بومی نمایان می شوند، معضلاتی که بعضا اساسی ترین ارکان زندگی آحاد جامعه را تحت تأثیر قرار می دهند. به بیان دیگر، نگاه آیینی به ارتباطات نه تنها مشکلات روز جامعه را نمایان می کند بلکه به نوعی با توجه به فرهنگ، چاره جویی هم می کند. این مهم تا کنون در حوزه مطالعات ارتباطی در ایران مورد غفلت قرار گرفته است.

- به دانشجویان رشته ارتباطات و مدیریت رسانه پیشنهاد می شود درباره ی تأکید برنامه های ویژه کودک بر تفاوت های جنسی و آموزش آن ها به کودکان درباره نقش های جنسیتی پژوهشی داشته باشند (ترجیحا با رویکرد آیینی). چرا که با توجه به فرهنگ جامعه ما که هنوز هم مذهب و هم سنت در آن نقش اساسی دارند و هر دو آن ها برای نقش های جنسیتی اهمیت قائل اند، بنابراین تربیت نسل جدید هم با توجه به تفاوت های تعریف شده ی جنسی موجود

در فرهنگ صورت می گیرد و از آن جا که کارکرد وسایل ارتباطی هم سوای فرهنگ نیست، بی شک آن ها نیز به آموزش نقش های جنسیتی به کودکان توجه خاص دارند، بنابراین توجه دانشجویان رشته ارتباطات و مدیریت رسانه به این امر ضروری به نظر می رسد.

فهرست منابع:

- ۱- احمدی، بابک (۱۳۷۱). از نشانه های تصویری تا متن، چاپ اول، نشر مرکز
- ۲- اکو، امبرتو (۱۳۸۷). نشانه شناسی (پیروزی ایزدی، مترجم)، چاپ اول، نشر ثالث (تاریخ نشر اثر اصلی ۱۹۳۲)
- ۳- باقری، خسرو (۱۳۸۶). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، چاپ هفدهم، انتشارات مدرسه
- ۴- بهشتی، سید محمد حسین (۱۳۸۶). نقش آزادی در تربیت کودکان، چاپ چهارم، نشر بقعه
- ۵- بی ریا، ناصر، رهنما، سید احمد و دیگران (۱۳۷۵). روانشناسی رشد (۲) با نگرش به منابع اسلامی، چاپ اول، انتشارات سمت
- ۶- پستمین، نیل (۱۳۸۶). زندگی در عیش مردن در خوشی (صادق طباطبایی، مترجم)، چاپ پنجم، انتشارات اطلاعات (تاریخ نشر اثر اصلی ۲۰۰۳)
- ۷- چندلر، دانیل (۱۳۸۶). مبانی نشانه شناسی (مهدی پارسا، مترجم)، چاپ اول، انتشارات سوره مهر (تاریخ نشر اثر اصلی ۲۰۰۱)
- ۸- حجتی، محمد باقر (۱۳۵۸). اسلام و تعلیم و تربیت بخش دوم تعلیم، ناشر: دفتر نشر فرهنگ اسلامی
- ۹- خضریان، عاطفه (۱۳۸۵). نظر سنجی از والدین دارای فرزند ۳ تا ۹ ساله درباره میزان تماشای تلویزیون توسط فرزندشان در فصل تابستان، مرکز تحقیقات صدا و سیما
- ۱۰- خضریان، عاطفه (۱۳۸۵). نظر سنجی از والدین دارای فرزند ۷ تا ۱۲ ساله درباره تأثیرات تلویزیون بر فرزندشان، مرکز تحقیقات صدا و سیما
- ۱۱- دور، امه (۱۳۷۴). تلویزیون و کودکان (رسانه ای خاص برای مخاطبانی خاص) (علی رستمی، مترجم)، تهران: انتشارات سروش
- ۱۲- رشیدپور، ابراهیم (۱۳۵۲). تلویزیون و اطفال، انتشارات سروش
- ۱۳- رودنبولر، اریک دبلیو (۱۳۸۷). ارتباطات آیینی از گفتگوهای روزمره تا جشن های رسانه ای (عبدالله گیویان، مترجم)، ناشر: دانشگاه امام صادق (ع) (تاریخ نشر اثر اصلی ۱۹۹۸)
- ۱۴- ساروخانی، باقر (۱۳۸۷). کودکان و رسانه های جمعی، ناشر: اداره کل پژوهش و آموزش سیما
- ۱۵- سازمان یونسکو (۱۳۸۰). کودکان و خشونت در رسانه های جمعی (مهدی شفقتی، مترجم)، چاپ اول، انتشارات مرکز تحقیقات مطالعات و پخش صدا و سیما (تاریخ نشر اثر اصلی 1950)
- ۱۶- سجودی، فروزان، (۱۳۸۲). نشانه شناسی کاربردی، نشر قصه

- ۱۷- سلبی، کیت و کادوری، ران (۱۳۸۰). راهنمای بررسی تلویزیون، (علی عامری مهابادی، مترجم)، انتشارات سروش (تاریخ نشر اثر اصلی ۱۹۹۵)
- 18- شایان مهر، علیرضا (۱۳۷۷). دایر المعارف تطبیقی علوم اجتماعی، انتشارات کیهان
- ۱۹- شریعتی، علی (۱۳۸۶). خدا، انسان، عشق (به کوشش محسن نیکبخت)، نشر کتاب پارسه
- ۲۰- ضیمران، محمد (۱۳۸۲). درآمدی بر نشانه شناسی، نشر قصه
- ۲۱- فلیک، اووه (۱۳۸۷). درآمدی بر تحقیق کیفی (هادی جلیلی، مترجم)، تهران: نشر نی (تاریخ نشر اثر اصلی ۲۰۰۵)
- ۲۲- فیسک، جان (۱۳۸۰). فرهنگ تلویزیون (مزگان برومند، مترجم)، فصلنامه ارغنون، چاپ دوم، شماره ۱۹ (تاریخ نشر اثر اصلی ۲۰۰۳)
- ۲۳- فیسک، جان (۱۳۸۰). فرهنگ و ایدئولوژی (مزگان برومند، مترجم)، فصلنامه ارغنون، چاپ دوم، شماره ۱۹ و ۲۰
- ۲۴- فیسک، جان (۱۳۸۶). درآمدی بر مطالعات ارتباطی (مهدی غبرایی، مترجم)، ناشر: دفتر مطالعات و توسعه رسانه ها (تاریخ نشر اثر اصلی ۱۹۹۴)
- ۲۵- کالینگفورد، سدریک (۱۳۸۰). کودکان و تلویزیون (وازگن سرکیسیان، مترجم)، چاپ اول، ناشر: مرکز تحقیقات مطالعات و سنجش برنامه ای صدا و سیما
- ۲۶- کری، جیمز . دبلیو (۱۳۷۶). ارتباطات و فرهنگ (جستارهای درباره رسانه ها و جامعه) (مریم داداشی، مترجم)، چاپ اول، انتشارات نقطه (تاریخ نشر اثر اصلی 1997)
- ۲۷- گزیده مقالات نخستین سمینار ارزیابی برنامه های کودک و نوجوان صدا و سیما، (۱۳۷۱). جلد اول، ناشر: واحد انتشارات و مطبوعات روابط عمومی صدا و سیما
- ۲۸- گونتر، بری و مک آلر، جیل (۱۳۸۰). کودک و تلویزیون (نصرت فتی، مترجم)، انتشارات سروش
- ۲۹- گیویان، عبدالله (۱۳۸۵). دو استعاره بنیادین برای فهم ارتباطات، فصلنامه رادیو تلویزیون، سال سوم، شماره ۲
- ۳۰- لال، جیمز (۱۳۷۹). رسانه ها، ارتباطات، فرهنگ رهیافتی جهانی (مجید نکودست، مترجم)، چاپ اول، ناشر: موسسه ی انتشاراتی روزنامه ایران (تاریخ نشر اثر اصلی ۱۹۹۵)
- ۳۱- لیندلف، تامس و تیلور، برایان (۱۳۸۸). مقدمه ای بر پژوهش کیفی در علم ارتباطات (عبدالله گیویان، مترجم)، انتشارات همشهری
- ۳۲- ماسن، هنری (۱۳۷۶). رشد شخصیت کودک (مهشید یاسایی، مترجم)، ناشر: نشر مرکز

- ۳۳- مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۷۴ و ۷۸ مکتبه الاسلامیه
- ۳۴- مک کوایل، دنیس (۱۳۸۲). درآمدی بر نظریه ارتباطات جمعی (پرویز اجلالی، مترجم)، ناشر: مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه ها (تاریخ نشر اثر اصلی ۱۹۸۸)
- ۳۵- مهدی زاده، محمد (۱۳۸۴). مطالعه تطبیقی نظریه کاشت و دریافت در ارتباطات، چاپ اول، ناشر: سازمان صدا و سیما، مرکز تحقیقات و مطالعات و سنجش برنامه ای
- ۳۶- نوری طبرسی، حسین، مستدرک الوسائل، ج ۸ قم ال البيت
- ۳۷- ویلبر شرام، جک لایل؛ بی پارکر، ادوین (۱۳۷۷). تلویزیون در زندگی کودکان ما (محمود حقیقت کاشانی، مترجم)، چاپ اول، ناشر: مرکز تحقیقات مطالعات و سنجش برنامه ای صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران (تاریخ نشر اثر اصلی ۱۹۶۰)
- ۳۸- Eco, Umberto (1979) A Theory of semiotics, Bloomington, In: Indiana university Press London: Macmillan
- ۳۹- Fisk, John (2003). Television Culture, London, Routling
- ۴۰- Brawise, P. & Ehrenberg, A. (1988). Television and its audience. London: sage
- ۴۱- Rosengren, K.E & Windahl, S. (1989). Media matter: Tv use in childhood and adolescence. Norwood. NJ: Ablex
- ۴۲- Guivian Abdullah (2006), Religion, Television and Culture in Post-Revolutionary Iran ,Thesis submitted for the Degree of Doctor of Philosophy of the University of London
- ۴۳- Christakis. Dimitri & Zimmerman. Frederick (2009). Young children and media (Limitations of current knowledge and future directions for research), sage p:1177-1185

ضمائم

مقدمه: بخش ضمائم شامل ضمیمه الف): مشخصات کلی برنامه و صحنه های مرتبط با روش های تربیتی برنامه (پاسخ اولین سوال اصلی تحقیق)، ضمیمه ب): صحنه های مربوط به تقابل های دوگانه و ضمیمه ج): تصاویری از برنامه

ضمیمه الف)

مشخصات کلی برنامه فیتيله:

نام تهیه کننده: علی اکبر ذاکری (سال ۱۳۸۸)

بازیگران: علی فروتن، حمید گلی، محمد مسلمی (عموها)

مجری برنامه: مجید قناد

زمان پخش برنامه: هر روز از ساعت ۸:۴۵ تا ۱۳ نوروز ۱۳۸۸، شبکه دو سیما

این برنامه هدف خود را در صفحه اصلی سایت برنامه که به نشانی <http://tv2.irib.ir/fi> است به شرح زیر بیان می کند:

"این برنامه به انگیزه ایجاد لحظاتی شاد و مفرح در کانون گرم خانواده ها برای کودکان طراحی شده است. "فیتيله جمعه تعطيله" با آیتم های مختلف سعی دارد مهارت های زندگی را به مخاطبان خود آموخته و در این مسیر به دانسته های آن ها بیافزاید."

صحنه های مرتبط با روش های تربیتی:

۱- ارجاع کودکان به یکسری باید و نبایدهای اخلاقی:

۸۸/۱/۷ (صحنه شماره ۱) مجری با گفتن "دست و هورا"، دور خود می چرخد، کف می زند و روبروی جایگاه بچه های مهمان می ایستد.

مجری رو به دوربین: "اگه یه لحظه این نی نی کوچولوها رو تنها بذاریم یه قسمت خونه و بریم یه قسمت دیگه خونه، ممکنه دست به این کارا بزنند (اشاره به صحنه قبل که نی نی سفره هفت سین را خراب کرد)؛ پس خواهر و برادر بزرگتر باید کمک کنند و مراقب باشند؛ خوب اما ببینیم چی کار کنیم که بزرگترها خوشحال بشن، چه کارهای رو انجام بدیم، چی؟ (با اشاره به دوربین) آفرین؛ احترام بذاریم، اولین کار احترام گذاشتن به بزرگترهاست به اطرافیانمونه؛ دیگه چی؟ بله وقتی یک مهمون اومد زود سلام کنیم یا اگه بزرگتری رو دیدیم سلام کنیم، این هم می شه احترام گذاشتن، ادبمون رو نشون می دیم؛ (رو به بچه های مهمان) دیگه چی بچه ها؟ (رو به دوربین با اشاره انگشت) خوب صحبت کنیم مثلا ببینید عمو قناد با دوستاش این جوری صحبت می کنه خوبه؟ (رو به بچه های مهمان) پاشین ببینم، بشینید (رو به دوربین) این کار خوبه؟ (به همراه مهمان ها) نخیر؛ حالا اگه من بگم، بچه ها لطفا پاشید، خواهش می کنم بشینید، مخصوصا توی کلاس یا توی محل یا هر جا که با دوستانمون بازی می کنیم به زیبای صحبت کنیم با احترام صحبت کنیم؛ آی از شما بچه های خوش اخلاق که چقدر دوستتون داریم، اخم هم نمی کنیم، اخم کردید نه، نه (رو به بچه های مهمان) بچه ها اخم خوبه؟ (بچه ها: نخیر)؛ اخم خوب نیست.

الف: ۱- رمزهای میزانشن

۱-۱) صحنه پردازی: محل وقوع روایت یک استودیوی تلویزیونی است، مجری روبروی جایگاه بچه های مهمان می ایستد.

۱-۲) وسایل صحنه: جایگاه نشستن بچه های مهمان، ردیف گل ها، تنگ ماهی، صندوق بزرگ

۱-۳) رمزهای غیرکلامی: لبخند، اشاره با دست به دوربین

۱-۴) رمزهای لباس: بلوز سبز رنگ، شلوار سفید همراه با کمر بند، کفش مشکی

الف: ۲- رمزهای فنی

- ۲-۱) نما: نمای متوسط و دور و به تعداد بسیار کم از نمای درشت استفاده شده است که سعی در ایجاد رابطه شخصی با سوژه و نیز تشریح بافت و زمینه دارد.
- ۲-۲) زاویه دوربین: هم سطح است که القاء کننده برابری با مخاطب است.
- ۲-۳) نوع عدسی: عادی است، تداعی یک زندگی معمولی (یک جریان عادی) است.
- ۲-۴) ترکیب بندی: نامتقارن، متقارن و ایستاست که القاء کننده فضای آرام است.
- ۲-۵) وضوح: حالت کانونی عمیق (عمق میدان) است یعنی تمام عناصر مهم هستند.
- ۲-۶) نورپردازی: مایه روشن است؛ بیان کننده خوش بختی و شادی است.
- ۲-۷) رنگ: لباس مجری رنگ سرد دارد که مایه آرامش است و در تلفیق با رنگ های گرم به کار رفته در دکور برنامه مایه شادی و شور است، محیطی شاد و فرح بخش به دور از هر گونه تشویش را القاء می کند.

ب:

REF	ACT	SYM	SEM	HER	
ارجاع به یکسری بایدهای رفتاری در ارتباطات بین فردی	احترام - گذاشتن، سلام کردن و خوب صحبت کردن	- شیطنت / عدم شیطنت - بزرگ / کوچک - بزرگترها / بچه ها - خوشحال / ناراحت - حرمت / بی حرمتی - ادب / بی ادبی - خوب / بد - دوست / غیر دوست	- ارجاع به همکاری در خانواده - ارجاع به مودب بودن بچه ها در مقابل دیگران (اعم از کوچک و بزرگ) توانند انجام دهند؟ - چه بچه های را دیگران دوست دارند؟	- چرا باید خواهر و برادر بزرگتر مراقب بچه های کوچکتر باشند؟ - بچه ها چه کارهای را برای خوشحال کردن بزرگترها می توانند انجام دهند؟ - چه بچه های را دیگران دوست دارند؟	صحنه شماره ۱

		- خوش اخلاق/ بد اخلاق			
		- دوست داشتن/ دوست نداشتن			

ج:

در سطح اول مجری درباره کارها می صحبت می کند که بچه ها با انجام آن ها می توانند بزرگترها را خوشحال کنند.

در سطح دوم اشاره به چگونه بودن بچه ها برای پذیرفته شدن هر چه بیشتر در دنیای بزرگسالان و نحوه بالا بردن میزان محبوبیت آن ها در میان بزرگترهاست، تا جایی که هر چه ادب بیشتر، مورد محبت واقع شدن بیشتر و وراثت همه این ها کودکی در دنیای بزرگترها اجازه ورود دارد که مطابق میل آن ها و در پی رضایت آن ها عمل کند.

در سطح سوم به یکسری بایدهای رفتاری که کودکان با آموختن آن ها به تربیت دلخواه بزرگترها که در نتیجه به نفع کودکان است، می رسند؛ به نوعی اجتماعی می شوند.

۲- نمایش مشکلاتی که اعمال ناپسند افراد (در این جا کودکان) برای خود شان و بویژه برای دیگران ایجاد می کنند.

۸۸/۱/۹ صحنه شماره ۲) مجری لی لی کنان وارد صحنه می شود، با اشاره دست به سمت دوربین می گوید: "هی ذره ذره دلمون شده یه ذره (همنشین با صحنه قبل، آوازی با همین مطلع)، الهی دل ما هم شده یه ذره، بین برنامه ها می آیم پیش شما خوشحالیم، بزرگترها هم برنامه رو می بینند، دستتون درد نکنه ما رو هم راهنمایی کنند. اما بچه ها، بچه های خوب و مهربون (همین موقع توپ بزرگی به صورت مجری برخورد می کند و مجری بر زمین می افتد)، (مجری با لحن کمی تند) خوب آگه بازی می کنیم باید مراقب باشیم، این توپ، توپ همسایه بود، آیا همسایه ها نباید مراقب همسایه های دیگه باشند؛ (مجری با صدای بلند در حالی که دستش را کنار دهان قرار داده است، ادامه می دهد) عزیزم این توپ تو افتاده تو خونه ما؛ حالا خوب شد که اتفاق بدی نیافتاد (با اشاره دست به سمت دوربین) خواهش می

کنم آگه در این ایام نوروز بازی می کنید مراقب همسایه هم باشید شاید اون همسایه داره استراحت می کنه." (همنشین با صحنه بعدی نمایش همسایه)

الف: ۱- رمزهای میزانشن

۱-۱) صحنه پردازی: محل وقوع روایت یک استودیوی تلویزیونی است؛ مجری در کنار جایگاه نشستن بچه های مهمان ها ایستاده است.

۱-۲) وسایل صحنه: سکوی برای نشستن بچه های مهمان، توپ پلاستیکی بزرگ، ردیف های گل (باغچه مانند)

۱-۳) رمزهای غیرکلامی: بازی کردن مجری (لی لی کردن)، مجری با کف یک دست اشاره به سمت دوربین می کند (بچه ها را مخاطب قرار می دهد)، دست را کنار دهان گذاشتن، با لحن محکم صحبت کردن

۱-۴) رمزهای لباس: بلوز (صورتی کم رنگ) و شلوار (خاکستری پررنگ) به همراه کمربند به نوعی لباس رسمی، کفش مشکی

الف: ۲- رمزهای فنی

۲-۱) نما: نماهای مجری متوسط و دور است که هم سعی دارد ایجاد رابطه البته بدون صمیمیت با مخاطب کند و هم سعی در نشان دادن زمینه پشت سر مجری یعنی بچه های مهمان برنامه را (تشریح بافت برنامه) دارد.

۲-۲) زاویه دوربین: هم سطح است که القاء کننده برابری با مخاطب است.

۲-۳) نوع عدسی: عادی است، تداعی یک زندگی معمولی (یک جریان عادی) است.

۲-۴) ترکیب بندی: ترکیبی از حالت‌های متقارن، نامتقارن و ایستاست القاء زندگی روزمره یعنی مجری هم مثل بقیه بزرگترهاست که با بچه ها در حال گفتگوست البته توام با القاء حس آرامش به مخاطب.

۲-۵) وضوح: حالت کانونی عمیق یا عمق میدان است یعنی همه چیز مهم است.

۲-۶) نورپردازی: مایه روشن است القاء خوش بختی و شادی و نشاط

۲-۷) رنگ: رنگ صورتی کم رنگ بلوز مجری و رنگ خاکستری شلوارش هر دو در طیف رنگهای سرد قرار می گیرند، القاء کننده آرامش هستند.

ب:

REF	ACT	SYM	SEM	HER	
- ارجاع به این که انسان موجودی اجتماعی است که یکی از مظاهر اجتماعی بودن آن زندگی در کنار دیگران آن هم با رعایت حال آن هاست - ارجاع به سفارش های اسلام در مورد رعایت حقوق دیگران بخصوص حقوق همسایه		- دل تنگ شدن / دل تنگ نشدن - بزرگترها / بچه ها - خوب / بد - مهربان / نامهربان - مراقب بودن / مراقب نبودن - همسایه / هر فرد دیگر	- ارجاع ضمنی به رابطه عاطفی که بین عوامل برنامه و بچه ها وجود دارد - ارجاع ضمنی به قدرت جذب فیتیله که نه تنها بچه ها بلکه بزرگترها هم مخاطب آن هستند - ارجاع به این نکته که بچه های خوب و مهربان کسانی هستند که رعایت حال دیگران را می کنند	- چرا دل عوامل برنامه برای بچه ها تنگ شده است؟ - چرا بزرگترها برنامه بچه ها را می بینند؟ - چه راهنمایی های را بزرگترها می توانند برای عوامل تولیدکننده برنامه داشته باشند؟ - چه مشخصه های بچه های خوب و مهربان دارند؟ - چرا همسایه باید مراقب	صحنه شماره ۲

				همسایه دیگر باشد؟	
--	--	--	--	----------------------	--

ج:

در سطح اول مجری در حال صحبت کردن با بچه هاست. سطح دوم اشاره بر این دارد که کودکان نباید تنها به خود فکر کنند و هر آنچه دوست دارند بدون رعایت حال دیگران انجام دهند و باعث ناراحتی و مشکل برای افراد دیگر شوند. علاوه بر دلالت فوق این صحنه اشاره بر این دارد که برنامه فیتیله نه تنها برای بچه ها محبوب است بلکه برای بزرگترها هم چنین است و ارتباط دو طرفه بین عوامل برنامه با بچه ها به حدی است که دلتنگ هم می شوند و از دیدن هم خوشحال می شوند؛ در واقع فیتیله فقط یک برنامه نیست، بلکه بچه ها بقدری با آن مأنوس هستند که دلشان برای این برنامه تنگ می شود. و این برنامه به نوعی اعتبار خود را از مورد اقبال قرار گرفتن توسط اعضای خانواده اعم از کوچک و بزرگ کسب می کند. در سطح سوم دلالت بر اعتقادات مذهبی و سفارش اسلام به رعایت حقوق یکدیگر بویژه حقوق همسایه بر همسایه دارد.

۳- نمایش عواقب اعمال ناپسند افراد (در این جا کودکان) بر خودشان.

۸۸/۱/۱۱ صحنه شماره ۳) نمایش نانوایی

مادربزرگ: سلام مادر

شاطر: سلام نه نه

مادربزرگ: نون می خواستم

شاطر: (با ابروهای درهم کشیده) من هم می دونم، نون می خوام، شیرینی فروشی که نیست

نونوایی دیگه، دو دقیق صبر کن

مادربزرگ: واه واه! چه خیرته، نمی شه با یه من عسلم خوردش

شاطر: اصلا وردار از همین نونا برو

مادربزرگ: نمی خوام، اونا خشک اند من هم دندون ندارم، دست تو گوشت چرا می کنی!

زن به نون

شاطر: نه نه جون، نون نمی خوام برو، همینکه هست

مادربزرگ: ای می گه، همینه که هست، مادر تو دستت رو زدی به گوش ات میکروب داره،
می زنی به نون!

شاطر: (با صدای بلند) نمی خواد بعد بیست سال تو به من کار یاد بدی، نون همینه
مادربزرگ: نخواستم

شاطر: نخواستی که نخواستی، برو انگار التماسش رو کردم

مرد: سلام شاطر

شاطر: علیک

مرد: خسته نباشی

شاطر: ببین وقت ندارم، چندتا نون می خوام؟

مرد: بابا دوتا نون می خوام، اعصاب نداریا!

شاطر: مگه نمی بینی اینجا نون است، وردار برو

مرد: عزیزم این که سوخته است

شاطر: سوخته ست که سوخته ست، برو از یه نونوانی دیگه بخر

مرد: ای داداش، بیا ببینم دستت رو می زنی به بینیت، نمی گی نون رو کثیف کنی

شاطر: (با اخم) اصلا نونوانی تعطیله

پیرمرد: آقای نونوا نون می خوام

شاطر: چه تعداد نون می خواستین، تعدادش رو بفرماید

پیرمرد: چرا پاروی نونوانی اینقدر کثیفه؟

شاطر: عزیزه من پارو دیگه ... آقا نون می خوام، وردار برو، اعصاب من رو خراب نکن

پیرمرد: تو دستت رو کردی تو گوشت، تو بهداشت رو رعایت نکردی... تو خیلی بد اخلاقی

من مأمور بهداشت ام باید نونوانی شما بسته بشه و شما رو هم دستگیر کنیم.

الف: ۱- رمزهای میزانشن

۱-۱) صحنه پردازی: محل وقوع روایت یک استودیوی تلویزیونی است؛ دکور صحنه تداعی فضای مغازه نانوانی را می کند.

۱-۲) وسایل صحنه: نان بربری، ردیف گل ها، صندوقچه، میز، پارو، عصا، موی سفید، عینک،

ریش و سبیل

۱-۳) رمزهای غیرکلامی: اخم کردن، تکیه به عصا زدن، صدا را بالا بردن، دست به گوش و

بینی زدن، دست به کمر ایستادن

۱-۴) رمزهای لباس: پیشبند، کلاه، روسری، کت

الف: ۲- رمزهای فنی

۲-۱) نما: نماها خیلی کم درشت، متوسط و دور است که هم سعی دارد ایجاد رابطه البته

بدون صمیمیت با مخاطب کند و هم سعی در تشریح بافت و زمینه برنامه دارد.

۲-۲) زاویه دوربین: هم سطح است که القاء کننده برابری با مخاطب است.

۲-۳) نوع عدسی: عادی است، تداعی یک زندگی معمولی (یک جریان عادی) است.

۲-۴) ترکیب بندی: ترکیبی از حالت‌های متقارن، نامتقارن و ایستاست القاء زندگی روزمره است

البته توام با القاء حس آرامش به مخاطب.

۲-۵) وضوح: حالت کانونی عمیق یا عمق میدان است یعنی همه چیز مهم است.

۲-۶) نورپردازی: مایه روشن است القاء خوش بختی و شادی و نشاط

۲-۷) رنگ: رنگ‌های گرم استفاده شده است که تداعی کننده شادی و شور هستند.

ب:

REF	ACT	SYM	SEM	HER	
- ارجاع به نحوه تعامل با دیگران		- فروشنده / مشتری	- ارجاع به خوش اخلاقی و رفتار خوب		صحنه شماره ۳
- ارجاع به رعایت بهداشت (النظافت من الايمان)		- مرد / زن / پاکیزگی / کثیفی	- ارجاع به پاکیزگی		

ج:

در سطح اول نمایش یک نانوا و مشکلات مشتری‌ها با اوست.

در سطح دوم دلالت بر پرهیز بچه ها از بد اخلاقی و کثیفی است که هر دو از عواملی هستند که باعث رنجش دیگران از فرد و در نهایت منجر به مجازات فرد می شود که بدترین مجازات، طرد فرد در این جا کودک بد اخلاق و کثیف از جمع دیگران است. در سطح سوم دلالت بر نحوه رفتار با دیگران در واقع تعیین مرز موارد خوشایند و مقبول از مرز موارد ناخوشایند و مطرود دنیای بزرگسالان برای کودکان است که به نوعی این تعیین خطوط کمک به جامعه پذیری کودک و ره یافتن او به دنیای مورد پسند اکثریت می کند؛ که از قضا تعالیم ادیان آسمانی از جمله دین اسلام هم این موارد را تأکید و ترویج می کند. (خوش اخلاقی، رعایت بهداشت (النظافت من الایمان))

۴- نصیحت کردن کودکان

۸۸/۱/۶ صحنه شماره ۴) صحنه با نمای سربالا که هم ردیف گل ها را نشان می دهد و هم بازیگر را آغاز می شود.

آواز "یه جفت جوراب، دو لنگه کفش، یه پیرهن مخملی، یه روسری، چند تا کلاه، یه دامن گل گلی، یه کت و شلوار، یه لباس رنگی؛ صدآفرین به این همه قشنگی، آی دختر با سلیقه، گل پسر مودب، لباستون باید باشه مرتب، لباس نو یا کهنه فرق نداره، تمییز باشه لباسا نونواره." (همنشین با صحنه بعد صحبت های مجری: که لباس ها باید تمییز باشه حتما نباید نو باشه، آره عزیز دل عمو قناد)

الف: ۱- رمزهای میزانشن

- ۱-۱) صحنه پردازی: محل وقوع روایت یک استودیوی تلویزیونی است، بازیگران در حالی که لباس در دست دارند؛ در حال خواندن آواز هستند.
- ۱-۲) وسایل صحنه: پیراهن، روسری، کفش، کت و شلوار...
- ۱-۳) رمزهای غیرکلامی: لبخند، حرکت بدن و دست ها
- ۱-۴) رمزهای لباس: لباس های راحتی یکدست، کلاه نخی، دستکش سفید

الف: ۲- رمزهای فنی

- ۲-۱) نما: نمای بچه های مهمان متوسط است و نمای بازیگران درشت و دور است که سعی در نشان دادن احساسات بازیگران با نشان دادن حالت چهره شان و در عین حال ارائه زمینه دارد.

۲-۲) زاویه دوربین: در ابتدا سربالاست که احساس هم ذات پنداری در مخاطب را به وجود می آورد، در میان صحنه هم نمای سرازیر است که هر سه بازیگر را نشان می دهد ، گویی بازیگران کودکانی هستند که با کودکان درباره نگهداری لباس ها صحبت می کنند ، در بقیه موارد هم سطح است که القاء کننده برابری با مخاطب است، به طوری کودک احساس می کند خود در این آواز شرکت کرده است.

۲-۳) نوع عدسی: عادی است، تداعی یک زندگی معمولی (یک جریان عادی) است.

۲-۴) ترکیب بندی: متقارن و ایستاست که القاء کننده فضای آرام است.

۲-۵) وضوح: حالت کانونی عمیق (عمق میدان) است یعنی تمام عناصر مهم هستند.

۲-۶) نورپردازی: مایه روشن است؛ بیان کننده خوش بختی و شادی است.

۲-۷) رنگ: رنگ های گرم استفاده شده است که تداعی کننده شادی و شور هستند.

ب:

REF	ACT	SYM	SEM	HER	
- ارجاع به پرهیز از اسراف (یکی از آموزه های دینی)		- لباس های زنانه / لباس های مردانه - دختر / پسر - با سلیقه / بی سلیقه - مودب / بی ادب - نو / کهنه	- ارجاع ضمنی به پاکیزگی و نگهداری از وسایل - ارجاع به پرهیز از اسراف	- چرا لباس بچه ها باید مرتب باشد؟	صحنه شماره ۴

ج

در سطح اول آوازی درباره لباس است.

در سطح دوم دلالت بر نگهداری از وسایل شخصی مانند لباس و استفاده از آن ها تا جای که می شود.

در سطح سوم دلالت بر لزوم پرهیز از اسراف کردن را دارد که در اسلام هم تأکید فراوانی به آن شده است.

۵- برقراری رابطه ی عاطفی با کودکان و تأکید مدام بر وجود این رابطه

۸۸/۱/۷ (صحنه شماره ۵) مجری با لبخند رو به دوربین: "بسم ... الرحمن الرحیم، (با اشاره انگشت به بالا) به نام او آغاز می کنیم که آرام بخش همه دلهاست. سلام می کنیم به شما مهربانان هر جا که هستید؛ خوب باشید، خوش باشید، سلامت باشید (رو به بچه های مهمان) فصل گل صنوبر عیدی ما یادت نره؛ (با اشاره دست ها به دوربین) عیدی ما یادتون نره، عیدی ما چیه؟ یه لبخند از شماست؛ شادی شما، شادی ماست، ما خوشحال می شیم بله از این که همه همکاران زحمت کشیدن تا بتونیم یه برنامه برای شما داشته باشیم و شما شاد باشید، اما بچه های مهربون، یکی دیگه از روزهای خوب خدا شروع شد و ما باید برنامه ریزی کنیم، چی کار کنیم؟ به اتفاق بزرگترها می گن، امروز بریم خونه عمه می ریم، می گن خونه خاله می ریم، گفتن که اصلا بریم خونه بابابزرگ و مامان بزرگ می گیم حتما می ریم، پس اول برنامه ریزی می کنیم؛ (دست ها به حالت دعا) خدایا شکر در کنار بزرگترها بتونیم یک روز خوبی داشته باشیم."

الف: ۱- رمزهای میزانشن

- ۱-۱) صحنه پردازی: محل وقوع روایت یک استودیوی تلویزیونی است، مجری در کنار جایگاه بچه های مهمان می ایستد.
- ۱-۲) وسایل صحنه: جایگاه نشستن بچه های مهمان، ردیف گل ها، تنگ ماهی، صندوق بزرگ
- ۱-۳) رمزهای غیرکلامی: لبخند، اشاره با دست به دوربین، اشاره با انگشت به بالا، دست ها را به حالت دعا گرفتن
- ۱-۴) رمزهای لباس: بلوز سبز رنگ، شلوار سفید همراه با کمر بند، کفش مشکی

الف: ۲- رمزهای فنی

- ۲-۱) نما: نمای متوسط و دور و به تعداد کم نمای درشت است که سعی در ایجاد رابطه شخصی با سوژه و نیز تشریح بافت و زمینه دارد.
- ۲-۲) زاویه دوربین: هم سطح است که القاء کننده برابری با مخاطب است.
- ۲-۳) نوع عدسی: عادی است، تداعی یک زندگی معمولی (یک جریان عادی) است.
- ۲-۴) ترکیب بندی: نامتقارن و ایستاست که القاء کننده احساس آرامش و آسودگی است.
- ۲-۵) وضوح: حالت کانونی عمیق (عمق میدان) است یعنی تمام عناصر مهم هستند.

۲-۶) نورپردازی: مایه روشن است؛ بیان کننده خوش بختی و شادی است.
 ۲-۷) رنگ: لباس مجری رنگ سرد دارد که مایه آرامش است و در تلفیق با رنگ های گرم به کار رفته در دکور برنامه مایه شادی و شور است، محیطی شاد و فرح بخش به دور از هر گونه تشویش را القاء می کند.

ب:

REF	ACT	SYM	SEM	HER	
- ارجاع به اعتقادات مذهبی	- یاد خدا آرام بخش دلهاست	- آرامش / تشویش	- ارجاع به یاد خدا	- چرا برنامه را با نام خدا آغاز می کنند؟	صحنه شماره ۵
- ارجاع به یکسری باید و نباید های رفتاری که باید کودکان آن ها را رعایت کنند		- سلام / هر کلام دیگر - سلامتی / بیماری - شادی / غم - برنامه داشتن / برنامه نداشتن - بچه ها / بزرگترها - حرف گوش کردن / حرف گوش نکردن - شکر کردن / شکر	- ارجاع به ارتباط دو سویه بین عوامل برنامه و بچه ها - ارجاع به نظم - ارجاع به حرمت گذاشتن به بزرگترها - بزرگترها - حرف گوش کردن / حرف گوش نکردن - شکر کردن / شکر	- چرا عوامل برنامه از شادی بچه ها شاد می شوند؟ - معنای برنامه ریزی چیست؟ - بچه ها چرا باید برنامه ریزی کنند؟ - نقش بزرگترها در برنامه ریزی بچه ها چیست؟	

		نکردن			
--	--	-------	--	--	--

ج:

در سطح اول سلام و احوال پرسی و شکر خدا برای وجود بزرگترهاست. در سطح دوم بازتابی از ارزشهای اعتقادی مسلمانان است که از نشانه های چون یاد خدا و سلام کردن استفاده شده است (یادآوری نیاز انسان به نیروهای معنوی که مهمترین آن ها به اعتقاد مسلمان ها نیاز انسان به ذکر خداست)، همچنین اشاره به نزدیک بودن رابطه عوامل برنامه با مخاطبانش یعنی بچه هاست بطوری که از شادی بچه ها آن ها هم شاد می شوند و اشاره به شاد و فرح بخش بودن برنامه است و در کنار اشاره های فوق به نظم داشتن حتی در ایام تعطیل که به ظاهر افراد فارغ از هر نظمی هستند برای انجام کارهایشان دارد؛ علاوه بر این دلالت بر حرمت گذاشتن به بزرگترها و قدردان بودن بچه ها برای وجود با ارزش بزرگترهاست.

در سطح سوم دلالت بر اعتقادات مذهبی دارد و نیز لزوم حرف گوش کن بودن بچه ها بویژه در برابر بزرگترها، چرا که از این طریق عضویت آن ها در خانه، جامعه و ... پذیرفته می شود؛ در یک کلام اشاره به تبعیت کودکان چه از نهاد خانواده، چه از نهاد مذهب که هر دو اقتدارمدار و پدرسالارانه هستند، دارد.

ضمیمه ب)

صحنه های مربوط به تقابل های دوگانه:

۶- سنت و تحول: ۱- زندگی پدر بزرگ و مادر بزرگ در خانه سالمندان ۲- احساس نوه ها به پدر بزرگ و مادر بزرگ

۶-۱- سنت و تحول / ۱- زندگی پدر بزرگ و مادر بزرگ در خانه سالمندان
۸۸/۱/۵ صحنه شماره ۶) مجری درحالی که آه می کشد وارد صحنه می شود.
"پدر و مادر، مادر بزرگ و پدر بزرگ و نوه های خوب و مهربون که دور هم دیگه نشستید و گل می گید و گل می شنوید؛ اما بدونیم که عزیزانی هستند که چشم انتظارند و چشمشون به در دوخته شده تا فرزندان خودشون رو ببینند تا نوه های خودشون رو ببینند اون ها هم دلشون می خواد تو این عید خوشحال باشن، بله در خانه سالمندان عزیزانی مثل پدر بزرگ و مادر بزرگ منتظرند؛ به هر حال این عید مال همه است و همه باید خوشحال باشن، ان شا ا...".

الف: ۱- رمزهای میزانشن

- ۱-۱) صحنه پردازی: محل وقوع روایت یک استودیوی تلویزیونی است، مجری در کنار سکوی که روی آن قرآن و یک شمع روشن و ظرف سبزه ای است، می ایستد.
- ۱-۲) وسایل صحنه: رحل قرآن، شمع، سبزه
- ۱-۳) رمزهای غیرکلامی: آه کشیدن، اشاره با دست به دوربین
- ۱-۴) رمزهای لباس: بلوز صورتی کم رنگ، شلوار مشکی همراه با کمر بند، کفش مشکی

الف: ۲- رمزهای فنی

- ۲-۱) نما: نمای متوسط است که سعی در ایجاد رابطه شخصی با سوژه دارد.
- ۲-۲) زاویه دوربین: هم سطح است که القاء کننده برابری با مخاطب است.
- ۲-۳) نوع عدسی: عادی است، تداعی یک زندگی معمولی (یک جریان عادی) است.
- ۲-۴) ترکیب بندی: نامتقارن و ایستاست که القاء کننده زندگی روزمره در فضای آرام است.
- ۲-۵) وضوح: حالت کانونی عمیق (عمق میدان) است یعنی تمام عناصر مهم هستند.
- ۲-۶) نورپردازی: مایه روشن است؛ بیان کننده خوش بختی و شادی است.

۲-۷) رنگ: لباس مجری رنگ سرد دارد که مایه آرامش است و در تلفیق با رنگ های گرم به کار رفته در دکور برنامه مایه شادی و شور است، محیطی شاد و فرح بخش به دور از هر گونه تشویش را القاء می کند.

ب:

REF	ACT	SYM	SEM	HER	
- ارجاع به رابطه نسل گذشته با نسل آینده		- پدر و مادر/ پدربزرگ و مادربزرگ - پدربزرگ و مادربزرگ/ نوه - مهربان/ نامهربان - در کنار هم بودن/ دور از هم بودن - خوشحال/ ناراحت - وظیفه فرزندی/ هر وظیفه دیگر	- ارجاع ضمنی به تکلیف انسانی فرزندان در قبال پدر و مادر	- هدف از دور هم نشستن بزرگترها و کوچکترها چيست؟ - چرا بعضی از پدربزرگ ها و مادربزرگ ها در خانه سالمندان و به دور از فرزندانشا ن زندگی می کنند؟ - چرا فرزندان افرادی که	صحنه شماره ۶

				در خانه سالمدان هستند به آن ها حتی در روزهای عید سر نمی زنند و آن ها را چشم انتظار دیدار خود می گذارند؟ - معنای رسیدگی به افراد سالمد و بیمار عین فرزند چیست؟	
--	--	--	--	---	--

ج:

در سطح اول دلالت بر صحبت های مجری درباره یاد کردن سالمدان همنشین با صحنه قبل که آوازی درباره چشم انتظاری سالمدان بود.

در سطح دوم دلالت بر توقع سالمدان از فرزندان خود بویژه در روزهای عید برای تجدید دیدار و یاد شدن آن ها توسط عزیزترین ثمره زندگی شان یعنی فرزندان و نوه هایشان است و همچنین اشاره ضمنی به تغییر شکل روابط خانوادگی موجود افراد در جامعه امروز با وجود جدا شدن پدر بزرگ ها و مادر بزرگ ها از اعضای خانواده و ساکن شدن آن ها در

ارگانی به اسم خانه سالمندان است و محدود شدن وظیفه فرزندی تنها به دیدارهای چند ساعته از کسانی که روزگاری نه چندان دور هر لحظه به بودن با آن‌ها بخصوص به توجه و محبت آن‌ها نیازمند بودن.

در سطح سوم دلالت بر قصه تکراری نیاز روحی انسان در سنین مختلف به محبت بویژه در سنین کهن سالی که انسان به لحاظ جسمی کم‌توان‌تر از هر دوره‌ای است و به لحاظ روحی نیازمندتر به توجه دیگران بخصوص فرزندانش است، این واقعه یک فرآیند طبیعی و غیر قابل انکار است.

۶-۲ سنت و تحول / ۲- احساس نوه‌ها به پدر بزرگ و مادر بزرگ

(۸۸/۱/۷ صحنه شماره ۷)

تعدادی از بچه‌های مهمان در حالی که ریش و سیبیل سفید، موی سفید و عینک دارند عصا به دست روی صندلی‌ها نشسته‌اند و بازیگران هم در میان صندلی‌ها ایستاده‌اند و آواز می‌خوانند.

آواز: "چشم و چراغ خونه مادر بزرگ مهربون، شکر می‌ریزه از لب‌ت پدر بزرگ خوش‌زبون، من قصه‌های شما رو از ته دل گوش می‌کنم، همیشه در کنارتون غم رو فراموش می‌کنم، موی سفید شما رو به صد تا دنیا نمی‌دم، چراغ راه من شدید به روشنایی رسیدم، الهی باشه سایتون همیشه روی سر ما، از دعای خیر شما سفید بخت بچه‌ها."

الف: ۱- رمزهای میزانشن

۱-۱) صحنه پردازی: محل وقوع روایت یک استودیوی تلویزیونی است، بازیگران در حال آواز خواندن هستند.

۱-۲) وسایل صحنه: ماکت از نمای بیرونی یک خانه قدیمی، یک ردیف گل (باغچه مانند)، تنگ ماهی، عصا، عینک، ریش و سیبیل سفید، موی سفید مصنوعی

۱-۳) رمزهای غیرکلامی: تکیه دادن به صندلی، لرزش دست

۱-۴) رمزهای لباس: کلاه، روسری قواره بزرگ

الف: ۲- رمزهای فنی

۲-۱) نما: نمای درشت، دور و به تعداد خیلی کم از نمای متوسط استفاده شده است که سعی در ایجاد صمیمیت و نزدیکی با مخاطب دارد و در پی انتقال احساسات به مخاطب است و نیز سعی در تشریح بافت و زمینه دارد.

۲-۲) زاویه دوربین: هم سطح است که القاء کننده برابری با مخاطب است.

۲-۳) نوع عدسی: عادی است، تداعی یک زندگی معمولی (یک جریان عادی) است.

۲-۴) ترکیب بندی: ترکیب بندی متقارن و ایستاست که القاء کننده فضای آرام و بدون تنش است.

۲-۵) وضوح: بجز انتهای صحنه که وضوح ملایم تصویر بازیگر را به تصویر یکی از مادر بزرگ ها انتقال می دهد؛ همه جا حالت کانونی عمیق یا عمق میدان است یعنی همه چیز مهم است " به همه چیز نگاه کن."

۲-۶) نورپردازی: مایه روشن است القاء خوش بختی و شادی و نشاط

۲-۷) رنگ: چه در رنگ لباس بازیگران، چه در رنگ دکور برنامه؛ بیشتر از رنگ های گرم چون زرد، قرمز، نارنجی که باعث شوق و شور و نشاط می شود، استفاده شده است اما در کنار آنها از رنگهای سردی چون سبز، بنفش استفاده شده است؛ که کمک می کنند در القاء حالت مفرحی که به دور از تشویش و آشفتگی است، به نوعی تداعی دوران شاد و به دور از غم کودکی است.

ب:

REF	ACT	SYM	SEM	HER	
- ارجاع به پایداری نظام خانواده در ایران		- ارزش داشتن / ارزش نداشتن - مادر بزرگ و پدر بزرگ / بچه ها	- ارجاع به ارزش وجود بزرگترها بویژه افراد مسن در خانواده های ایرانی	- چرا بچه ها در کنار پدر بزرگ و مادر بزرگ ها غم را فراموش می کنند؟	صحنه شماره ۷
		- غم / شادی - خیر / شر	- ارجاع به رابطه عاطفی	- چرا بچه ها آن ها را با یک	

		- سفید بختی / سیاه بختی	بچه ها با پدر بزرگ و مادر بزرگ	دنیا عوض نمی کنند؟ - بچه ها چه آرزوی برای آن ها دارند؟	
--	--	----------------------------	--------------------------------------	--	--

ج:

در سطح اول آوازی کودکانه درباره پدربزرگ و مادربزرگ هاست. به طور ضمنی اشاره به تجربه بسیار پدربزرگ و مادربزرگ ها و نقش راهنما بودن آن ها برای بچه ها، به نوعی القاء ارزش وجودی آن ها به بچه هاست. و همچنین اشاره به نوعی عقیده در میان ایرانی ها که نفس افراد مسن را گیرا می دانند یعنی دعای آن ها بخصوص پدربزرگ و مادربزرگ ها در حق فرزندانشان را مستجاب می دانند و همچنین اشاره به رابطه عمیق عاطفی میان بچه ها (نوه ها) با پدربزرگ و مادربزرگ ها دارد. در سطح سوم اشاره به این نکته دارد که در ایران با تمام تفاوت هنوز هم رابطه بین نسل های مختلف به خوبی پا برجاست؛ پیوند نوه ها با پدر بزرگ و مادر بزرگ یعنی پایداری نظام خانواده در ایران یعنی جاری بودن آداب و رسوم در ایران است.

۷- نظم و هرج و مرج / مورد ۲- برنامه ریزی

۸۸/۱/۱۰ صحنه شماره ۸) مجری "... اما دوستان خوبم داشتم، فکر می کردم، چشم به هم گذاشتیم و چند روز از سال نو یعنی سال ۱۳۸۸ گذشت، همین دیروز بود که می گفتیم: داره نوروز می رسه و حالا می بینیم چند روز گذشته خوب بینیم تو این چند روز چه کارای رو انجام دادیم، همیشه برنامه ریزی داشته باشیم برای روزهای آینده مون نگذاریم به این سادگی این روزها از دست ما بره؛ اما می خوام، بینم شما هنگام سال تحویل و دعای سال نو چه آرزوی کردین؟ چه دعای کردین؟ بله میدونم همه دعا کردین هر چی مریض هست شفا پیدا کنه، دعا کردین، بتونیم بچه های خوبی باشیم برای بزرگترهای مهربونمون، دعا کردین، بتونیم موفق باشیم چرا که آینده کشورمون به دست شما بچه هاست (با اشاره به دوربین) ان شاء... که در کنار بزرگترها همیشه موفق باشید..."

الف: ۱- رمزهای میزانشن

- ۱-۱) صحنه پردازی: محل وقوع روایت یک استودیوی تلویزیونی است؛ مجری در کنار جایگاه نشستن بچه های مهمان ها می ایستد.
- ۱-۲) وسایل صحنه: ردیف گل ها، تنگ ماهی، سکوی برای نشستن بچه های مهمان
- ۱-۳) رمزهای غیرکلامی: لبخند، مجری اشاره به سمت دوربین می کند (بچه ها را مخاطب قرار می دهد)، صورت مجری دارای ریش و سیل مرتب شده است.
- ۱-۴) رمزهای لباس: بلوزسبز رنگ و شلوارمشکی به همراه کمربند به نوعی لباس رسمی، کفش مشکی

الف: ۲- رمزهای فنی

- ۲-۱) نما: نماهای مجری درشت و دور است که سعی در نشان دادن احساسات مجری با نشان دادن حالت چهره و هم سعی در نشان دادن زمینه پشت سر مجری یعنی بچه های مهمان برنامه را (تشریح بافت برنامه) دارد.
- ۲-۲) زاویه دوربین: هم سطح است که القاء کننده برابری با مخاطب است.
- ۲-۳) نوع عدسی: عادی است، تداعی یک زندگی معمولی (یک جریان عادی) است.
- ۲-۴) ترکیب بندی: ترکیبی از حالتهای متقارن، نامتقارن و ایستاست القاء زندگی روزمره یعنی مجری هم مثل بقیه بزرگترهاست که با بچه ها در حال گفتگوست البته توام با القاء حس آرامش به مخاطب.
- ۲-۵) وضوح: حالت کانونی عمیق یا عمق میدان است یعنی همه چیز مهم است.
- ۲-۶) نورپردازی: مایه روشن است القاء خوش بختی و شادی و نشاط
- ۲-۷) رنگ: رنگ سبز بلوز مجری و رنگ مشکی شلوارش هر دو در طیف رنگهای سرد قرار می گیرند که در کنار رنگ های گرم دکورالقاء کننده شادی توأم با آرامش است.

ب:

REF	ACT	SYM	SEM	HER	
- ارجاع به باورهای قدیمی	- دعا برای شفای بیماران، برای بزرگترها و برای موفقیت	- سال نو / سال کهنه - دیروز / امروز - برنامه ریزی / عدم برنامه ریزی - دعاکردن / دعا نکردن	- ارجاع به نظم - ارجاع به آینده نگری - ارجاع به پایبندی ایرانی ها به باورهایشان	- چرا بچه ها باید برای آینده شان برنامه ریزی داشته باشند؟ - بچه ها دعایشان در هنگام سال تحویل چیست؟	صحنه شماره ۸

ج:

در سطح اول مجری درباره گذر سریع عمر و همچنین درباره دعا کردن هنگام سال تحویل صحبت می کند.

در سطح دوم اشاره به این دارد که بچه ها باید در هر حالی نظم خاصی را در زندگی داشته باشند، حتی در روزهای تعطیل هم مقید به یک برنامه مشخص باشند؛ در همین راستا کودکان را تشویق به آینده نگری و داشتن توجه به روزهای آتی و استفاده بهینه از امروز خود می کند، در کنار آن به پایبندی ایرانی ها به اجرا باورهای قدیمی شان دارد که حتی امروزه هم مردم باور بر این دارند که هنگام تغییر سال وقت مبارکی است بطوری که آرزوها و دعاهایشان در این زمان مبارک مستجاب می شود.

در سطح سوم هم لزوم آموزش به کودکان حتی در قالب کلام و نصیحت برای منظم بودن و توجه دادن آن ها به آینده شان و پایبندی آن ها به ارزش ها و باورهای که از نسل ها قبل به آن ها رسیده است.

۸ - کودکی در مقابل بزرگسالی: ۱- پختگی / خامی ۲- اطاعت / سرپیچی ۳- مسئولیت پذیری / سهل انگاری

۸-۱- کودکی در مقابل بزرگسالی، مورد پختگی / خامی: کودکان به ضرر خود عمل می کنند. (۸۸/۱/۷ صحنه شماره ۹) نمایش میز گرد فیتله ای؛ بازیگران پس از دیدن به دور میز، در کنار هم بر روی صندلی ها پشت میز می نشینند.

مجری: تماس گرفتن و گفتن بچه ها در ایام نوروز وقتی سوار ماشین هستند دستشون رو از شیشه میارن بیرون خواهش می کنم، شما کارشناسی بفرمایید.

کارشناس اول: بله در رابطه با این مسئله مهم باید عرض کنیم ... ما تو ماشین به بچه می گیم، عزیزم دستت رو بیرون نکن، می گه نه من این کار رو می کنم، به دست بچه ها دَمبل بدید که دستشون مشغول باشه ...

مجری: تماس گرفتن و گفتن بعضی از بچه ها که می رن مهمونی خیلی دست به شیرینی و میوه می زنند راهکارتون رو بفرمایید.

کارشناس اول: کار زشتی رو واقعا می کنند، ما می تونیم از میوه های مصنوعی استفاده کنیم
مجری: گفتن، بچه های که می رن مهمونی به اسباب بازی ها دست می زنند شما چه راهکاری رو پیشنهاد می کنید؟

کارشناس دوم: بچه صاحب خونه اسباب بازی ها رو در گونی بریزه و...

مجری: گفتن، بچه های که می رن مهمونی زیاد می خورن، چاق می شن، چی کار کنیم این ها چاق نشن؟

کارشناس دوم: همون جا ورزش کنند...

مجری: اما بعد از این که این دوستان این همه چرت و پرت گفتن ما یک نتیجه گیری می کنیم و اون اینه که بچه ها، بخاطر این که ایام نوروز بهتون خوش بگذره وقتی مسافرت می رین دستتون رو از شیشه بیرون نیارید، پرخوری نکنین (خطاب به کارشناس ها: درسته یا نه؛ کارشناس ها: بله) اما بچه های که می رین مهمونی دست به وسایل دیگران نزنید آفرین، اگر هم زیاد شیرینی بخورین چاق می شن غذا زیاد بخورین چربیتون می ره بالا پس خواهش می کنم به این ها دقت کنید تا ان شا ... ایام نوروز بهتون خوش بگذره.

الف: ۱- رمزهای میزانشن

۱-۱) صحنه پردازی: محل وقوع روایت یک استودیوی تلویزیونی است.

۱-۲) وسایل صحنه: عینک، سیل و ریش پرفسوری، میز، صندلی، ردیف گل ها، تنگ ماهی، صندوق بزرگ

۱-۳) رمزهای غیرکلامی: دویدن، طناب زدن، افکت کف زدن، کف زدن، دست دادن به هم

۱-۴) رمزهای لباس: کت

الف: ۲- رمزهای فنی

۲-۱) نما: نمای درشت، متوسط و دور استفاده شده است که در پی نشان دادن احساسات بازیگران با نشان دادن حالت چهره شان و همچنین القاء صمیمیت و نزدیکی به مخاطب و در عین حال ارائه زمینه است.

۲-۲) زاویه دوربین: زاویه دوربین هم سطح است که القاء کننده برابری با مخاطب است.

۲-۳) نوع عدسی: عادی است، تداعی یک زندگی معمولی (یک جریان عادی) است.

۲-۴) ترکیب بندی: متقارن و ایستاست که القاء کننده فضای آرام است.

۲-۵) وضوح: حالت کانونی عمیق (عمق میدان) است یعنی تمام عناصر مهم هستند.

۲-۶) نورپردازی: مایه روشن است؛ بیان کننده خوش بختی و شادی است.

۲-۷) رنگ: رنگ های گرم استفاده شده است که تداعی کننده شادی و شور هستند.

ب:

REF	ACT	SYM	SEM	HER	
- ارجاع به ناآگاهی		- حرف گوش کردن /	- ارجاع ضمنی به این که	- چرا بچه ها نباید	صحنه شماره ۹
بچه ها به آنچه که به صلاحش ن است و ضرر رساندن آن ها به		حرف گوش نکردن - کار بد / کار خوب - اسباب بازی	بزرگترها عاقل اند (بزرگترهای که عینک به چشم دارند) - ارجاع ضمنی به نصیحت	دست به اسباب بازی دیگران بزنند؟ - چرا بچه ها نباید	

خود		خود/	کردن	پرخوری	
- ارجاع		اسباب	- ارجاع	کنند؟	
به		بازی	ضمنی به		
یکسری		دیگری	این که بچه		
باید و		-	ها باید		
نباید های		سلامتی/	حرف گوش		
که		بیماری	کن باشند		
بزرگترها					
برای					
کوچکتر					
ها					
مشخص					
می کنند					
و بچه ها					
هم باید					
آن ها را					
رعایت					
کنند					

ج:

در سطح اول نمایشی درباره بچه های حرف گوش نکن است. در سطح دوم اشاره بر این دارد که بزرگترها چون عاقل اند، صلاح بچه ها را می خواهند و به آن ها مهربان تر از خودشان هستند.

در سطح سوم به این نکته اشاره دارد که بچه ها به کفایت رشد عقلی نرسیده اند، بنابراین مراقب سلامتی خود نیستند و به خود آسیب می رسانند، پس بزرگترها محق اند مانع بعضی از کارهای که حتی خوشایند بچه هاست؛ شوند، علاوه بر این بزرگترها مرز خوب و بد را برای بچه ها مشخص می کنند، آن هم در قالب نصیحت کردن و بچه ها موظفند به آنچه بزرگترها می گویند، گوش دهند چرا که به نفع آن هاست.

۸-۲ - کودکی در مقابل بزرگسالی، مورد اطاعت و سرپیچی: کودک باید یاد بگیرد که مانند سایر اعضای جامعه مجاب به پیروی از قواعد مشابهی است.

۸۸/۱/۳ صحنه شماره ۱۰) نمایش زندان فیتیله ای (نی نی ها پشت میله های زندان)

نی نی ۱ (با کلاه آبی): من میوه ها رو نشسته می خورم، اوی دلم درد گرفت

نی نی ۲ (با کلاه قرمز): گریه کنان، چاقو بدست در حالی که دور انگشتش را با پارچه قرمز بسته است؛ وارد صحنه می شود

نی نی ۱: (خطاب به نی نی ۲) تو چرا اومدی زندون، وای چاقو!

نی نی ۲: من دوست دارم خودم میوه رو پوست بکنم (در حال گریه) اما دستم رو بریدم

نی نی ۳ (با کلاه سبز): در حالی که قند در دست گرفته؛ بفرماید قند بخورید، قند خوشمزه است

نی نی ۱: نه، نه قند بده

نی نی ۳: من قند می خورم شیرین بشم تا همه من رو دوست داشته باشن

نی نی ۱: من یه دوست داشتم هی قند می خورد، یه روز ما مانش اومد مسواک بزنه دید دندوناش می ریزه، مامانش اون رو برد دکتر، دکتر گفت: چیزی نیست اما این دندونا رو باید تا ۱۲ سالگی داشته باشه

نی نی ۳: بسه دیگه، یه دم داری حرف می زنی

نی نی ۲: راست میگه دیگه

نی نی ۳: (با عصبانیت، اخم کرده و با صدای بلند) تو چی می گی چاقو کش

نی نی ۱: جنایتکار، خشونت

نی نی ۳: چاقو رو بنداز زمین

نی نی ۲ (رو به دوربین): بابا، من خودم می خوام میوه پوست بکنم

نی نی ۱: نباید بخوای

نی نی ۲: چرا

نی نی ۱: (اخم کرده) آخه بچه عاقل دست به چاقو می زنه

نی نی ۲: ای بابا، به کبریت می گن دست نزن، به چاقو دست نزن، به قیچی دست نزن پس به چی دست بزنینم!

نی نی ۱ و ۳: ما با کسی که چاقو دست می زنه، دوست نمی شیم

نی نی ۲: من چاقو رو میندازم زمین شما هم با من دوست شید

نی نی ۱ و ۳: آره، چاقو دستت رو می بره

نی نی ۳: نی نی تو وقتی می خوای میوه بخوری بده بابا، مامان پوست بکنن
 نی نی ۲: حالا ما با تو بازی نمی کنیم (با اشاره به دهان) ما دندونامون رو دوست داریم
 نی نی ۳: قند بخورید، خیلی خوشمزه است
 نی نی ۲: نخور دندونت خراب میشه، پس فردا که قندت رفت بالا قیافت تو بیمارستان
 دیدنیه، ما اگه تو قند بخوری باهات بازی نمی کنیم
 نی نی ۳: خوب اگه دندونم خراب شه، بابا بزرگ دندون مصنوعی داره
 نی نی ۱: خوب!
 نی نی ۳: من هم اگه دندونم خراب شه از اونا درست می کنم
 نی نی ۲: اون بابابزرگه، تو بچه ای، فرق بابابزرگ و بچه رو نمی دونی؟
 نی نی ۳: باشه دیگه قند نمی خورم
 نی نی ۲ و ۳: حالا ما با تو که میوه ها رو نشسته می خوری، دوست نمی شیم،
 نی نی ۳: من یه بار میوه نشسته خوردم از شب تا صبح تو بیمارستان بودم
 نی نی ۱: اِ پس برای اینه من دل درد دارم
 نی نی ۲: میوه ها سم پاشی می شن، گرد و خاک داره باید بشوریم؛ اصلا ما با تو بازی نمی
 کنیم
 نی نی ۱: من دیگه میوه نشسته نمی خورم
 نی نی ۳: قول می دی، اصلا بیاید سه تایی تو این روزای عید قول بدیم

آواز " حالا که ما سه تایمون افتادیم توی زندون، شرمنده هستیم و شدیم از کارامون پشیمون،
 من قول می دم میوه رو بشورم قبل خوردن، من قول می دم نخورم قند تا خراب نشه دندونم،
 من دست نمی زنم به چاقوی آشپزخونه، غرغر نمی کنم و نمی گیرم بهونه، وقتش ما رو
 ببخشید، دیگه تکرار نمی شه، ما قول می دیم خوب باشیم از حالا تا همیشه."

الف: ۱- رمزهای میزانشن

۱-۱) صحنه پردازی: محل وقوع روایت یک استودیوی تلویزیونی است که با یک ردیف میله
 صورتی رنگ فضای زندان مانندی را بوجود آورده اند.

۱-۲) وسایل صحنه: درب های میله ای، لباس های راه راه، قندان، چاقو، پارچه قرمز، ظرف
 پر از سیب

۱-۳) رمزهای غیرکلامی: گریه، خنده، اشاره با انگشت به دندان، اخم کردن، لگد زدن

۴-۱) رمزهای لباس: لباس های راه راه (تداعی کننده لباس زندان) ، کلاه های که لبه توردار دارند (کلاه نوزاد)

الف: ۲-رمزهای فنی

۲-۱) نما: درشت، متوسط و دور است که در پی القاء صمیمیت و نزدیکی به مخاطب و همچنین نشان دادن احساسات بازیگران با نشان دادن حالت چهره شان و در عین حال ارائه زمینه است.

۲-۲) زاویه دوربین: به جز یک مرتبه که زاویه سرازیر است که بازیگر را مانند یک کودک در حال بازی و گفتگو نشان می دهد، همه جا زاویه دوربین هم سطح است که القاء کننده برابری با مخاطب است، گویی مخاطب (کودک) خود را در این نمایش شرکت کننده می بیند.

۲-۳) نوع عدسی: عادی است، تداعی یک زندگی معمولی (یک جریان عادی) است.

۲-۴) ترکیب بندی: متقارن و ایستاست که القاء کننده فضای آرام است.

۲-۵) وضوح: حالت کانونی عمیق (عمق میدان) است یعنی تمام عناصر مهم هستند.

۲-۶) نورپردازی: مایه روشن است؛ بیان کننده خوش بختی و شادی است.

۲-۷) رنگ: لباس های خاکستری زندانیان بعلاوه رنگ آبی و سبز کلاه رنگ های سرد و رنگ قرمز کلاه بعلاوه رنگهای گرم به کار رفته در دکورها تلفیقی از آرامش، شادی و شور است.

ب:

REF	ACT	SYM	SEM	HER	
- ارجاع به یکسری باید و نبایدها	- بچه ها نباید غر بزنند، بهانه گیر باشند و کارهای	- تنبیه / تشویق	- ارجاع ضمنی به رعایت مقررات	- چه چیزهایی را بچه ها نباید انجام	صحنه شماره ۱۰
- ارجاع به اینکه بچه ها	که به آن ها ضرر می رساند	- اشتباه / درست	که هر کسی (در این جا	بدهند؟ - چرا بچه ها	

باید	را انجام	- مراقبت /	کودکان) از	نباید با	
حرف	بدهند	عدم	آن سرباز	بچه ای	
گوش		مراقبت	بزنند،	که کار بد	
کن		- دوست	مستحق	می کند،	
باشند		شدن /	تنبيه اند	دوست	
- ارجاع		دوست	- ارجاع	شوند؟	
به پیروی		نشدن	ضمنی به	- زندان	
بچه ها		- خطر /	پرهیز از	جای چه	
از		عدم خطر	دوستی با	کسانی	
قوانینی		- بیماری /	کسانی که	است؟	
که		سلامتی	کارهای بد	- از چه	
بزرگترها			انجام می	کارهای	
آن ها را			دهند	آدم	
رعایت			- ارجاع به	پشیمان و	
می کنند			لزوم	شرمنده	
			بخشیدن	می شود؟	
			دیگران		
			(زمانی که		
			آن ها برای		
			اشتباه خود		
			عذرخواهی		
			میکنند)		

ج:

در سطح اول نمایشی کودکانه در مورد بچه های خطاکار است. در سطح دوم دلالت بر لزوم تنبیه برای تأدیب خطاکارانی که از رعایت مقررات موجود سرباز زده اند تا جای که گاهی از جامعه طرد می شوند (مثلا در این جا توصیه می شود از دوستی با کودکان بد پرهیز شود) و فقط زمانی این افراد به خطای خود پی برده و عذرخواهی می کنند باید با آن ها رابطه برقرار کرد.

در سطح سوم دلالت بر یکسری بایدها و نبایدها دارد که کودکان برای حفظ خود باید آن‌ها را رعایت کنند و بویژه باید بچه‌ها حرف گوش کن باشند یعنی آن‌چه را که بزرگترها مدام به کودکان تذکر می‌دهند، وارد دنیای کودکان خود کنند تا به گفته بزرگترها از خطرهای احتمالی محفوظ بمانند و در راستای آن اشاره بر نیازمند بودن کودکان به مراقبت همیشگی دارد، در واقع اشاره به این "فهم متعارف" دارد که کودکان باید انسان خوب بودن را از چشم بزرگترها ببینند، بنابراین باید حرف گوش کن باشند به عبارت دیگر کودکان باید اطاعت پذیری و سرسپردگی را بی‌چون و چرا بپذیرند.

۳-۸ - کودکی در مقابل بزرگسالی، مورد مسئولیت پذیری و سهل‌انگاری

۸۸/۱/۵ صحنه شماره ۱۱) با حرکت دوربین بر روی گل‌های قرمز دکور و نمای دور با وضوح ملایم از بازیگران شروع می‌شود.

آواز "الف یعنی آغاز درس و مدرسه، مشق و کتاب، ب یعنی که برپا که می‌زرا می‌خواد از ما جواب، پ یعنی پاسخ بده تند و سریع و پرشتاب، ث یعنی ثمر بخش تلاش چون که هر چیزی داره حساب و کتاب، ج: جوابم رو بده تو که چرا، ح: حواست کنجاست، ز: زکاوت داشته باش آی بچه جون، سین به ما می‌گه سعادت و سلامتی، شین می‌گه از درس و مشق نداشته باش شکایتی، ... نون نتیجه قبولی مثل شکره، واو ولی اگه نخونی خوب بی‌ثمره، ه: همیشه با نمره خوب شاد کن ما رو".

شاگرد۱: (با لهجه) امروز عیده، ما اگه خوب جواب ندیم میرزا ما رو می‌بخشه

میرزا: (با ابروهای در هم کشیده) عید باشه یا نه شما باید درس جواب بدین؛ خوب بینم آقا پسر دو نمونه از رسوم و آیین‌های که در اول سال ایرانی‌ها انجام می‌دن، رو نام ببر؟

شاگرد۱: شلوار رو پاره می‌کنیم، فرش رو پاره می‌کنیم...

میرزا: عقل تو حتما پاره سنگ ورمی داره،

شاگرد۱: خوب، همه چیز رو نو می‌کنیم دیگه

میرزا: عزیزم، خوب لباسی رو که به درد نمی‌خوره بذار کنار، لباسی رو که حالت دسته دوم

داره بذار یه کنار شاید یه کسی بخواد استفاده کنه، تو همه لباس‌ها رو جر می‌دی!

شاگرد۲: (به زبان لری) برای استقبال از سال نو ما ایرانی‌ها رسم و رسوم زیادی داریم، دو

سه نمونه اش رو می‌گم؛ ما خونه تکونی می‌کنیم، بعد سفره هفت سین می‌ندازیم که سین

های مختلف در اون می‌ذاریم که اونا قانون دارند ...

میرزا (خطاب به شاگرد اول): اول سال شمسی جدید تغییر طبیعی رخ می ده، چیه؟
شاگرد ۱: چیز طبیعی، عیدی گرفتن به زوره، دایی جون عیدی بده، عمو جون عیدی بده...
میرزا: (با چشمانی گشاد و صدای بلند) این پدیده طبیعی!، عیدی رو به زور نمی گیرن،
بزرگترا اگه دلشون خواست عیدی میدن اگه نخواست نمی دن، بچه ها نمی رن به زور بگن
عیدی بده، تو خجالت نمی کشی؟

شاگرد ۲: فصل نو می رسه

میرزا: احسن

میرزا (خطاب به شاگرد اول): از نشونه های بهار نام ببر؟

شاگرد ۱: از نشونه ها شلوار نو، کفش نو

میرزا: ای خدا! این شد نشونه بهار! آخرین سوال وقتی سیزده روز از نوروز می گذره (شاگرد
اول گریه می کند)، من مگه حرف گریه دار زدم! میشه سیزده به در؛ شما تقویم رو باز کنید
این روز به نام خاصی نام گذاری شده، این نام چیه؟

شاگرد ۱: (با اخم و گریه) این همون روز که یه رویداد طبیعی دیگه روی می ده؛ من پیک
نوروزی حل نکردم، مشق و کتاب رو تعطیل کردم، روز سیزده، آی چک می خورم
میرزا: خجالت بکش، بابا به اون مهربونی تو رو چک می زنه؟

شاگرد ۱: خوب، درس نخوندم

میرزا: بابا، سیزده روز گذشته، شما باید درس می خوندی، نه این که بری تفریح

شاگرد ۲: روز سیزده به در، روز طبیعت

شاگرد ۳: آ میرزا خواستم، بگم (با اشاره دست به دوربین) اگه رفتن تو دل طبیعت، اون
طبیعت رو با اون چیزای اضافه که گذاشتن، خراب نکنند

الف: ۱- رمزهای میزانشن

۱-۱) صحنه پردازی: محل وقوع روایت یک استودیوی تلویزیونی است، سعی شده با لباس
ها و لهجه در هنگام صحبت تداعی یک مدرسه روستایی شود.

۱-۲) وسایل صحنه: ردیف گل ها، عینک، جایگاهی برای نشستن شاگردان، برگه کلاسور

۱-۳) رمزهای غیرکلامی: اخم کردن، چشم ها را بیش از حد گشودن، با کمر خم شده راه
رفتن، ریش و سیل سفید، لهجه داشتن، خاک روی کلاه شاگرد

۱-۴) رمزهای لباس: کلاه نمادی، جلیقه

الف: ۲- رمزهای فنی

- ۲-۱) نما: تعداد کم نمای درشت و به تعداد زیاد، بطور متناوب از نماهای متوسط و دور استفاده شده است؛ که در پی نشان دادن احساسات بازیگران با نشان دادن حالت چهره شان و همچنین القاء صمیمیت و نزدیکی به مخاطب و در عین حال ارائه زمینه است.
- ۲-۲) زاویه دوربین: هم سطح است که القاء کننده برابری با مخاطب است.
- ۲-۳) نوع عدسی: عادی است، تداعی یک زندگی معمولی (یک جریان عادی) است.
- ۲-۴) ترکیب بندی: متقارن و ایستاست که القاء کننده فضای آرام است.
- ۲-۵) وضوح: بجز اول صحنه که وضوح ملایم است، همه جا حالت کانونی عمیق (عمق میدان) است یعنی تمام عناصر مهم هستند.
- ۲-۶) نورپردازی: مایه روشن است؛ بیان کننده خوش بختی و شادی است.
- ۲-۷) رنگ: رنگ های گرم استفاده شده است که تداعی کننده شادی و شور هستند.

ب:

REF	ACT	SYM	SEM	HER	
- ارجاع به مسئولیت پذیری افراد در قبال وظایفشان	- با لهجه صحبت کردن/ بدون لهجه	- ارجاع به ارجاع به لزوم مجازات در قبال قصور در انجام وظایف	- ارجاع ضمنی به پاسخگو بودن افراد در قبال وظایفشان	- چرا بچه ها باید بدانند که همه چیز حساب و کتاب دارد؟	صحنه شماره ۱۱
- ارجاع به اجرای آداب و رسوم	- خنده - وظیفه شناسی/ عدم	- ارجاع به ارجاع به آداب و رسوم	- ارجاع ضمنی به پابندی به آداب و رسوم	- چرا بچه ها باید زکاوت داشته باشند؟	

<p>- ارجاع به لزوم حفظ محیط زیست</p>		<p>وظیفه شناسی - تنبیه/ تشویق - تنبل/ زرنگ - غلط/ صحیح - حفظ طبیعت/ تخریب طبیعت</p>	<p>ضمنی به پرهیز از انتظارات نا بجا - ارجاع ضمنی به عدم تنبیه بدنی کودکان توسط بزرگترها - ارجاع به طبیعت دوستی و حفظ محیط زیست</p>	<p>بچه ها نباید از درس و مشق شکایت داشته باشند؟ - رسوم و آیین به چه معناست؟ - هدف از انجام رسوم و آیین ها چیست؟ - چرا بچه ها باید با رسوم و آیین های موجود آشنا باشند؟ - چرا بچه ها نباید از بزرگترها انتظار</p>	
--	--	---	--	--	--

				عیدی داشته باشند؟ - چرا بچه ها در قبال انجام ندادن تکالیف خود باید انتظار تنبیه شدن را داشته باشند؟ - چرا پدر مهربان کودک خود را تنبیه بدنی نمی کند؟ - چرا بچه ها باید مواظب طبیعت باشند؟	
--	--	--	--	--	--

ج:

در سطح اول دلالت بر نمایشی آمیخته با آواز درباره درس، معلم، شاگرد و مدرسه است.

در سطح دوم دلالت، در وهله اول معلم را فردی با تجربه و عاقل (قد خمیده و عینک به چشم) معرفی می کند که نسبت به شاگردانش خیرخواه است و پیرو آن متذکر وظیفه شناسی دانش آموزان در قبال وظیفه اصلیشان یعنی درس خواندن می شود، علاوه بر این وظیفه شناسی کودکان را نه تنها در مورد درس و درس خواندن بلکه در قبال یادگرفتن آیین های موجود در جامعه برای حفظ آن ها و همچنین وظیفه شناسی کودکان در برابر محبت بزرگترهایشان که همان قدردانی و پرهیز از توقع های نا بجا و همچنین وظیفه آن ها در قبال حفظ طبیعت نه تنها برای خود بلکه برای بقای محیط زیست برای نسل های آینده می داند. در سطح سوم دلالت بر لزوم آموزش مسئولیت پذیری به کودکان در برابر خود و دیگران و همچنین هشدار دادن به کودکان که مجازات نتیجه عمل نادرست هر فرد است و شخص دیگری حتی نزدیکترین افراد مانند پدر و مادر موجب وقوع تنبیه نیستند، این خود فرد است که باعث این نتیجه ناخوشایند است و در عین حال یادآوری این نکته به کودکان که تنبیه در بیشتر موارد به نفع آن هاست و مانع از ضررهای احتمالی اشتباه کودکانه امروز فرد در آینده به او می شود. به عبارت دیگر این ایدئولوژی چنین فرضی را مسلم می داند که بزرگترها (پدر و مادر، معلم) محق اند و خشن نیستند (اگر کودکی را به خاطر عدم انجام تکالیف تنبیه می کنند) و مدافع کودک هستند و از سوی دیگر کودکان سر به هوا و مسئولیت گریزند و به ضرر خود و جامعه شان کار می کنند.

۹- زن و مرد (تفکیک جنسیتی)/ مورد تفاوت های رفتاری

۸۸/۱/۱ (صحنه شماره ۱۲) نمایش به شکل پانتومیم است اما یک راوی ماجرای نمایش را بازگو می کند.

چارلی فیتیله ای

راوی: عیدت مبارک، چارلی اومدی لباس بدوزی؟

چارلی داره تبریک میگه به آقای خیاط؛ از این پارچه می خوای؟ چارلی! اجازه بده آقای خیاط خودش پارچه رو برداره. امان از دست چارلی! چارلی مگه لباس عید نمی خوای، خوب پس بذار آقای خیاط کارش رو بکنه، بذار اول اندازت رو بگیره، چارلی! درست و ایستا اندازت رو بگیره، باز که رفتی اون پارچه ها رو دست زدی! چارلی شوخیت گرفته! مگه لباس برای شب عید نمی خوای خوب نباید این کارها رو بکنی، معذرت خواهی کن، آفرین؛ دست به قیچی نزن، بذار آقای خیاط کارش رو انجام بده، چرا زبون درمیاری اصلا کار درستی نیست با آقای خیاط شوخی می کنی! اون شب عید خیلی کار داره، چارلی خیلی کار

بد انجام دادی! دیگه به وسایل آقای خیاط دست نزن، اون چیه سوزنه؟ وای، چارلی تو سوزن زدی به آقای خیاط، نکن؛ آهان دیدت الان از مغازه بیرونت میکنه، لباس هم نداری؛ معذرت خواهی کن، چارلی چرا شمشیر بازی می کنی؟ چارلی برو بیرون. (همشین با صحنه بعدی که مجری می گوید: الهی الهی بچه ها وقتی شما با بزرگترها می رید خیاطی اون ها می خوان لباس براتون انتخاب کنند؛ کمک می کنید، این خیلی خوبه)

الف: ۱- رمزهای میزانشن

(۱-۱) صحنه پردازی: محل وقوع روایت یک استودیوی تلویزیونی است، دکور تداعی کننده یک مغازه خیاطی است.

(۱-۲) وسایل صحنه: چرخ خیاطی، میز، پارچه، کت، سوزن، قیچی، متر، عینک، عصا

(۱-۳) رمزهای غیرکلامی: درآغوش کشیدن، دست دادن، زبان درآوردن، سیبل مدل چارلی چاپلین

(۱-۴) رمزهای لباس: کت و کلاه مدل چارلی چاپلین، جلیقه، عینک

الف: ۲- رمزهای فنی

(۲-۱) نما: متوسط و دور است که سعی در ایجاد رابطه با سوژه و نیز تشریح بافت و زمینه دارد.

(۲-۲) زاویه دوربین: هم سطح است که القاء کننده برابری با مخاطب است.

(۲-۳) نوع عدسی: عادی است تداعی کننده یک زندگی معمولی (یک جریان عادی) است، تا جای که احساس می کنیم از نزدیک شاهد این صحنه هستیم.

(۲-۴) ترکیب بندی: متقارن و ایستاست که القاء کننده فضای آرام است.

(۲-۵) وضوح: حالت کانونی عمیق (عمق میدان) است یعنی همه چیز در نما اهمیت دارد "به همه چیز نگاه کن".

(۲-۶) نورپردازی: مایه روشن و کم تضاد است، این دو رمز نورپردازی با هم تداعی کننده حس خوشبختی در عین روزمرگی است.

(۲-۷) رنگ: سیاه و سفید است که تداعی واقع گرایی را می کند.

ب:

REF	ACT	SYM	SEM	HER	
- ارجاع به نحوه جامعه پذیری کودکان	- به دلیل دست زدن به وسایل و شوخی کردن	- شوخی / جدی	- ارجاع ضمنی به اینکه بچه ها باید مودب و حرف گوش باشند	- چرا چارلی نباید دست به پارچه های مغازه خیاطی و وسایل آقای خیاط بزنند؟	صحنه شماره ۱۲
- ارجاع به تفکیک جنسیت: پسرها مجازند شیطنت کنند این یک امر طبیعی است	باید از آقای خیاط عذرخواهی کرد.	- کار - درست / کار نادرست	(چارلی) معذرت خواهی کن).	- چرا چارلی باید از آقای خیاط عذرخواهی کند؟	
		- بد / خوب	- ارجاع ضمنی به این که بچه ها نباید بازی گوش و شیطان باشند.	- چرا شوخی با آقای خیاط کار بدی است؟	
		- عذرخواهی / عدم عذرخواهی	- ارجاع ضمنی به این که شیطنت بچه ها باعث تنبیه شان می شود (بچه ها خودشان مقصرند).		

ج:

در سطح اول، این صحنه بر اتفاقات رخ داده در یک مغازه خیاطی دلالت دارد.

در سطح دوم دلالت بر هشدارهای به کودکان دارد که گوش کردن به آن‌ها به نفع کودکان است به طور مثال کودکان اگر مودب و حرف گوش کن باشند و بازی گوش‌ی نکنند، محبوب بزرگترها می‌شوند و در غیر این صورت شایسته تنبیه و بی‌مهری از طرف بزرگترها (بیرون انداختن کودک بازی گوش از خیاطی) هستند و کسی جز خودشان مقصر نخواهد بود.

در سطح سوم به یکسری باید و نبایدهای رفتاری اشاره می‌کند، در زندگی اجتماعی بشر قوانین نوشته و نانوشته بسیاری وجود دارد که این قوانین مورد قبول جمع‌کنی از افراد تشکیل دهنده جامعه است و باید برای ورود کودکان به زندگی اجتماعی آن‌ها را به کودکان آموخت، در واقع اصول تربیتی پذیرفته شده در دنیای بزرگسالان را برای تکامل مراحل جامعه‌پذیری و پذیرش کودک به عنوان یک عضو از جامعه باید به کودکان آموخت، که این به صورت یک امر ایدئولوژیک غالب ارائه می‌شود اما در کنار آن به امر ایدئولوژیک دیگر هم اشاره دارد و آن استفاده از چارلی این هنرپیشه کم‌دین، شیرین کار است، چارلی به مثابه یک پسر بچه است که مشغول شیطنت کودکانه است؛ هر چند به طور ضمنی هشدار تربیتی به بینندگان داده می‌شود که اگر شیطنت کنند، تنبیه می‌شوند و کسی جز خودشان مقصر نیست اما به بیان ایدئولوژیک می‌گوید: شیطنت کردن جز ذاتی پسرهاست و این امر کاملاً برای جنس مذکر طبیعی است، چیزی که بارت آن را "پیش‌نامزدی" نامید، به نوعی تفکیک جنسیت هم در این صحنه وجود دارد.

۱۰- معنویت / مادیت: مورد مرگ و معاد

۸۸/۱۳ (صحنه شماره ۱۳) صحنه ترکیبی از دیالوگ و آواز است یک عکس از پدر بزرگ و فرزند و نوه که بازیگران برنامه آنرا اجرا می‌کنند.

نوه: سال کهنه رفت و باز بهاره، دوباره جشن روزگاره، شکوفه زد دوباره

پسر: خدا رحمتمون کنه

پدر بزرگ: خدا بیامرزتمون

پسر: چه مرد نازنینی بودم من

نوه: واقعا

پدر بزرگ با اشاره به خود: این از تربیت منه

پسر با اشاره به نوه: چه پسری تحویل دادم من

نوه: قربونت برم من بابا

"آواز: سال کهنه رفته و اومده بهار، به لطف ایزد یکتا نو شد روزگار، یک سال از عمر ما رفت وای آدم ها، خداوند فرصتی دوباره داد به ما، بهار اومد گل دراومد غم و غصه دیگه سر اومد از گل و سبزه خبر اومد، آی دسته دسته شکوفه رو شاخه دلم نشسته، می گذره روزهای عمر ما آسون، چه غمگین باشیم چه خندون، پس بیاید قدر هم رو بدونیم، برای هم بمونیم."

الف: ۱- رمزهای میزانشن

- (۱-۱) صحنه پردازی: محل وقوع روایت یک استودیوی تلویزیونی است، بازیگران بالا تنه ی خود را پشت یک قاب چوبی قرار داده اند و یک قاب عکس را بازنمایی کرده اند.
- (۱-۲) وسایل صحنه: قاب چوبی که در گوشه آن یک پارچه مشکی به شکل اوریب نصب کرده اند، ریش و سیبل، کلاه لبه دار، عینک
- (۱-۳) رمزهای غیرکلامی: سر تکان دادن (هنگامی که می خوانند سال کهنه رفت.. خدا بیامرزتمون)، اشاره با دست به یکدیگر
- (۱-۴) رمزهای لباس: کلاه لبه دار، کت

الف: ۲- رمزهای فنی

- (۲-۱) نما: نماها تلفیقی از درشت، بسیار درشت و دور هستند؛ که در پی القاء صمیمیت و نزدیکی به مخاطب و همچنین نشان دادن احساسات بازیگران با نشان دادن حالت چهره شان در عین حال ارائه زمینه است.
- (۲-۲) زاویه دوربین: هم سطح است که القاء کننده برابری با مخاطب است.
- (۲-۳) نوع عدسی: عادی است، تداعی یک زندگی معمولی (یک جریان عادی) است.
- (۲-۴) ترکیب بندی: متقارن و ایستاست که القاء کننده فضای آرام است.
- (۲-۵) وضوح: حالت کانونی عمیق (عمق میدان) است یعنی همه چیز در نما اهمیت دارد "به همه چیز نگاه کن"؛ بجز آغاز صحنه که وضوح ملایم است که غم از دست دادن را القاء می کند.
- (۲-۶) نورپردازی: مایه روشن و تضاد کم است، این دو رمز نورپردازی با هم تداعی کننده حس خوشبختی و روزمرگی است.
- (۲-۷) رنگ: سیاه و سفید است که تداعی واقع گرایی را می کند.

ب:

REF	ACT	SYM	SEM	HER	
- اعتقاد به معاد		- مرگ / زندگی	- ارجاع ضمنی به	- لفظ خدا بیمارز در چه موافعی به	صحنه شماره ۱۳
- ارجاع به سفارش اسلام به مهرورزیدن انسان ها نسبت به یکدیگر		- کهنه / نو - پیر / جوان	حرمت مردگان در نزد ایرانیان - ارجاع ضمنی به	کار می رود؟ - چگونه پدر بزرگ، پسرش را تربیت کرده است؟	
- ارجاع به استفاده از فرصت ها (فرصت حیات)		- تربیت / عدم تربیت - فرصت از دست رفته / فرصت داده شده - غم و غصه / شادی	حیات دوباره انسان ها و ارتباط آن ها در جهان پس از مرگ - ارجاع ضمنی به	- چرا گذر عمر برای انسان ها ناراحت کننده است؟ - فرصت دوباره ای که خداوند به انسان ها داده است، برای چیست؟	
		- غمگین / خندان - قدر دانستن / قدر ندانستن	ارپایدار بودن زندگی این دنیا - ارجاع ضمنی به عبرت گرفتن	- چرا دل انسان به شاخه گل یا درخت تشبیه شده است؟	

				- چرا و چگونه انسان ها باید قدر هم را بدانند؟
--	--	--	--	---

ج:

در سطح اول دلالت بر آوازی درباره آمدن بهار دارد. در سطح دوم دلالت بر محترم بودن رفتگان در نزد ایرانیان دارد و در عین حال اشاره بر موقت بودن زندگی دنیایی دارد و اشاره به عبرت گرفتن از تغییر فصول و آمدن ها و رفتن ها برای ارزش نهادن به فرصت های موجود دارد. در سطح سوم، دلالت بر اعتقادات مذهبی از جمله معاد و حیات دوباره انسان پس از مرگ و همچنین تأکید اسلام به مهرورزی انسان ها بویژه در زمان حیاتشان است. در واقع اشاره به این دارد که همراهی مرگ با انسا نها یک امر طبیعی و زمان مشخصی هم ندارد.

۱۱- موارد مورد پسند/ موارد ناپسند: ۱- پرهیز از تمسخر دیگران ۲- پرهیز از اسراف

۱۱-۱ پرهیز از تمسخر دیگران

۸۸/۱۷ (صحنه شماره ۱۴) مجری در حالی که گل های قرمز و صورتی به دست دارد، به دور خود می چرخد و وارد صحنه می شود.

"... دوست عزیز من گفت: عمو قناد، اگر کسی عینک می زنه به چشمش این اشکال داره؟ گفتم: نه عزیز دلم چه اشکالی داره! گفت: آگه کسی قدش کوتاست اشکال داره؟ گفتم: نه قربونت برم چه اشکالی داره! (خطاب به بچه های مهمان) بچه ها اشکالی داره؟ (بچه ها: نخیر)، چشم ما ممکن ضعیف باشه و پزشک بگه باید عینک بزنی، خوب عینک می زنیم خیلی از بزرگترها عینک رو موقع مطالعه می زنند خیلی از بچه ها می خواد چشمشون ضعیف بشه، می گن عینک بزنی که ضعیف تر نشه؛ حالا آگه کسی احیانا قدش کوتاست چه اشکالی داره؛ همه برای هم دیگه عزیز هستند، قد کوتاه قد بلند فرقی نداره، ما باید به هم دیگه احترام بذاریم این یادمون نره پس هیچ وقت کسی رو دست نمی ندازیم آآآ (خطاب به بچه های مهمان) درست بچه ها؟ (بچه ها: بله) حالا بریم سراغ یه کار دیگه، چه کاری؟ تو

این ایام مهمان می ره مهمان میاد مهمان حبیب خداست حالا ما هم یه مهمان فیتیله ای داریم.
(اشاره به صحنه بعد)"

الف: ۱- رمزهای میزانشن

۱-۱) صحنه پردازی: محل وقوع روایت یک استودیوی تلویزیونی است، مجری روبروی جایگاه بچه های مهمان می ایستد.

۱-۲) وسایل صحنه: جایگاه نشستن بچه های مهمان، ردیف گل ها، تنگ ماهی، صندوق بزرگ

۱-۳) رمزهای غیرکلامی: لبخند، اشاره با دست به دوربین، چرخیدن

۱-۴) رمزهای لباس: بلوز سبز رنگ، شلوار سفید همراه با کمر بند، کفش مشکی

الف: ۲- رمزهای فنی

۲-۱) نما: نمای متوسط و دور و به تعداد بسیار کم از نمای درشت استفاده شده است که سعی در ایجاد رابطه با سوژه و نیز تشریح بافت و زمینه دارد.

۲-۲) زاویه دوربین: هم سطح است که القاء کننده برابری با مخاطب است.

۲-۳) نوع عدسی: عادی است، تداعی یک زندگی معمولی (یک جریان عادی) است.

۲-۴) ترکیب بندی: نامتقارن و ایستاست که القاء کننده فضای آرام است.

۲-۵) وضوح: حالت کانونی عمیق (عمق میدان) است یعنی تمام عناصر مهم هستند.

۲-۶) نورپردازی: مایه روشن است؛ بیان کننده خوش بختی و شادی است.

۲-۷) رنگ: لباس مجری رنگ سرد دارد که مایه آرامش است و در تلفیق با رنگ های گرم به کار رفته در دکور برنامه مایه شادی و شور است، محیطی شاد و فرح بخش به دور از هر گونه تشویش را القاء می کند.

ب:

REF	ACT	SYM	SEM	HER	
- ارجاع به حرمت داشتن انسان فی النفسه - ارجاع به اعتقادات مذهبی	- چون همه برای هم عزیزند	- ظاهر/ باطن - تفاوت/ تشابه - احترام/ بی احترامی - مهمان/ هرکس دیگر	- ارجاع به ضمنی به حرمت گذاشتن به دیگران - ارجاع به پرهیز از تمسخر کردن دیگران - ارجاع به ضمنی به مهمان نوازی ایرانی ها	- چرا نباید ظاهر دیگران را مسخره کرد؟ - چرا به مهمان، حبیب خدا می گویند؟	صحنه شماره ۱۴

ج:

در سطح اول مجری درد دلی از زبان یک کودک را مطرح می کند. در سطح دوم اشاره به حرمت گذاشتن به یکدیگر و پرهیز از رنجاندن دیگران به خاطر عیب های ظاهری دارد و همچنین به حرمت مهمان برای ایرانی ها تا جای که مهمان را حبیب خدا می نامند که البته این حرمت به وسیله آموزه های دینی اسلام هم تقویت شده است و آموزش این مهم به کودکان را اشاره دارد. در سطح سوم دلالت بر ارزش ذاتی انسان به دور از اختلاف های ظاهری انسان ها با هم و لزوم حرمت گذاشتن به نفس انسان است و در کنار آن اشاره ای به اعتقادات مذهبی که تأکید مضاعفی بر ارزشمند بودن ذات انسان هاست، دارد.

۱۱-۲ پرهیز از اسراف

۸۸/۱/۶ صحنه شماره ۱۵:

مجری " ... قدیمی ها بازی های خیلی قشنگی دارن، از قدیمیا هم یاد بگیریم، پدربزرگ، مادربزرگ ؛ گفتم قدیمیا، یادش بخیر؛ (با اشاره به دوربین) آفرین، بسیاری از شما بچه ها رو می بینم که لباس خواهر بزرگترتون رو پوشیدید یا اون پسر گلم که لباس برادر بزرگترش رو پوشیده این خیلی خوبه، حتما لباس نباید خرید، آفرین به شما."

الف: ۱-رمزهای میزانشن

۱-۱) صحنه پردازی: محل وقوع روایت یک استودیوی تلویزیونی است، مجری روبروی جایگاه بچه های مهمان می ایستد.

۱-۲) وسایل صحنه: جایگاه نشستن بچه های مهمان، ردیف گل ها، تنگ ماهی، صندوق بزرگ

۱-۳) رمزهای غیرکلامی: لبخند، اشاره با دست به دوربین، ریش و سبیل مرتب

۱-۴) رمزهای لباس: بلوز سبز رنگ، شلوار سفید همراه با کمربند، کفش مشکی

الف: ۲-رمزهای فنی

۲-۱) نما: نمای متوسط و دور است که سعی در ایجاد رابطه با سوژه و نیز تشریح بافت و زمینه دارد.

۲-۲) زاویه دوربین: هم سطح است که القاء کننده برابری با مخاطب است.

۲-۳) نوع عدسی: عادی است، تداعی یک زندگی معمولی (یک جریان عادی) است.

۲-۴) ترکیب بندی: متقارن و ایستاست که القاء کننده فضای آرام است.

۲-۵) وضوح: حالت کانونی عمیق (عمق میدان) است یعنی تمام عناصر مهم هستند.

۲-۶) نورپردازی: مایه روشن است؛ بیان کننده خوش بختی و شادی است.

۲-۷) رنگ: لباس مجری رنگ سرد دارد که مایه آرامش است و در تلفیق با رنگ های گرم به کار رفته در دکور برنامه مایه شادی و شور است، محیطی شاد و فرح بخش به دور از هر گونه تشویش را القاء می کند.

ب:

REF	ACT	SYM	SEM	HER	
- ارجاع به سنت ها - ارجاع به آموزه های دینی		- قدیم / جدید - پدربزرگ و مادر بزرگ / بچه ها - خواهر / برادر - نو / کهنه - خریدن / نخريدن	- ارجاع ضمنی به زنده نگهداشتن سنت ها حتی در قالب بازی های کودکانه - ارجاع ضمنی به روزهای خوش کودکی (یادش بخیر) - ارجاع ضمنی به پرهیز از اسراف	- چرا بچه ها باید بازی های قدیمی را از پدربزرگ ها و مادر بزرگ ها یاد بگیرند؟ - چرا بزرگترها قدیم را با عبارت "یادش بخیر" یاد می کنند؟ - چرا پوشیدن لباس برادر یا خواهر بزرگتر توسط بچه های کوچکتر کار خوبی	صحنه شماره ۱۵

				است؟	
--	--	--	--	------	--

ج:

در سطح اول مجری درباره بازی، استفاده از لباس خواهر و برادر بزرگتر صحبت می کند. در سطح دوم دلالت بر این دارد که بچه ها با یاد گرفتن بازی های قدیمی آن هم از افراد موثق یعنی پدربزرگ و مادربزرگ موجب زنده نگاه داشتن سنت ها و به نوعی ایجاد پیوند میان نسل گذشته با نسل آینده می شوند و همچنین اشاره به روزهای تکرار نشدنی کودکی تا جای که بزرگترها با حسرت از آن روزها یاد می کنند؛ همچنین توصیه به پرهیز از اسراف کردن، آن هم از دوران کودکی را می کند.

در سطح سوم دلالت بر لزوم آموزش و انتقال سنت ها از دوران کودکی حتی در قالب بازی ها و لزوم آموزش پرهیز از اسراف کردن (در آموزه های دینی هم تأکید بر آن شده است) به بچه ها را دارد؛ جامعه پذیری کودک از طریق سنت و مذهب محقق می شود.

ضمیمه ج) تصاویری از برنامه





Abstract:

One of the most important concerns of the human society is the transfer of ethical values to new generations; as a result, the mass media, especially television is one of the most efficient means for transferring these values. This thesis attempts to examine the ethical approach adopted in children's TV programs, named "*Fitileh*". The main questions of the research may be proposed as follows:

- 1- What is / are the educational method(s) offered by "*Fitileh*"?
- 2- If the educational method(s) of the said program is / are indicative of an ethical discourse?
- 3- What are the characteristics of the said program if it has been based on an ethical approach?

For gathering and analyzing the data of this research, various methods are used including models developed by Selby and Kadoury, Barthes and Fisk.

The methods introduced in this collected data is intended to divide the two main approaches towards the issue of communication i.e. Transformative and Ritual approaches.

The result of the research indicates that "*Fitileh*" attempts to coordinate an ethical discourse, offering a content to children through which, they are obliged to live in the world of "musts". This ethical discourse allows the program to fall away from reality. Also, the result indicates "*Fitileh*" as having the features of a specified ritual (symbolic action, execution, prevailing behavior etc) and tries to nurture the children in a new form. This new method is considered as one close to the Islamic nurture teachings in a ritual manner such as an electronic surrogate. Based on this result, the audience of this program are introduced as "angels", "infallible" and, at the same time, "negligent" and "needy for advice" etc.

Key words:

Child, nurture, nurturing method, discourse, ritual, semiotics